

از لندن قازم امریک شده است عزیمت مشار الیه
بوجهی تعلق باین مسئله ندارد برای انجام دادن
باره کارهای شخصی خود بوده است .

راپورتی که از جانب (سیو اسکو) در باب
اصلاح محاکم مختلط مصر و خصوصاً در باره
استعمال زبان انگلیس در محاکم مذکور نوشته
شده بود از جانب حکومت پذیرفته گردید .
زیرا در محاکم مذکور بزبانهای عرب و فرانسه
و ایتالی گفتگو میشد زبان انگلیس تاکنون
مستعمل نبوده است . و نیز چنانکه تا حال
در محاکم مصر نظامنامه تجارتي فرانسه معمول
بوده است بعد از این نظامنامه تجارت انگلیس
هم مرعی الاجرا خواهد بود .

داخلیه

(اصلاحات آسان است یا دشوار ؟)

اهل اروپا در این جزه زمان مطلب اصلاحات
مشرق زمین را بعبارت خودشان ورد زبان کرد
اند . بسیار خوب اصلاحات در مشرق زمین یعنی
مالک عثمانی ابتداء لازم است و همه کاسه و کوزه
سازی در پیش و کسب و بهیم بافتن دوتاهای اروپا بچنگ
و جدالها و بحث و قال و قیلا و هسای هوی
و خونریزیها برای این بود که برای مداخله باین کار
و عنوان کردن این مطلب در نظر کاه عالیان
حق برای خودشان ثابت کنند و کردند . و امروز
کاری که در عهده دارند عقب کردن مطلب است
تا بجایی برسند و نتیجه را بدست بیاورند . در مقدمات
این مطلب سخن بسیار است و اکنون شرح
مطلب و چارچوبی در مقدمات بیوده است
بعلمت آنکه اروپایان براسب مقصود سوار شده اند
محصور کرده اند و کار را بجایی رسانیده اند که هر
چه بگویند نفس نمیتوانیم کشید و نمیتوانیم گفت
بشما چه بکارهای داخلی ما مداخله میکند ما بیل
خود اصلاح خواهیم کرد از این مداخله شما
علاوه بر اینکه خارج از وظایف و حقوق دواایه
است و ثمری هم از این اصرارها حاصل نمیشود
بیشتر باعث اشکالات و انقلابات شده نفوذ حکومت
را در باره اهالی زائل میکند و مردم مشرق
زمین یعنی جزو بزرگی از آن که نیمه غیر مسلم هستند

بواسطه این اصرارهای خارجی بکلی بای از
اندازه بیرون کرده انقلابات بسیاری را در اجرای
ملك پیدا میکنند . انگلیس در سمت اناطولی
قونسلهای مخصوصی میگذارد که از اوضاع رعیت
و رعیت داری حکومت روزنامهها بدولت خود
شان بنویسند روس بطور دیگر میخواهد از
تسلط حکومت در ملك خود بکاهد و در این
باب اگر ظاهر را هم میگوید طالب اجرای
اصلاحات در مالک عثمانی و در مالک
متجاوره هستیم در معنی اصراری در این باب
ندارد . سایر دوتاهای نیز هر کدامی بیک وضع خاصی
چشم و گوش و دست مداخلات در این مقامات دارند .
اخبارنامههای اروپا هم در این مطالب قصول
و ابواب کونا کون نوشته یکی میگوید بدولت
عثمانی باید مهلتی داده شود که بعد از همه ضررها
و صدمات وارده آرامی گرفته بتدریج اصلاحات را
اجرا نماید . دیگری میگوید بد این یکی غلط است
باید زود آورد و تا بیک ساعت زودتر طوعا و کرها کار
اصلاحات از پیش برود . این مختصر مسلك
حالی اروپا است که - سخنان حق نمایی هم در این باب
دارند و حقیقه هم بسیاری از آن سخنان قطع
نظر از کوییده کان مطابق واقع است . چنانکه
میتز میند بخوانند ماقال و لا تنفرون قال . لیکن
امروز ماها در مقابل این اصرارهای باغرض
اروپایان کاری نمیکنیم سهل است می خواهیم
بسخن تنها قناعت کرده بعد از همه تفصیلات
کار را بوعده ببندازیم و گاهی هم که اخبار نامهها
خطابههای بزرگان اروپا در خصوص اصلاحات
می بینیم مدافعات و ایراد جوابهایی آنان را میخواهیم
ساخت کنیم ! این یکی را تصور نمی کنیم که
هر قدر که در این راه ما را توفیق عارض می شود
اروپا از حصول مقصود حقیقی خود بمان
نسبت امیدواری حاصل میکند . آری اروپا
بجهت اصلاحات خواستن مقاصد و آرزوهای
بسیار در حق مشرق زمین دارد . این است که
در حق اجراءات اصلاحیه قول اصرار دارند
و فعلا بوجهی باری و معاونت از ایشان دیده نمی
شود . پس مقصودشان فی الحقیقه اصلاح
نیست بل اشکال انداختن و مشوش کردن کار
است . و این هم بالطبع باید چنان باشد چه دوتاهای
و ملتای اروپا عاشق جلال اسلامیان و شوکت
اسلامیان نمی باشند . باین حالت که بقیه داریم
خبرخواهی آمان در حق ما مشوب بغرض نفسانی

است هرگز نشانه نشده چون بمسال خود نظر
می کنیم می بینیم که باز به کمال غفلت نشده ایم
و خودمان را هدف تعرضات غرض آمیز یکانکان
کرده و در فکر بیان کار خودمان نیستیم . غیب
است گفتم اعتماد بگفتههای آنان داریم و رفته کار
خودمان را بمسراحت بدست نصرفات منفرفه
یککانکان یعنی دشمنان دوست نماداده هیچ از خود
و برای کار خود خیالی و تدبیری نمی اندیشیم
و همه بشخصیات و اغراض نسیبه کار کرده بطور
پریشان و متفرق زندگی میکنیم و بسیاری از
روسا و ارکان دولت و همچنین علما و پیشوایان
ملت بخاطر جمع و همت و عزم متفلسفه افغانی
نمیکند و تنها برای حفظ مقام و وضع خود کار
میکند نه آثار درد دینی از ایشان دیده میشود
نه در صلاح جویی دولت و ملت و وطن داری عزم
قوی و رای محکم و استواری ظاهر میسارند .

(از بهر شکست دل من بسته صبی)
(بار از طری و روزگار از طری)

اصلاحات چیست ؟ آسان است یا دشوار ؟
اصلاحات عدالت است . اگر اتفاقی در اجرای
عدالت بشود آسان است و گرنه دشوارترین
کارها است اصلاحات معنی اسلامیت است هر
گاه مسلمانی را بفهمیم و بفهمد اسلام کار کنیم
سهل است و گرنه بیخ . اروپا - فرنگستان
به عدالت ساخته روز بروز ترقی دارد . اسلامیان
بملت پراکنده کی اجرا و رعایت نکردن بشرايط
عدل و داد و متفرق شدن در جهات دیانت خودشان
و بعبارت واضحتر بجهت ترك نمودن حقایق آداب
اسلامیت و نامناسب بودن دیانت و مسلك
و آداب مذهبی ایشان با وضع اروپا از آنها جدا شده
و از آنها جدا مانده اند

(اگر مسلمانی همین است که ماها داریم)
(آه اگر از بی امروز شود فردایی)

بالله با آواز بلند بر جبهه مسلمانان و علمای
اهل مشرق زمین میشنوایم که اگر مسلمانان
و نیک بختی شمارا لازم است باید از کارهای گذشته
عسرتی بگریید و آینه را خطرناک دیده انفسان
بکنید اسباب رابطه مودت و موافقتی را که منتهی
بیک اتفاق محکم و استوار است ترتیب داده ایهای وطن
اسلامی را زیر بیرق اتحاد بیورید . و الا فعلی
الاسلام و ایمان الاسلام .

جناب مستناب رئیس وکلای دیر، عصری
رای ملاقات یا کونت زنجی بسفارت
توسه تیارفته اند بجهت اینکه سفیر مشاریه
در سفارتخانه نبوده است ملاقات واقع نشده از
آنجا برای افسار باین همایون عزیت نموده

جناب دولتی در ویش پاشا کوماندان
ارضروم باسلامبول احضار شده است - اخبار
نامه امینو بسند جناب مشاریه را ماموریت
دیگر داده شده مشردیکری بارضروم فرستاده
خواهد شد -

بیشتر در حین برداشته شدن قائمه از تداول
کفیت و چگونگی معاملات که متعلق بخزائن
دولت است بموجب قرارنامه در تاریخ ۸ مارت
رومی سال ۱۲۹۵ از جانب حکومت اعلان شده
بود - اکنون نیز از جانب حکومت سنیه
در باره قرض و بدلات اجاره و غیره در میان عموم
اهالی بموجب سند یا مقاله که بنام قائمه و یاد که دیگر
شده است در اداره تنظیمات شورای دولت
قرارنامه ذیل نوشته شده از جانب هیئت عمومی
و جنس مخصوص وکلا تصدیق شده برای اعلان
و اجرای آن اراده سنیه اعلا حضرت پادشاهی
نیز طرف صدور یافته است - برای اطلاع
همگان مابین ترجمه آن پرداختیم -

ترجمه قرارنامه

ماده اولی - پیش از ۱۵ ماه رجب
سال ۱۲۹۳ و ۲۵ تومزدومی سال ۱۲۹۲
در جنوز قوائم نقدی بتداول نیامده بود هرگونه
قرضی که از آن تاریخ تاکنون مانده است هر نوع
مسکوکات که بوقت بموجب مقاوله و سند از قبیل
ای طلا و پول نقره و غیره در میان مردم
بتداول بود عمداً باید کار سازی بشود - قرضهای
که پیش از تداول قائمه بود جنس پول بصراحت
مهرین نشده است قروض رایج یعنی برای طلای
شاهی از قرار یکصد وجه و سالیک از قرار
یکصد و پن فیروش حساب شده خاص آن نیز
باین حساب باید داده شود -

ماده دوم - در حین تداول قائمه

هرگونه قرض که جنس او همین شده است باز
بهمان جنس باید تادیه کرده شود -

ماده سوم - بعد از انتشار و تداول
شدن قائمه هر فرضی که بتصریح عسدد قائمه
و باینکه قائم از قرار یکصد قروش مقاوله شده
باشد قرضهای مذکور و معاش خدمتکارها
و مزد عملجات را باید یک لیرا را از قرار چهار
صد و پنجاه قروش صاغ حساب کرده داده شود
و باینکه در روز وعده قرضهای مذکور مرزیه
لیرا در بازار هر قدر که بوده است از آن قرار حساب
نموده کار سازی بشود -

ماده چهارم - پس از تداول شدن
قائم هرگونه قرض که جنس او بتصریح نشده
بمحاسب قروض رایج باشد هر یکصد قائمه یکصد
قروشی را صد قروش حساب نموده چند صد قائمه
یکصد قروشی که بوده باشد موافق احکام ماده
سوم رفتار کرده شود -

ماده پنجم - احکام قرارنامه که
در باره معاملات دیوانی در تاریخ ۸ ماه مارت
رومی سال ۱۲۹۵ داده شده است تکاگان باقی
و برقرار است - ولی مقاولات انحصار بادوار
دیوانی و صندوقهای نقاعد و ایام و بلدی و منافع
و متوابعه که در دوائر دولت تشکیل یافته است
و نیز صندوقهای اوقاف و عوارض و مانند آنها
و معاملات تاسیساتی که بحساب دولت اداره نمی
شوند تابع حکم همین قرارنامه خواهد شد -

ماده ششم - پیش از انتشار همین
قرارنامه هر چه از وجه مقروضات داده شده
است مرعی و معتبر است چنانکه بموجود در
ایزاب راه اعتراضی باز نیست -

ماده هفتم - پس از انتشار قائمه مقاوله
اجاره نامی که بنام قروض بسته شده است
باشند همین قرارنامه فسخ و ابطال شده تکاگان
مرعی و معتبر گرفته خواهد شد - ولی بدلات
اجاره های که مقاوله نامه آن پیش از تاریخ ۸ مارت
سال ۱۲۹۵ و یا بعد از آن بسته شده تاکنون
باقی مانده است وجه آن نیز موافق احکام ماده
سوم کار سازی خواهد شد -

ماده هشتم - بموجب قائمه

داراقتون که در هنگام افو و ابطال قوائم نقدیه
بیشتری گذاشته شده است معاملات قرضهای قدیم که
تسویه آنها مقرر است در خارج از احکام همین
قرارنامه است -

خاتمه

احکام همین قرارنامه در اسلامبول و بیرونها
و در همه جاهایی که قائمه در آنجا تداول بوده
است شامل و مرعی الاجرا است -

فی ۲ رمضان ۱۲۹۶ و فی ۱۷ اگوست
رومی ۱۲۹۵

خارجیه

(لورد بیکون سقید) رئیس وکلای
انگستان در عارت صیغه خود که در (بوکنام)
واقع است مدت یکماه استراحت خواهد کرد -

اخبارنامه (هون) که در (پشته) طبع
و نشر می شود فقرات ذیل را مینویسد -

در زمانی که کونت اندراسی با تفاسق اعلا
حضرت امپراتور اوستریا به پترسبورگ رفته
بودند اعلا حضرت امپراتور روس یک قطعه
تصویر خود را که مرصع و بسیار کرانها بوده است
برای اظهار التفات مخصوصی خودشان بکونت اندراسی
فرستاده بوده است کونت مشارالیه از قبول تصویر
مذکور امتناع نموده گفته است که هرگاه
تصویر مذکور ساده می شد در قبول آن افتخار
میکردم ولی بجهت اینکه مرصع و قیمدار است از
پذیرفتن آن معذورم لهذا تصویر مذکور را
اعاده کرده است - پس از آن پرنس فورچانوف
گفته است (اگر من در مقام کونت اندراسی
می بودم چه حال تصویر مذکور را قبول میکردم)
کونت اندراسی هم در مقابل پرنس مشاریه
گفته است که (اگر من هم رئیس وکلای یک
دولت با اسنادی می بودم از پذیرفتن تصویر
مذکور امتناع نمیکردم چون رئیس وکلای دولت
مشروطی هستم لهذا قبول کردن هدیه کرانهای

مانند تصور مذکور در نظر عامه موجب نقص اعتبار من خواهد شد .

کتابی بنام (تاریخ اسلامیت) از تألیفات (مسیودوزی) که از مشاهیر مؤلفان اروپا و از اهل (فلک) است بلفظ فرانسه در شهر (لندن) طبع و نشر شده است .

کتاب مذکور عبارت از دو جلد بزرگ و دارای اطلاعات کامله و شایان دقت و مطابقت است . مؤلف مذکور پس از آنکه از عادات و اطوار و مذاهب اهالی عربستان پیش از ظهور نور پاک و پر توالت اسلام اطلاعات میدهد مناقب کزین حضرت فخر المرسلین و فتوحات بزرگ آن بر کزیده رب العالمین را بطور مفصل بیان میکند . پس از آن قرآن مبین و احادیث رسول امین را اساس سخن کرده خلاصه احکام جلیله کلام ربانی را با سایر ادیان تطبیق نموده از کیفیت انتشار اسلامیت و از آثار مجاهدین است و از رفتار و حرکات آنان با رعایت و زیر دستان و از وضع عمومی عالم اسلامیت در زمانهای خلفا و بنی امیه و عباسیه و پس از آن را و از ظهور فرقه های مذموم که از میان هفت اسلامیه ظاهر شده است و از وضع حالای مسلمانان چین و مغول و هند در کتاب مذکور بکمال دقت و بلاطراف نوشته و اطلاعات کامل داده است .

اعتقاد مؤلف مذکور این است که هیچ وقت عالم عیسویت بر عالم اسلامیت غلبت نتواند شد زیرا بنای اسلامیت متین و از استقبال خود امین است . هرگاه مسلمانان مانند عیسویان از علمای خود چه میانه تشکیل کرده برای انتشار مذهب مسلمانان باطراف و ممالک دور و دراز فرستاده بودند تا کنون در هند و چین بکنفر غیر مسلم باقی نمانده بود . مؤلف عمومی آیه میگوید چنانکه در فقرات مذکور هیچ شبه ندارم خاطر جمعی تمام دارم که هرگاه اهالی اسلام بمسائل این هم در این خصوص اقدامات لازمه بکنار بیندازند تعمیر خرابیهای زمانهای گذشته را توانند نمود . زیرا تجربه رسیده است آنکه از اهل کتاب نیستند باز از سایر مذاهب که نزدیک عیسوی هستند مذهب اسلام را بسند میکنند . مؤلف عمومی آیه در آخر سخن میگوید که

همه عالمها باید مسلمان بشوند یا یکی بی مذهب باشند . ولی هر حال مسلمانان مطلوب و مهم است . (وقت)

اخبارنامه (تعابلات) که در وین طبع و نشر می شود میگوید . این همه از جهت نزدیک مناسبات در میان دولتین اوستریا و آلمان اخبارنامه (وده موسیقی) که مروج افکار (پرس فورچافوف) رئیس وکلای روس است اظهار دلشکی کرده میگوید .

از روزیکه در میان دولتین آلمان و اوستریا مناسبات دوستانه رو باز دیار نموده است دو تنین مشارالیهما از دولت روس دوی چست و در صدد این هستند که با تفاق هم دیگر در این نزدیک بدولت روس اعلان جنگ بکنند . این فقره هم شایان دقت است که بمحض خالی کردن قشون روس نیم جزیره بالکان را که از اسلامبول دور شد دولت اوستریا بدون استحصا آرا بمجالس عمومی تعیین کردن مقدار و خرج پولی که در این باب لازم بود باشغال پیشکی بازار اقدام نمود .

دولت اوستریا در هنگام استیلا کردن مرکز مالکی را که مسکن اسلاوهای جنوبی بود از تصرف نمودن بوسنه و هرک نیز خاطر جمعی حاصل کرده علاوه بر آن نقطه مهمی را که حاکم ولایت سلاویک و خاک صربستان است مرکز قرارگاه اشغال کرده دولت روس را یکی از اروپ جدا ساخته دولت مشارالیهما از مقصود خود و اجرای وظیفه تاریخیه که عبارت از آزادی دادن باقوام اسلاواست باز داشته است .

جنرال اندانیف سفیر پیشین استامبول که حالا در شهر نیکی نو و کوکورو (سمت والیکری) دارد از جانب گروه نهاییست تمهیدنامه گرفته که در آن تمهیدنامه از جانب گروه نهاییست بقل و اعداد جنرال مشارالیه قرار داده شده بوده است . بنابر این جنرال مشارالیه همین ملاحظه از والیکری آنجا معاق و بولایت هر جدیدک والی شده است .

در پتس و در اداره پولیس خبر میدهند که در کوچه (دیویک) در دکان یک نفر خراز (یعنی خورده فردی) خیلی اسلحه و مهمات است لهذا شاهنکاران مذکور از جانب پولیس احاطه شده و در دکان داخل میشوند فی الواقع در دکان مذکور اسلحه و مهمات بسیار یافت شده فوراً صاحب دکان را گرفتار و حبس میکنند .

(اخبارنامه مونینور او نوورسل نام فرانسه) مینویسد . جزایر (جبل الطارق) و (مالطه) و (قیریس) که دست انگلیس افتاده است علاوه بر اهمیت حربه آنها کلیه تجارت بحری دریای سفید نیز همین وسیله کلی منحصر بدولت انگلیس شده است . دولت فرانسه را نیز لازم است که در مقابل آن مرکز تجارت بحریه در (بافه) تأسیس بکند . اخبارنامه مذکور شرح مفصلي در این باب نوشته زووم اینگونه مرکز تجارت بحری را برای دولت فرانسه بدلائل مفصل سپارش میکند .

اخبار نامه ای اوستریا مینویسد (مسیو لایف) نام تاجر اوستریایی که در پاريس اقامت دارد برای خریدن دکان بوسنه آنچه هزار فرانک اظه داده است .

از جانب اداره مطبوعات روس خطبات باخبرنامه ای آنجا اعلاتنامه منتشر شده است که در آن نوشته بوده است بعضی از اخبارنامه های نیم رسمی بصد دولت آلمان باره اقلات مینویسند که بچهره موافق مسلك دولت روس نیستند زیرا هر اخواهان با اسلاویزم و نهائیم برای استفاده کردن از بیانات افکار در میان دولتین روس و آلمان در نزد بعضی از اخبارنامه های نیم رسمی که فی الجمله بدو اثر رسمی روس منسوب هستند برای نویسندن اینگونه مقالات بر نحو می که هست و سبب پیدا کرده را بچستند .

اخبارنامه های آلمان از ملاحظه این اعلان رسمی از رفتار اخبار نامه ای از روسیه

میکنند که چگونگی می شود که اخبار نامهایی که منسوب بدو از حکومت هستند در خارج و خلاف مقاصد آن دایره سخن بگویند .

بوجب خبرهایی که از (قوصوه) گرفته ایم جمعیت بسیاری از ارناؤدهای مائیسور (یا قوه) بامم اجرین یکی شده برای یورش بردن بمحدود صربستان در صحرای قوصوه اجتماع نمودند . اینها میگویند که کومسیون تجدید حدود صربستان بعهده بی طرفی رفتار نموده برخلاف عهدنامه بر این پاره جاهایی را که بایستی در طرف دولت علیه عثمانی بماند بصربستان واگذار کرده اند . والی قوصوه بمجرد استماع این خبر با کوماندان عسکری آنجا مجازا کرده فوراً باجدبشا دستور العمل داده است که بمحل اجتماع ارناؤدها رفته آنان را از این حرکت منع نماید علاوه بر این هیتی نیز که مرکب از رئیس جاندارم ومدعی عمومی و بعضی از معتبران اهالی بود برای بند و نصیح بمحل جمعیت فرستاده بیغام داد که استدعای آنها از جانب حکومت مستقیم نظر اعتساده شده در این باب بذا کرات پرداخته خواهد شد . بنا بر این نصایح هیئت مذکوره و پیغام والی در نزد رؤسای جمعیت سود مند افتاده بمجاهای خودشان برگشته اند . (استانبول)

اخبارنامه (شتر زورنال) مینویسد . هیچ کس را شبیه نیست از اینکه اتفاق مثلث دولت های المان و اوستریا و روس بکلی محتمل شده خزان اتفاق تازه در میان دولت ها است امروزها هرگز بولیتیک در حقیقت اروپ وسطی است . پارس بسمارك دولت اوستریا را روابط بسیار محکم بانسان ربط کرده است چنانکه کونت اندراسی و باخلف آن بوجهی از آن رابطه و اتفاق جدا نتواند شد . هر قدر که در بر این از هوا خواهان باب دیده می شود دولت ایتالی نیز برای کسر نفوذ و اقتدار آن از ناچار مائل بتوافق دولت المان خواهد شد .

بنا بر این پارس بسمارك کوشش دارد که در میان دولت های المان و اوستریا و ایتالی عقد

اتفاقی کرده شود . عده سبب این اتفاق از ملاحظه وقوع جنکی بر ضد دولت های فرانسه و روس است .

در اخبارنامه (کورسپوندانس دو پست) دیده شد .

(مسیویاتوف) مدیر پویس بلغارستان که از صاحب منصبان روس است برای خریدن (طولیه) برای خاموش کردن حریق در بلغارستان به (پسته) وارد شده است بنا بر این چنانکه مسوع شده است پیشتر در (ودین) در میان عربده که قونسل دولت اوستریا را در آن عربده حفارتها از جانب حکومت بلغارستان شده بود این بار قونسل مومی الیه بمناسبت رفتن (مسیویاتوف) بچاک اوستریا بوزارت خارجه اوستریا تلگرافی نوشته است برای اینکه در عربده مذکور مسیویاتوف خود نیز قونسل مومی الیه را زده و حفارت کرده بود است توقف و محاکمه مومی الیه را بحکومت اوستریا بیان کرده است . لهذا از جانب وزارت خارجه اوستریا وزارت داخله مجارستان بواسطه تلگراف اخبار داده شده است که مومی الیه توقف شده بزر محاکمه آورده شود . بنا بر این از جانب حکومت مجارستان برای توقف مومی الیه حکم شده در ۱۷ ماه او فرنگی بک نفر پولیس باقامتگاه مومی الیه آمده از توقف شدن مومی الیه را اطلاع داد (مسیویاتوف) را فوراً بحضور محکمه آمده استنطاق و استجواب شده فقره مذکور را بکلی انکار میکند . اعضای محکمه پس از مذاکره قرار میدهند که مومی الیه تا ختام محکمه ضامن معتبری داده مرخص بشود . بعد از آن مدعی عمومی محکمه اوستریا بمومی الیه سپارش میکند که تا انجام محاکمه نباید از پشته بیرون رود مومی الیه باموس خود قسم بانمیکنند که تا اتمام دعوا از پشته بیرون نرود . دوتفر تاجر بلغار بموسیویاتوف ضامن شده است .

اخبارنامه (نایه فراه برسه) میگوید . سربازد سفیر انگلیس مقیم اسلامبول بایعالی پارس میکند که مسئله یونان را بشرط اینکه

(یانیه) در خاک عثمانی بماند صلحاً انجام باید داده شود . سفیر المان مانند این تعبیرات سخن گفته ولی در خصوص یانیه بافکار (مسیویاتوف) سفیر فرانسه که برای وا گذار شدن یانیه بیونانستان اصرار دارد مایل است . (مسیویاتوف) سفیر فرانسه تنها بوا گذار شدن یانیه نیز راضی نشده میگوید از سمت تسالیا هم باید بیونانستان خاک داده شود . (کونت کورتی) سفیر ایتالی هم میگوید یونانیها را رنجیده خاطر نیاید کرد ولی در ضمن آن ارناؤدها را نیز باید بخشند کرد . (پرنس لاباتوف) سفیر روس میگوید یونانستان را هیچ چیز ندهید . کونت زیمچی سفیر اوستریا میگوید یونانیها را نباید رنجانید ولی چیز بسیار هم بآنها نباید داد .

ا کتون باطلی خواهش کدام بک از سفرای مشارالیه را قبول نماید ؟

نیز اخبارنامه مذکور مینویسد . امروزها مقرر است که در میان پرنس بسمارك و (مسیویاتوف) (کارولی) رئیس وکلای دولت ایتالی ملاقاتی واقع بشود گویا در این ملاقات وضع بولیتیک دولت های المان و اوستریا و ایتالی درباره مصر بیان شده قراری در این باب در میان دولت های مشارالیه داده خواهد شد .

اخبارنامه (نوریه و برهیا) مینویسد . کونت اندراسی دشمن جانی روس است مشارالیه باو این وسیله که فرصتیاب شد بدوات روس اعلان جنگ خواهد کرد .

سایر اخبارنامه های روس میگویند . چونکه در میان هیئت وکلای اوستریا از گروه اسلاو نیز اعضا هست لهذا امیدواری حاصل است که رفته رفته بولیتیک اسلاوها نفوذ پیدا کرده سدره بولیتیک کونت اندراسی گردد .

پرنس الکساندر حکمران بلغارستان در هنگامیکه از جنرال قونسل های دول فخریه پذیرایی میگردد است بیان نموده است که بوسطنه مساعی خود را در تحکیم و تشدید اساسی صلح و مسالمت بکار خواهیم برد .

اخبارنامه (فارده بوسفور) مینویسد که همه اعضای کومیسون تحدید حدود یونانستان بناموس خودشان قسم یاد کرده اند که همه مذاکرات کومیسون را پنهان داشته از گفتگوی خودشان بکفر بخارج اظهار نمایند .

(تلکرافنامه آخری)

ازوین ۹ رمضان اخبار نامه (برس) که هواخواه وکلای دولت است مقاله نشر کرده است که دو فقره آن شبان دقت و مطالعه است در فقره نخست حدود یونان میگوید که واگذار شدن بایه از جانب دولت عثمانی یونان بوجهی ممکن نیست علاوه بر این اخبارنامه مذکور میگوید در زمانهای آینده محتمل الوقوع است که در میان بلغارستان و یونان مصادمه واقع بشود که در صورت وقوع آن دولت روس بلغارها را معاونت خواهد کرد که آنوقت یونانستان را ممکن نیست باحکومت بلغارستان مقابله و مقاومت نماید بشمار این حکومت یونان را لازم و واجب است که در مقابل بلغارستان باارناووها اتفاق و اتحاد نماید که بدینوسیله از آینده خود خاطر جمعی حاصل تواند کرد .

اخبارنامه مذکور در آخر سخن میگوید

از جانب دولت عثمانی قرار داده شده است که مطلق بایه یونان واگذار نشود .

ازوین ابضا کونت اندراسی بموجب دعوت پرس امپارک برای ملاقات پرنس مشارالیه دیروز از اینجابه (کاستین) عزیمت کرده است . کونت مشارالیه تنها بکروز در آنجا اقامت خواهد کرد .

از مادرید ۸ رمضان مضمون است که در این نزدیکی در میان املا حضرت پادشاه اسپانیا و (ارشیدوشس کرستین) که از خانواده امپراتوری اوستریا است امر از دواج فرار گیر بشود .

(روس و چین)

بوجب خبرهایی که از لندن رسیده است دولت روس در صدد این است که بدولت چین اعلان جنگ بکند . اگر در میان خاقان چین و امپراتور روس از جانب دولت انگلیس توسط نشود قشون روس را که در حدود چین در زیر کوماندانی (جنرال بداشنوقوف) است برای

تجاوز کردن حدود چین دستور العمل داده خواهد شد .

سبب این اعلان جنگ دو استروس هم از جهت داخل شدن عساکر چین بامارت های کاشغر و (خوتوم) بوده است . ز برادر حسین داخل شدن قشون چین بامارت (خوتوم) (خان قلی یك) امیر آنجا بحکومت فرغانه آنها کرده بریز حمایت جنرال کافان داخل شده بوده است جنرال کافان برای امیر مشارالیه توسط دربار روس در نزد دولت چین التماس کرده بوده است . بنا بر این سفیر دولت روس مقیم چین بموجب دستور العملی که از دولت متبوعه خود گرفته بوده است خالی کردن امارت (خوتوم) را از دربار چین باصرار خواسته بحکومت چین در ایجاب توسط روس را نه پذیرفته علاوه بر آن مقدار قشون خود را که در امارت های مذکور بوده است تا یکصد و بیست هزار نفر بود عراده توپ زیاد کرده پیش جنگهای قشون خود را تا نزدیکی حدود روس پیش فرستاده است . لهذا از جانب سفیر دولت روس بحکومت چین یکقطعه (اوتیاتوم) داده شده است هرگاه باوتیاتوم مذکور جواب رد داده شود فوراً جنگ آغاز کرده خواهد شد .

و بدبختی من بسیار دراز است (کالیسو) از در مبالغه و اصرار آمده گفت که باید نقاب خفا از چهره شاهد مدعا بکشائی و شرح احوال خود را سراپا بسرائی لاجرم (نلساک) را بای نیات عاجز آمده سخن آغاز نموده چنین گفت باعث خروج من از (اتاک) نجسس حالات و استفسار موت و حیات پدرم بود از پادشاه نیکه به همراهی او از محاصره (تر ووا) مراجعت کرده بودند عشاق مادرم (پلویب) از سفر من متعجب شدند چه باعث سیاحت و مفصود خود را از آنها غنی داشتم چون کفران و خیانت ایشان بر من مبین و آشکار بود پس بخدمت پادشاه (پلوس نسطور) شتافه و از آنجا به (لاسدمون) بمزد (منلاس) رفتم و هر یک نهایت مهر باقی را در حق من مرعی داشتند ولی توانستند مرا از گاهی حالات

و موت و حیات پدر آگاهی دهند نهایت خسته و از زندگانی که پیوسته در حیرت و مشقت گذرد و ارسته شدم بنابر آن انعطاف عنان عزیمت را بصوب (سیل) لازم دانسته عازم شدم زیرا شنیدم که چون کشتی پدرم را تندباد روزگار مخالف طوفانی ساخته تخته باره وجودش را بدان سواحل انداخته است لکن این پیر خردمند و (منشور) هوشمند که منظور و نظر است موافقت نکرد در امخاطم پیش گرفت و از آن خیال خاممیزد که برخی از مخاطرات باز داشت از آنچه بیان نمود که در اجرا حل خطرناک دیوانی هستند قوی هیکل و تاباک که آدمی را مانند نغمه می بلعند دیگر آنکه سقاین و اهالی (تر ووا) همواره در این سواحل دیرترند و عبور است ایشان را با یونانیان خصوصت قدیم و عناد غیر محصور هست

خاصه با دسر (الیس) که خون او را بجای شیر مادر میخورند خلاصه این کوهر با کمرها معاودت (اتاک) ترغیب و تحریص نمیشود و میفرمود که از همین جا مراجعت کن شاید بحکم مشیت ایزدی بدرت زودتر از تو بمملکت و مقر سلطنت خود رسیده باشد و اگر رحیب تقدر سادته از حوادث سدراهش شده و از دیدار وطنش یکسره مأیوس نموده باشد ترا ناچار است که عنان اراده را بدانسانمان معطوف و اوقات خود را در استخلاص ما بر و مکافات دشمنان و تذبیه مدعیان و پرستاری رعایا معرروف داری عقل و کلبست و حلم و عدالت خود را بجمع مردم آشکار کرده قابلیت و استعداد خود را در نظر و نالیان چنان جلوه ده که بشایستگی سلطنت و لیاقت حکمرانی

اندازه‌های روس از این پیشتر است که
 چند حکومت آن سخن میگویند از جمله
 اخبار نامه (کورسیونانس روس) که نیم
 روزی است میگویند برنس اسمک مناسبات
 تاریخی دولت روس و المان را فرموده
 که از ترویج منافع المان سعی میکند در همکاری
 المان و فرانسوی جنگی در میان المان و فرانسه
 معوض بود برنس بسیار برای محکم کردن
 مناسبات دوستی با دولت روس سخن اهمیت
 میداد اکنون که فرانسه بتفاتی انگلیس مقابل
 است و روس نیز با مسائل شرق مشغول است
 وضع پیشتری بسیار تغییر یافته است حتی پادشاه المان
 نیز بلندن میل کرده است در بارونی هر دو فکر
 نفوذت عقد تعلق است دولت روس نباید
 از اینگونه تغییر یافتن مناسبات قدیم محروم بشود
 زیرا که از این وجه منافع بسیار است

اعلان

مانیجه ملکیاری است که از انبیا معروف

نظامی و صاحب تجربه و آگاهی از قانون علمی
 و عملی طبابت است قرارداد است هفته یکروز
 یعنی روزهای چهارشنبه را از ساعت دو تا ساعت
 چهار و پنج در اجرائخانه جلوسفارتخانه دولت
 علیه ایران از باب رجوع را پذیرایی کند و برای
 اطلاع همگان از کسانی که محتاج بحفظ صحت
 و تدبیر مزاج هستند اعلان می نماید

کتاب مستطاب ✽ میران الموانین ✽ فی امر
 الدین ✽ تالیف مقرب الحساقان حاجی میرزا
 نجفعلی خان که در چند سال پیش در مطبعه دولتی
 باسعه و منتشر شده و نسخه آن در دست نموده بود
 اینروزها مقداری از بقیه همان کتب مطبوعه
 از کتابخانه خان مشرانیه ببلایخانه تکثیر و ارسال
 بهر مندی از آن نسخه نفیسه بکاره کتابفروشی
 کومپانی مطبعه ایرانیه در زیر مسافرخانه نسکری
 در میدان بایزید فرستاده شده است و در قیمت بازده
 فروش صاع فروخته میشود

کتاب مذکور اگرچه عنوان در رسر نسخه

(میران الحق) پروتستانی است که حاشا در رد
 و تفریح دین باک اسلام نوشته اند ولی از مطالب
 توحید و مسائل دینی و تمیز در میان ادیان و ترجیح
 در میان آنها ورد برخالفان اسلام عموماً و پروتستانها
 خصوصاً نکات و دقائق بسیاری را بطور
 مختصر و نزدیک بفهم جامع میباشد مخفی نمائند که
 ارباب دانش و هوش را مطالعه این نسخه شریفه
 در امر دینی حقیقه نافع و سودمند است

دیگر

نیز از جمله تالیفات سرکار معری الیه رساله
 ایست موسوم به مشکاة الحیات ✽ فی تفسیر
 الآیات که بافت ترکی در تفسیر باطن آیت کریمه
 ✽ و سلوئک عن ذی القرنین ✽ تا آخر فصح جمع
 فرموده و داد معنی را داده اند ✽ این نسخه
 شریفه نیز در مکاره مذکور فوق یافت می شود
 قیمتش بیخ فروش صاع است

حیاط

کشتیهای چندی دیدیم که مانند مامبتلای غرقاب
 همان مهلکه سراسر اضطراب شده اند از علایم
 کشتیها شناختم که از اهالی (فینس) میباشند
 از مشاهده آن سفین مارا چنان بیم و وحشت
 دست داد که واهمه باد و طوفان را بر طاق نسبان
 نهاده در آن حالت در باقیم لکن چه بسیار در که
 غرور جوانی مرا از راه خرد دور انداخته
 و از لوازم احتیاط و عاقبت اندیشی محجور ساخته
 ولی (متور) را در آن نوره در کمال قوت نفس
 و جسارت یادم نه تنها پایدار و جسور بود بلکه
 بغایت بشاش و مسرور چون آن حالت را از او
 مشاهده کردم بر جرأت و جلالت خود فرودم
 ممانه ادراک میکردم که قوت و قدرت من در تریاید
 بود لاجرم چون ناخدارا ظهور این حادثه
 (باقی دارد)

(به منور) نظر انداخته از انصاف احوالش
 استنباط بعضی علامات روحانی متفرد ولی
 پریشانی خیال و اضطرابش از تفریق و امتیاز
 مانع میبود لهذا بادی بر از وسوسه و اضطراب
 و خاطری بر از بیم و انقلاب با لطایف الحبل خود
 داری میشود که با آن بکافه عارف بقافی الضمیر
 او واقف گردد پس رو به (تلاک) کرده گفت
 شرح احوال خود را بسطه مقاله ده و مرا در این
 وقت و تجسس خوشحالی بخش (تلاک) در پا
 بخش زبان کشاد که در هنگام رحیل بحساب
 (سسیل) مدتی باد مراد یا ما یار بود پس از
 زمانی طوفان مظنی برخواست جوئی که چهره
 مراد در نقاب ظلمات مخفی و مستور و ما را در تاریکی
 مانند شب دیجور مبتلا و مقهور گردانید چون
 بار دیگر برده ظلمت برخواست و طوفان فرو نشست

توان عمل آرد و (ایس) را هرگز در آنرا نب
 که تورا پیشتر آموختند اگر چه سخنان او کلا
 سلامت بود ولی چه سود که مرا به پیش داری
 غرور جوانی مدهوش و از پذیرفتن نصیحتش
 حواموش داشت بجز هوای نفس خاطر نحس
 نعلنی او تمام نکرد چون (منور) مرا
 بر این دوست مباحث که هرگز خاطر بر مخالفان
 نخواهد که که گفت اهدا در آن سفر سراسر خطر
 مرا نپس و همراه و دایلی راه آمد اما چون من
 بر سینه خلاف نصایح و آمول او را قبول میداشتم
 آنچه را صفت حضرت از بدی بخورد و ا گذاشتم
 نام من در حرکات نابسته و خلاف تجربه حاصل
 از به صلاح مال که شرم و اواب خود برائی و خود
 زبانی را بر چهره احوال در بوشم در هنگامیکه
 (تلاک) مشغول صحبت بود (تالیسو)

مطبوعه و اداره خانه اختر

در راسته باغالی است نمبر ۴۵
در کارهای متعلق ب اداره به آقا محمد طاهر
رجوع میشود .

اسامی وکلای کرام در ممالک دور و نزدیک
گاهی در صفحه آخرین نکاشته خواهد شد .
روز چهارشنبه ۱۴ شوال سنه ۱۲۹۶
۱۹ ایلول روی ۳۱ سپتامبر ۱۸۷۹

خاکبای همیون اعلا حضرت
و تقدیم شده است . اینروزها
در کاره سید در باب بودجه

در یافته

تصرفه بدلات سالیانه

دارالسعادت اسلامبول ۰۳ مجیدی
دیگر ممالک ۰۵ عثمانیه ۷۵ فروش صباغ
ممالک ۰۳ روسیه ایران ۴۵ قران
ممالک ۰۵ عثمان وینا و بادر ۱۵ روپی
ممالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی
ممالک اروپا ۴۵ فرانک
اجرت پوست همه جا بمهده اداره است .

این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاسیات و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه - سخن می گوید . هفته یکبار طبع می شود . اوراق
روشنجات سودمند را بامتنان می پذیرد . در نوشتن کاغذهایی که از خارج می رسد اداره آزاد است . کاغذی را که نوشته نمی شود
صاحبش نباید استناد بکند . کاغذهایی که بول پوست ندارد قبول نخواهد شد .

تکرار محقا

از لندن ۱۴ شوال اخبارنامه
دایلی نیوس) بموجب خبر تلگرافی که از مصر
گرفته است در نسخه امروزی مینویسد . جناب
خدویمصر برای تهدید حکومت حبش بجهت
فرستادن بموقع (ماصوع) از باغالی قشون
امدادی خواسته است . از جانب باغالی نیز
بجناب مشارالیه معاونت مسکری وعقد داده شده
است .

از لندن ایضا اخبارنامه های امروزی
باتفاق مینویسند در مقابل پولیتیک خطرات روس
بملاحظه نگاهداری آسایش اروپا در میان
دولتین المان و اوستریا بطور قطعی اتحاد و اتفی
حاصل شده است .

از لندن ایضا بموجب خبر تلگرافی
که بحکومت رسیده است بمصر قشون انگلیس
که در گذرگاه (شتر کرن) است از جانب
قبیله های که با انگلیس خصومت دارند
همجوهایی بی دربی کرده می شود . خبرهایی را
که درباره مغلوبی قشون انگلیس اخبارنامه
(استاندارد) نقل کرده است بی اصل است .

از برلین ایضا بموجب خبرهایی
که از پترزبورگ باینجا رسیده است قشون روس
بموقع (کولتیه) نام از جانب زکا نهای تنکه
مغلوب و منهرزم شده است . در اهرام مذکور

اردوی روس بقدر هفتصد نفر زخمدار و مقتول
داشته است .

از برلین ایضا میگویند مقصود
پرنس بسمارک از سیاحت وین تنها ملاقات و باز
دید کونت اندر اسی نبوده است بلکه مذاکره یک
هدنامه تجارتنی را نیز در میان دولتین المان و اوستریا
در نظر داشته است . اخبارنامه های وین بمناسبت
از دیار برونت در میان دولتین المان و روس سخن
پیمان آورده میگویند ملاقات آخری امپراتورهای
مشارالیهما در (الکساندرو) مانند ملاقاتهای
پیش بطور دوستانه نبوده است .

در دوائر رومی گفته می شود که حکومت
اوستریا در پوسنه و هرسلک هیچکدام از صنوف
اهالی را نصاب نکرده همه آنها را بنظر مساوات
دیده حقوق حکمرانی دولت عثمانی را نیز در آنچه
بکمال دقت رعایت میکنند .

از لندن ۱۳ شوال از جانب دولت
یونان صورت بیاتنامه را که بیای مذاکره مجلس
پنجم کونفرانس اسلامبول بایستی بگویند سرهای
دولت مشارالیه فرستاده شود و آن نیز بگویند سر
های عثمانی تقدیم نمایند بدولتهای بزرگ فرستاده
شده است . در بیاتنامه مذکور بموجب آرزوی
دولتهای بزرگ در باب آسانی تعدید حدود دولتین
عثمانی و یونان بطوری که موافق منفعت
وامنیت طرفین باشد سخن گفته شده پذیرفته
شدن احکام (پوتوکول) سیردهم کونفره
برلین را برای اساس مذاکره در بیاتنامه مذکور
نوشته شده بوده است .

از برلین ایضا بموجب دایوری
از جانب هیئت جنگ اوستریا در (یشکی بازار)
بوزارت جنگ اوستریا اطلاع داده شده است که
مامورین عثمانی در یشکی بازار علاوه بر اینکه در باب
استیلائی آنها قشون اوستریا را معاونت می بسیار
سودمند نموده اهالی را نیز بتسلیح با من و آسایش
و اداشند چنانکه لوازمات اردوی اوستریا را که
از قبیل آذوقه و غیره باشد بکمال امتنان آورده
میتروختند و خانهای خودشانرا با چاره بصاحب
منصبان اوستریا میدادند که بدینواسطه حرکات
هیئت اتفافی ارنان و دستان نیز اعتدال حاصل
کرده است بحدی که عوام الناس نیز از امن
و آسایش اطمینان حاصل کرده اند .

از برلین ایضا پرنس بسمارک از برلین
عزیمت کرده پیش از مفارقت از برلین با جناب
ادهم پاشا سفیر عثمانی بطور طولانی ملاقات
کرد .

از لندن ایضا اخبارنامه (استاندارد)
میگوید . از جانب دولت روس بدولتهای بزرگ
تکلیف کرده شده بود که برای نظارت همه
اداره های مصر کومیسین مختلطی تشکیل کرده
شود ولی تکلیف مذکور از جانب دولتهای فرانسه
و انگلیس پذیرفته نشده است .

از پترزبورگ ایضا دولت ایران
در عهده گرفته است که آذوقه و پاره لوازمات
دیگر اردوی روس را که برای تادیب ترکانهامی رود
اعطا نماید .

از برلین ۱۴ شوال از جانب دولت

اوستریا بجهت اجرای تمامی مقاوله نامه عساکر
تکران نامه بیابالی فرستاده شده است . این که
شایع شده بود در میان عساکر عثمانی و قشون اوستریا
برودت و بیابلیتی حاصل شده است بموجب ورود
همین تکران نامه معلوم می شود که شایعه مذکور
بی اصل بوده است . علاوه بر این بموجب راپورت
از کان حرب اوستریا نیز معلوم شده است که فقره
استیلای یسکی بازار بطور دوستانه انجام یافته
است . در حالیکه موافق (پانیا) و (مور)
از جانب قشون عثمانی استیلا کرده می شد عساکر
اوستریا نیز رو بموقع (بربری) پیش گرفت
گذشته از اینها حسن مناسبات در میان قشون اوستریا
و اهالی نیز بدرجه مطلوب بوده است .

از ۱۰ شوال در این نزدیکی
(پرس غورجا کوف) در این بایرنس استارک
ملاقاتی خواهد کرد . اخبار نامه هایی که از هیئت
و کلاها خواهی می کشند میگویند که سبب
ملاقات مشارالیهما این است که قبل وفالی را که
از جنس دی بیطرف در اینخصوص اخبار نامه های
روس و المان بیمان آورده اند انجام داده
شود .

از پترزبورگ ابضا اخبار نامه
(ژورنال دوسن پترزبورگ) در نسخه امریزی
خود در جواب اخبار نامه های انگلیس ک نوشته
اند و قلمه آخری کابل بطور قطعی از انتریکهای
روس سرزده است میگوید . از جانب روسها
بر ضد انگلیسها نه بواسطه و نه بلاواسطه اقداماتی
بکار برده نشده است میتوانیم که هر گونه اتهامات
و مفتریات را که اخبار نامه های انگلیس در اینباب
بروینها استاد میدهند بطور قطعی تکذیب نماییم .
و قوعات آخری آسیا لزوم مناسبات کاله
دوستانه را در میان دواتین انگلیس و روس بدرجه
ایجاب رسانیده است .

از ۱۱ شوال ابضا اخبار نامه (تایس)
از اتفاتی دواتین المان و اوستریا سخن بیمان آورده
شده میگوید . سبب این اتفاق اولای برای مقابله
هیچیم دولت روس و نیز بملاحظه منع بیجاو ذاتی
که احتمال داشت از پیاد دواتین فرانسه و ایتال
کرده شود در میان دواتین مشارالیهما بسته
شده است . با همه این اخبار نامه مذکور میگوید که
حکومت فرانسه هوا خواه صلح و مسالمت است

نظامی و صاحب تجربت و آگاهی از
روس و روس شده
و علی مذابت است قرارداد است . نیز اخبار نامه
یعنی روزهای چهارشنبه را از ساعت دین المان و اوستریا
از و پنج در اخبار نامه جلو سفارتخانه و بی قاعده
بملاحظه این است که در این بین سفارت روسی در شرق
کجا که در اجرای احکام عهدنامه پاریس در
واقع می شود باتفاق هم دیگر بطور قاعده و نظم
انجام داده شود . بنابراین دولت انگلیس نیز
آرزو مند این اتفاق است . اخبار نامه (دابل)
تکرار (میگوید . پرنس اسمارک گفته است که
اتفاق در دواتین المان و اوستریا بر ضد هیچ دواتی
خصوصا دواتی مانند فرانسه که پوسته در آرزوی
صلح و مسالمت است نبوده و نیست .

از ۱۲ ابضا اخبار نامه (استاندارد)
در نسخه امریزی خود بموجب تکران نامه
که از مصر گرفته است میگوید . قشون حکومت
پیش از حدود مصر عقب رفته است .

از پترزبورگ ۱۱ شوال اخبار نامه های
روس سخن از واگذاری شدن ایالت (قولیه)
بیمان آورده میگویند قسمتی بزرگی از ایالت قولیه
که برای دولت روس لازم بود نگاه داشته شده
قسمت دیگر را که بحکومت چین واگذار کرده
شد علاوه بر پنج میلیون منک که تضمینات نقدی
گرفته شد کشادی بازارهای تجارتی چین را نیز
بموجب عهدنامه برای تاجران روس حاصل
کرد .

از ۱۳ ابضا امروز در کابلی
(فرانسیکنها) بنام نامی اعلا حضرت سلطان
عبدالحمیدخان ثانی بیاور رسمی دعا خوانند شد .
از اعضای هر فرقه از هیئت مجلس مبعوثان
در رسم دعا حاضر بودند . علاوه بر آن اهالی
شهر باز دعای وجوبیت تمام حاضر شده رسم دعا
بطور بسیار مطمئن بعمل آورده شد .

از ۱۴ شوال در حین ملاقات
اورد سالبری وزیر خارجه انگلستان با مسیو
وادیکنون وزیر خارجه فرانسه سخن از اشکالاتی
که رباب تصحیح حدود یونان در میان دواتین
عثمانی و یونان واقع شده است بیمان آمده مسیو
وادیکنون لزوم اجرای توسط دوستانه را

باتفاق دولت انگلیس در نزد بیابالی و نیز بار یونان
پران کرده است .

اورد سالبری هم بیانات مسیو وادیکنون را
در اینباب اساسا پذیرفته است . لهذا مقرر بوده
است که از جانب وزرای مشارالیهما بیوتهای
بزرگ اطلاع داده شود که بمقرای خودشان
که در دربار عثمانی و یونان هستند دستور العمل
دهدایش و سر جمبول مؤلفات افکاری در میان
داده شود که برای جمبول مؤلفات افکاری در میان
دواتین مشارالیهما در دربارهای استیلای و این
سپارشات لازم را اظهار نمایند .

از ۱۵ شوال بموجب خبرهایی
که از هندوستان رسیده است داودشاه فرزند
امیر به قوبخان به همراهی دو بیست نفر از عساکر
خاصه افغان بموقع (کوچ) نام رسیده است .
در کابل همیان اهالی بقرار است . شورشان
افغانستان بجهت مقابله و مقاتله کردن با انگلیسها
مشغول تدارکات هستند .

قشون انگلیس رو بکابل حرکت کرده است .
احتمال می رود که در پنجم ماه اوکتو برآینده کابل
زیر استیلای قشون انگلیس آورده شود .

از پترزبورگ ابضا در باره صحت
اعلا حضرت امپراتور روایت های بسیار در میان
هست . در یک اعلان رسمی که امروز منتشر
شد شایعه گرفتار شدن اعلا حضرت امپراتور را
بناخوشی پریشانی حواس از جانب حکومت
تکذیب کرده شد .

از ۱۶ ابضا بموجب خبر تلگرافی که
از هندوستان رسیده است قشون انگلیس که مأمور
افغانستان است در زیر کوماندهانی (جنرال رو برنس)
رو بکابل پیش میروند . از جانب جنرال مشارالیه
بیان نامه خطاب با اهالی افغانستان نشر کرده شده .
در بیان نامه مذکور نوشته بوده است که مقصود حکومت
انگلیس تنها استیلای کابل است . بجز از کسانی که
در قتل هیئت سفارت انگلیس اشتراک نموده اند
هیچکس را مجزات نخواهد شد . کسانی که بر
ضد این مقصد حکومت انگلیس رفتار بکنند
از جمله دشمنان انگلیس معذور دانسته درباره
آنان جزا ترتیب داده خواهد شد . و نیز اهالی را
برای مختل نکردن امن و آسایش نصیحت کرده
شده است .

از پترزبورگ ایضا اخبار نامه‌های پترزبورگ می‌نویسند. اینروزها بقدر بکمزار و بانصد نفر از مهاجرین اسلام به (رغوس) فرستاده شده است.

توجهات

والسکری ولایت حلب بانضمام کوهسری اول آنجا به همد جناب دولت مآب سعیدباشا والی سابق قسطنطنیه

والسکری ولایت قسطنطنیه بجناب دولت مآب غالب باشا والی سابق حلب توجه فرموده شده است.

داخلیه

شب یکنبذ گذشته همه هیئت وکلای قسطنطنیه از معزول و منصوب و بعضی از رجال و اعیان دولت علیه حسب الامر همایون اعلا حضرت پادشاهی در مابین همایون ملوکانه و وزیر ریاست اعلا حضرت ساطاتی برای اصلاح و تقویت امور مالییه که از مهمترین مصالح دولت است بطور فوق العاده عقد انجمن مشورت نموده بمذاکرات پرداخته اند.

از قرار بکه مسموع شد از جناب سنی الجوانب اعلا حضرت پادشاهی به هیئت اجتهادی مجلس مذکور امر و اراده فرموده شده است که هر کس در بیان ذرای و معتقدات خود بکمال آزادی رفتار نموده بدون احتراز از هیچ جا از هیچ چیز اطلاعات خودشانرا بمجلس اظهار نماید و پروردترین وجهی چاره و تدبیر عاجلی در ایجاب اندیشیده اقدامات لایق را در اصلاح وضع مالییه بکار ببرد.

جناب دولت مآب پرنس حلیم باشا در این نزدیکی با فرزندان خود شان با روی عزیمت خواهند نمود.

(السلام)

در هفته هفت گذشته نوشته بودیم که لایحه بودجه مالییه بعد از تحقیق و تدقیق برای اجرای

اراده سنیه آن بخاک کپای همایون اعلا حضرت پادشاهی عرض و تقدیم شده است. اینروزها اطلاع حاصل کردیم که اراده سنیه در باب بودجه مذکور شرف صدور یافته است.

اینروزها از جناب مجلس مخصوص وکلا مناسب دیده قرار داده شده است که برای تغذیه و تدقیق واردات و مخارج دولت در هیئت کوهسریون تشکیل کرده شود که یکی واردات و دیگری مخارج را بدقت تمام رسیده کی نماید لهذا لایحه قرار داد مذکور بجهت صدور اراده سنیه آن بخاک کپای همایون اعلا حضرت پادشاهی عرض و تقدیم شده است.

(وقت)

در ضمن اجراء آنکلی که متعلق باصلاح وضع مالییه است مقرر و منصور بوده است که بعد از این عنوان (دفتر داری) بعنوان (مدیر مالییه) تغییر و تبدیل کرده شود.

اخبار نامه (اکسپرلات) می‌نویسند. بسیاری از اعضای کوهسریون محتاط روم ایلی شرقی که در اسلامبول هستند بدو تنهای مشوعه خودشان اطلاع داده اند که تا عساکر عثمانی داخل ایالت روم ایلی شرقی نشوند جلو وضع ناگوار اهل آنجا گرفته نتواند شد.

هفته گذشته فراموش کردیم نویسیم که جناب بهجت بیگ افندی کار پرداز دولت عالی عثمانیه مقیم تبریز که موقتا باسلامبول آمده اند در ساجلیه سفارت کبری ایران از جناب مستطاب آقای حاجی میرزا شمع نفع الاسلام دین نموده اند.

جناب مستطاب مهظم اله نیز بانفاق جناب جلالتآب امین الملک سفیر کبری ایران چند روز پیشتر بحانه جناب معری الیه تشریف برده رسم بازدید را بعمل آورده اند.

(میوادمون کالوت) انگلیس قونسل جزیره (روس) که پیشتر از جناب وزارت مالییه بحمت نقشی مآله ولایت (روسه) معین شده بود از مامورین مذکور استعفا کرده است. (مونیفور دو کومرس)

جنرال دیگوز انشه ملیر (یعنی صاحب منصب نظامی) سفارت دولت انگلیس پیشتر از اسلامبول بانندن احضار شده و ده است لهذا مومی الیه چند روز پیش از این از راه ناپولی عازم لندن شده (میوادمون) انشه ملیر پترزبورگ دولت مشارالیها بجای مومی الیه برای سفارتخانه اسلامبول انشه ملیر تعیین شده است.

اخبار نامه (مونیفور دو کومرس) می‌نویسند. در (سلاویک) روز دوم عید فطر در حالتیکه وکیل قونسل دولت روس در قونسلخانه ایستاده و ده است دو نفر مسلمان که بسیار مت بوده اند بوکیل مومی الیه برخورد کرده اظهار بی احترامی کرده فحش و دشنام یاد کرده اند. مومی الیه نیز برای گرفتن یکی از آنها که بسیار بی حرمتی میکرد است به قواس (یعنی اردل) قونسلخانه حکم کرده در این اشاکار بمجاهله و مقابله متبر شده. قواس قونسلخانه یکی از آنها را بضرب کلوله زخمدار میکند در این هنگام جناب والی باشا از وقوع این عریده اطلاع حاصل کرده یکدسته ضابطیه با آنجا فرستاده جهت را متفرق ساخته عریده در آنجا ختام میابد.

خارجیه

چند شخص از مامورین دولت علیه ایران که در خارجه مأموریت داشته اند در تاریخ سال ۱۲۸۴ هجری کتابچه در باب راه ترقیات دولت علیه ایران متفا بدولت متوعه خودشان نوشته بوده اند در اینروزها نسخه آن از جایی عاری شده است بعضی اینکه مطالبه کنندگان اختراعاتند که خیالات و افکار عالییه در سر بعضی از اعظم ایران زمین هست آرا در این اخانامه نقل میکنیم.

افکار لانه

قدر بان که برورده نعمت و دولت علیه هستیم و هر خود ما را در خارجه بخدمات دولت مصروف میداریم بر ذمه چا کری خود لازم و نفع می شماریم که موافق رسم عری آنجه می بینیم می شنویم و می فهمیم و بجزیره می باییم بعضی خاکپای و بیعت همایون خود برسانیم چونکه

وظیفه جا کران کنتی است و پس • بعد
• صلاح مملکت خویش خسروان دانند •

نخستین کاری که از جمیع کارها برای ترقی ملت
و شکوه دولت علیه ایران لازم است وضع قانون
است • مادامیکه در دولت علیه قانون گذاشته
نشده و قوه که عبارت از قوه حکم و قوه اجری
باشد از هم دیگر تفریق نگذشته ترقی برای دولت و ملت
و از زیاد قوت لشکر و ثکنه آبادی کشور و تحصیل
نام نیک در ممالک خارجه محال و ممنوع است •

قانون را باید همان طور گذاشت که دولت‌های
مقتدر بعد از چندین صدسال پس از تخریبها
گذاشته اند و همان طور مجری باید کرد که آنها
میکنند • تفاوتی که باید داشته باشد این خواهد
بود که قانون ما مطابق شرع اقدس خواهد
بود • غفلت از این کار بزرگ و عمده کار ایران
و ایرانیان را در آینده بحالت اضطرار مانند وضع
سالیه دولت عثمانی خواهد انداخت بلکه
بیشتر زیرا که چون هنوز سایر دولت‌های همجوار
بواسطه وضع جغرافی و هیأت طبیعی اسلامبول
و خاک عثمانی که مدخلیت نام در پولیتیک دولت‌های
فرنگستان دارد حفظ استقلال مملکت مذکور را

تکلیف کرده و در سکو و ...
• هم در ...
از شر بکلیک نگاهداری میکنند و کرورهای پول
خرج کرده برای حفظ آن از فرنگستان
آمده خون خود را در اطراف
(سیواس پول) میریزند ولی ایران خارج
از دایره پولیتیک اوروپاست اگر از همسایه دست
آندی دراز شود دیگران بی طرف نشسته هیچوجه
خاطر خود را مشغول نتیجه کار ایران نخواهند
داشت بلکه برای مصلحت و وسعت تجارت خود
مستفید از حمایت روحانی اطراف مدعی نخواهند
نمود باینجه در وضع قانون هر چه زود حرکت
بشود دیرخواه بود اما قانون همین و محکم و مقبول
خدا و حقی خدا •

منافع قانون اگر چه روشن از آفتاب است
مع هذا چند نفر مخصوصاً نوشته می شود •

(اول) بعد از آنکه قانون وضع شد مردم را
اطمینان ملی و جانی حاصل میشود و هیچکس
اندوخته خود را در زیر خاک منور و مدفون نمی
سازد اگر بنگ تو مان یا صد هزار تومان هر چه دارد
آزاد در کاری از قبیل تجارت و انعقاد کومپانیا

وامثال آن صرف می کند و بد آن واسطه در اندک
زمانی هم مملکت آباد میشود و هم خزانه دولت
معمور میگردد •

(۲) اهالی ایران که از بلاد عراق زیاده
بر پنجاه هزار نفر در ممالک خارجه متفرق و پربشان
هستند و وجود آنها باعث آبادی مملکت و کثرت
جمعیت است و یا در داخله و خارجه ایران رعیتی
دول دیگر را قبول می کنند والله از عدم قانون
است بتاج و تخت شاهنشاه قسم از عدم قانون
است بک کرور نفس که از برای دولت و مملکت
مصدر هزار خدمت و منشاء هزار گونه آبادی
میتواند شد بکار مانده بعنوان نوکر و مفت
خور بدور جمع دیگر بجمع میشوند و مایه هزار
مفاسد میکنند و کسانیکه بواسطه عدم قانون
و برای حفظ حالت و شان خود را بخسارت
و مزارت بسیار انداخته محض تجمل جعی را
بیکار کرده بدور خود جمع می کنند از عدم قانون
است •

(۳) با بودن قانون اهالی دول همجوار
بواسطه فراوانی نعمت و خوبی آب و هوا
رو ایران میکنند مایه آبادی مملکت و ثروت
و رفاهت بیشتر •
فرنگستان برای جلب مردم خارجه و مکننت
ایشان تدبیرها بکار میبرند •

(۴) با بودن قانون رطابا و اهالی مملکت شاهنشاه را
از جان و دل می پرستند و از بندگان و جان در راه پادشاه
بهر چه مضایقه نمی کنند هر چه بدینند دیگر
کسی را وارد دعای بدی نمی کنند چنانکه در سایر
ملل چنین است •

(۵) دولت و ملت را در جهان دول و ملل
دیگر بزرگ و محترم بشمارند و در جرگه دول مهنده
محسوب می کنند و در روز محنت بحمايت و طرفداری
دولت و ملت بر میخیزند •

(۶) خلائق و دبعه محترمه خداوند است
بواسطه قانون در کتف عدالت شاهنشاه آسوده
و مرفه الحول زندگان میکنند و این بیکامی ابدالدهر
برای سلسله جلیله اهل حضرت شاهنشاه دام
سلطانه باقی و پایدار میماند •

(۷) قانون صلاوه بر محسنان و فوائد
لابحسی مری انسان است مانند الله و دایه برای
اطفال چنانکه بجزیه دیده شده است اهالی

دولت بی قانون و قتیکه بملکت باقانون وارد
میشوند در نهایت محولیت و انصاف و آرای راه
میروند و از هر گونه بی انصافی و شرارت کف
نفس می کنند برخلاف این اهالی مملکت باقانون
و قتیکه بملکت بی قانون وارد میکنند در تعدی
وی انصافی و شرارت و هزار گونه اعمال که
مغایر شیوه انسانیت است به هر چه خود داری
نمی کنند •

اگر چه بعد از وضع قانون طبعاً جمیع خوبها
در مملکت ایران بعرضه ظهور خواهد آمد مع هذا
من باب تأکید و توضیح مقصود فسقرات
آئی اند که مروض میگردد •

(۸) مخالطه و معامله دولت علیه با اهالی
انگلیس و فرانسه و المان اگر چه در ظاهر خالی
از زحمت و مزارت نیست ولی در باطن و معنی
منافع عدیده دارد تفصیل اینقره بطور مثل
ایراد میشود (یکدسته مرال در مرغزارهای خوش
آب و علف جا گرفته روزگار میکنند در جوار
آنها کرکی بود درنده و حریص دایم بر آن گاه
حمله آورده هر دفعه یکی دو مرال از آن دسته
بانبچه حرص و طمع ر بوده طعمه خود بساخت
دیس مرالان که در هوش و زکاوت تغوی بسازین

زیادت چاره کار را منحصر در این دید که با بچه های
شیر و بلندی که در سمیت دیگران مرغزار ماوی
داشتند الفت اندازد اقدام باین تدبیر کرد تا کار
بچائی رسید که بچه های شیر و پلنگ بادسته
مرالان انس و الفت تمام گرفتند بیکروز کرک حریص
باز بجهت تحصیل طعمه خود را بدسته مرالان
زد بچه های شیر و پلنگ در آن میان
بودند باشجاعت ذاتی که داشتند بمقام حمایت
مرالان برآمدند و غریب و نغمه آنها بکوش پدر
و مادرشان رسید کرکها از این غریب و هنگامه
هراسان شد جنس دیگر در میان مرالان دیدند
در این بین شیر و پلنگ آواز بچه های خود شنیدند
بفریاد و حمایت آنها آمدند کرکها اوضاع را
برخلاف وضع سابق دیدند و بفرار گذاشتند
از مخالطه مرالان بشیر و پلنگ کرکها نیز کم کم نای
تملق و رفاقت گذاشته رفته رفته کار مرالان بچائی
رسید که خودشان حالت بشیر و پلنگ پیدا کردند
ملوری شد که اگر قطع علاقه و الفت از شیر و
پلنگ میکردند باز کرکها را قدرت و بارای
آن نبود بلکه بخیال صدمه و آزار آنها برآیند
چرا که غالب آنها کمین سالی شده و شاخها بر آورده

بودند که اگر کرک یادرنده دیگر با آنها حمله می آورد پاشاخ تیرشکم حمله و در راه بدر میزدند .

(۹) حبس کردن سیم و زر در خزانه برای مملکت مؤذنی ترین دشمنها و عمده ترین اسباب تنگدستی و فقر و فاقه است هر کس بدخواه دولت است میگوید اندوختن سیم و زر برای پادشاه مصلحت است و هر کس نیک خواه است و بصیر میگوید که خیر اندوختن سیم و زر با وجود ایجاد (بانک) موجب هزاران منفعت و ثروت است و بی بانک باعث صد هزاران خسارت مقصود نه این است که سیم و زر را دولت از دست بدهد بلکه مقصود تفسیر مکان آنها است چنانکه مصایبه می بینیم در فرنگستان سیم و زر را بجائی گذاشته اند که نه معطل است مستور و نه پراکنده و معجزه که هنگام ضرورت دست دولت بآنها نرسد .

(۱۰) ساختن طرق و راه انداختن مراد و تعمیر چاهارخانه ها و حرکت آنها با کالسکه و مراده جدیدی سالم است بمقتده تعویق افتاده و الحال وقت اقدام باین کار است و کلید آبادی و زرق است بدون راه جمیع تدابیر بی ثمر و همه بیاره های بی اثر است .

(۱۱) طرز تعلیم و تعلم اطفال که یکی از بزرگان از بعد از آبادی و قوت است در ایران در اشد مراتب بی نظم است لزوم عمده ندارد که در هر شهر و هر بلد علوم جدید و یا السنه فرنگستان تعلیم بشود هرگاه فقط علوم حاضره ما را هم که عبارت از صرف و نحو و فقه و اصول و تاریخ و هیئت و حساب و جغرافیا و حکمت طبیعی و امثال اینهاست با طرز و اسلوب جدید تعلیم نمایند کار ایران و ایرانیان بلاشک در سالی صدسال پیش خواهد افتاد و همسایه مادر شهرهای همجواری در ادنی فصبه چندین مصلحتهای منظم دارد و ماهنوز در معظم ترین شهرها بک مصلحت منظم نداریم .

(۱۲) خریدن کارخانجات بزرگ از قبیل کاغذسازی و ماهوت باقی و امثال اینها با عدم راه و عدم معادن کار افتاده بجز خسارت و ضرر حاصلی نخواهد بخشید ما کارخانجات طبیعی خداداد را باید بکار اندازیم یعنی آنها بصیرت های لم یزرع جاری کرده بزراعت و فلاجت بیفزاییم

و بجه و ابر بشیم خود را باجنت و ماهوت و حریر حاضر فرنگستان معاوضه بکنیم .

(۱۳) راه انداختن معادن آهن و زغال سنگی مایه ثروت بی اندازه و روشنائی رخشنده مملکت و موجب مزید قوت و قدرت دولت است سهل ترین کارها و لازمترین کارخانها این دو کار است در ممالک فرنگستان در هر مملکت که زغال و آهن است محسود سایرین و مضرب و قوی ترین دول است .

(۱۴) صاحب چند فروند کشتی بودن در بحر فارس از فزاین است هر قدر در این کار عمده بی اعتنائی بشود در روز آینده ندامت و نأسف همان قدر بل بیشتر خواهد شد دو سال دیگر غیر احداثی سوسیس باز میشود و حالت فرنگستان تغییر کلی مییابد بهترین بنا در ایران نباید باطل و عاقل بماند .

(۱۵) تحصیل مالیات و فصل دادن امورات محصلین و لایات را و یران و رعایا را مفلوک و پریشان و پراکنده دارد بدون محصل بی هر گونه نهدی تحصیل مالیات و انجام دادن امور و اجرای هر گونه احکام و احقاق هر نوع حقوق سهل و ساده ترین کارهاست .

(۱۶) چوب و فلک و امثال اینگونه تنبیهات در ایران بدترین کارها و در ترند خدا و خلق خدا ناپسندیده ترین تنبیهات است و اسم دولت و ملت را در خارجه زیاده از تصور پست می نماید به بی غیرتی عادت میدهد و بدون نصیرت ملتی دولت هیچ کاری را از پیش نمیتواند ببرد .

(۱۷) وقتیکه شوکت و جلالت دولت ایران در روی زمین مانند آفتاب در اوج آسمان بود دولت و ملل فرنگستان بعضی وجود نداشتند برخی مانند وحشیان در جنگلها پسر میبردند کدام تدبیر و کدام قدرت و کدام اداره آنها را باینجا رسانیده در ایران هم همان راه را پیدا بکنند .

(۱۸) هر کس اعتقادش این باشد که وقت اصلاح فقرات مسطوره هنوز رسیده این چنین قول را بیاورد به بی خبری آن شخص حمل کرد یا بر فرض شخصی بدالی اینکه ملت و دولت ایران سه هزار سال قبل از این اولین دولت روی زمین بود و چنانکه عرض شد آنوقت از دول

فرنگستان اسمی در روی زمین نبود بعد از آنکه اهالی ایران بشرف اسلام مشرف شدند و بهترین قوانین ملل دنیا قسمت آنها شد اگر همان قوانین را خوب استعمال و اداره می کردند حالا بجز اسلام ملت دیگر در دنیا وجود نداشت ولی عکس این کار و سوء اداره کار اسلام را باینجا رسانید و آنها تیکه چند هزار سالها عقب تر از ما آمده اند حالا هر یک را معاینه می بینیم که در قوت و قدرت بجه درجه رسیده اند آیا چگونگی شد که آن طوایف وحشی در چنین ایام قلیل باینجا رسیدند و ماهنوز میگوئیم در ایران وقت این کارها نیست پس وقت اینکار کی خواهد شد وقتیکه کارز کار بگذرد ۲۰۰۰۰ ای چاکران عبور دولت ایک سبیل می آید اگر می بینید خود را بورطه نجات کشید اگر نمی بینید عطف نظر باین سبیل مهمیب خطرناک بکنید حرره فی شرفه رمضان المبارک ۱۲۸۴ توشقان نیل .

چاکران جان نثار اعلی حضرت شاهنشاهی
خلده ملکه . امضا

فلان . وفلان و فلان .

در اخبارنامه (نامس) پاره اطلاعات تاریخی و هواید تجاری و پولیتیکی در باره شهر کابل مندرج بود چون در این روزها شهر مذکور بجهت وقعه آخری شورش و قتل هیئت سفارت انگلیس شهرتی پیدا کرده است لهذا ترجه آنرا خالی از قایده نموده در اینجا نقل کردیم .

شهر کابل در جانب جنوبی تهریکه همین اسم معروف میباشد واقع است . از زمانیکه بایرشاه در آن شهر اقامت مبرکیده است تاجمهال شهر کابل در افه نستان اغشار و شهرتی پیدا کرده است . لکن از زمان بیسور شاه ابدالی باین طرف شهر مذکور بجهت افه نستان شده است . جهت و سببی که بارها باین خیال انداخت که شهر دهلی را ترک نموده کابل را اقامتگاه خود سازد نظافت آب و هوای آنجا بود که باین نخت خود را بقندهار بکابل نقل نمود . در حقیقت بهار کابل در کثره مواقع کره زمین واقع میشود . باغ و بوستان و سبزه و گلستان آن شهر را جمیع سیاحین و مشهرا تعریف و توصیف نموده اند . ارتفاع این شهر از سطح دریا ۶۲۵۷ پاست

وایام زمستانش نهایت بقاعده اعتدال همان
سه ماه است . و دو ماه اول بهار اوقات بارند
کثرت و باقی سال هوایابس است . این شهر
آنقدر قدیم است که زمان بنای آن معلوم و مصرح
نیست . از فراریکه در میان مردم این شهر
معروف و متواتر است میگویند (۶۰۰۰) سال
قبل تاسیده است . لکن صدسال پیشتر نیست که
پایتخت شده است . این محقق است که هزارسال
قبل ازین این شهر و شهر غزنین خراجگذار
حکمداران (بامیان) بوده اند . که در این زمان
خرابه شهر بامیان و هیاهای جسیه و مابدیکه
در غارهای وسیع آن تا کنون باقی مانده است
برای درجه قوت و عظمت آن مملکت شاهبیت
کافی . اگر چه پیش از اینکه سیل بلای مغول
مملکت بامیان را خراب نماید کابل سرازرقبه
اطاعت آن حکومت پیچیده استقلال و امتیاز
حاصل نموده بود ولی در زمانی سلطان محمود غزنوی
این شهر را یاجنبدین شهرهای دیگر تسخیر نموده
مملکت خویش ملحق ساخت . بعد از اینکه
دولت غزنویه با غرض رسیده کابل ضمیمه
مملکت (غوریان) شد . تا دو بیست سال بعد
از استیلای بابر از شهر کابل در تصرف سلاطین
داهی بود . تا اینکه نادرشاه افشار خروج
نموده آن شهر را منسوخ ساخت . بعد از طی طومار
سلطنت نادری احمدشاه افغان که دست نشان
نادر بود اول قندهار و بعد کابل را تصرف
خود در آورده بحسب عقل و فراستیکه داشت
قندهار را که مرکز قوت توران زمین است
پایتخت خود فرار داد . در سال ۱۷۷۶ میلادی
نور شاه ابدالی کابل را پایتخت خود قرار داده .
ولی در ای باب تیمور شاه بعد از احداث ملاحظه
درستی نکرد . بعد از آن دوست محمد خاتم
حطای تیمور را نموده کابل را پایتخت قرار داد .
تصحیح این خطاییکه حکمداران سلف کرده اند
بعدهد فرمان روابان زمان آتسده افغانستان
است .

علاوه بر وقتان تاریخی شهر کابل از جهت
معاملات تجاریه نیز موقع معتنا است . بنا بقول
(برز) نام سیاح انگلیس شهری پرهای وهوی تر
از کابل نیست سیاح دومی ایه میگوید بعد از ظهر
در کوچه و بازار شهر قبل و قاتل مردم بھدی بند
میشود که کسی صدای همراه خود را نمی شنود
عده مال الهاره کابل بیوجات زو خشک و امنه

و قابس هند است . با بخارا و قندهار هم معاملات
تجاری دارد . و از برای هر نوع مال تجاری بازاری
جداگانه هست . و یک بازار بزرگی دارد که آنرا
چوبوت (بحرف از چار سوست) میخوانند
و بالای آنرا طاق پوش کرده بقاعده معماری
خوب ساخته اند طول آن دو بیست و عرض آنده
(یازد) است . در سال ۱۸۴۲ میلادی باصر
سردار انگلیس که (پلک) نام داشت این بازار را
توب بسته خراب نمودند و بعد دوست محمد خان
آنرا دوباره بقدر امکان تعمیر کرد . ولی از فراریکه
میگویند حسن معماری و نمایش اولی آن باقی نمانده
است . و چیزیکه در بارهای کابل چالب نظر
است دکانهای آشیزی آن شهر است که شماره
آنها بیرون از حد اعتدال است . خیلی کم کسان
هستند که در خانه طبخ میکنند . و کباب کابل
در بسیاری از بلاد شهرت تمامی دارد . در کابل
هر نوع میوه لطیف و انواع حلویات و مشروبات
مفرح بسیار است . و شخص باندک مخارج میتواند
خوب گذران و تمیض بکند . و سکنه شهر کابل را
شصت هزار تخمین کرده اند . حسن و نظام
باغهای کابل خیلی معروف است و مشهور ترین
آنها یکی باغ شاه است که از زمان تیمور شاه باقی
مانده است و دیگری باغبیت که در اطراف مقبره
بارغرس شده است و این آخری در نزد اهل کابل
خیلی مقبول و زهنگاه خاص و عام است .
(برز) و سایر سیاحین خیلی تعریف از چشم
افکن کابل کرده اند که از هر طرف دو بیست میل
اند دو بیست میل از بالای برجهای تپهها بنظر
ناظر صفای باغ فردوس را میبخشند . غیر
از وقتهای بارندگی شهر کابل همه وقت پاک
و نظیف و هوایش خیلی سالم است و از برای
سکنای مردمان اروپا خیلی مناسب و موافق
است .

طرف جنوبی و غربی کابل محدود بکوه
و کوههای مختلف الارتفاع است در دور شهر حصاری
کشیده شده است ولی الآن مشرف بخراب است .
مخالفه شهر کابل محصور است بحصاریکه آنرا
بالاحصار میخوانند که پراهمیتی ندارد . بنای این
حصار را بابر شاه نسبت میدهند لکن اخلاق
او بعد بتدریج آنرا منانیت داده بر آن افزوده اند .
مؤخرأ در زمان سلطنت (اورنگ زیب) برای
وضع محافظه خرابان در زیر آن حصار مخازن

وزیر زهینهای محکم و سردا بهاساخته شده است که
هنوز باقی میباشد . این حصار در نهایت مشرق
شهر بر بالای بلندی واقع شده است . و در کابل
چیزیکه باشکوه بنظر می آید این حصار و باروی
بالاحصار است و مانند حصار وسط شهر
اورنگ زیب مشرف بر شهر است . این حصار
منقسم بدو قسمت است یکی حصار است دیگری
قلعه کوچکیست که در وسط آن حصار واقع
شده است که در همین قلعه اهل شورش بمقرب
خارا محصور داشته بودند . لکن حصار خارجی
وسیع و مکمل است و بقدر پنج هزار نفر در آن
میگنجد . و ارتفاع و شرف آن بر شهر ۱۵۰۰
پاست . و آنطرفیکه انگلیسها باید بشهر هجوم
یاورند اهمیتی ندارد و اکثر جاهایش خراب و قابل
تعمیر نیست . پنجاه سال پیش ازین یکبار دوست
محمد خان این حصار را محاصره و بواسطه نقب
یکی از برجهای آنرا بر هوا نموده آنرا فتح کرد .
بالاحصار مأمون حکمداران افغان است و همیشه
بجهت دفع مضده اهل شهر و یا شورش ناگهانی
اهل طغیان این قلعه را مأمون و مقرر کرده اند
و از بزرگان کسانرا که مقصد دولتی باشند . و با
بحکومت عصبانی بوزند در این قلعه ضبط
و بند کرده حبس میکنند . و الا در مقابل پورش
و هجوم و توب قلعه کوپ قشون منظم هیچ تاب
و تحمل مقاومت را ندارد چنانچه بارها مسبوق
است که چون باما (انگلیسان) و یا خود بخود
شان جنگ شروع میکنند در حله اول بزودی
قلعه را خالی نموده بدشمن وا گذار میکنند .
در بالای شهر کابل چهار بل ساخته اند یکی از اینها
تمام وسط محله طایفه قرابان واقع شده است
میگویند طایفه مذکور اصلا از اهل ایرانند
که نادرشاه افشار کوچا بده در کابل جا داده است
و باره بر آنند که قبیل ازادر در آنجا بوده اند .
و خارج از شهر محله دارند و از سایر اعیان شهر
در سعی و کوشش و حرفت و صنعت ممتازند . در
سابق وقتیکه انگلیسها کابل را محصر کرده بودند
از این طایفه خیلی دوستیها دیده اند . و خانه
که (سیرالکسندر بارنس) در آن می نشست
داخل همین محله بوده است . بکوقت فوج خاصه
خوانین افغان از این گروه بوده است لکن بعد
ایشانرا ازین امتیاز محروم کرده اند . در کابل
چیزی از هنود نیر سکنان دارند . ولی جزه اعظم
سکنه شهر جنس افغان هستند که خود را کابلی

میخوانند . بعد از اهل بخارا متعصبترین و غیورترین جمیع ملوایف اسلامیه طایفه افغان است . تفوذ علما بسیار است و در اویش کابل بیشمار . و بسیاری از قبایل شمالی افغانستان برای خرید و فروش بازار کابل می آیند . همچنین از بخارا و ترکستان و خجوه و کتیمبر و هندوستان خیلی تجار و سیاح بکابل می آید و بواسطه معاملات با آنان سود بسیاری بخوار و ساکنه کابل عاید میشود . تعجب در این است که این همه طوایف مختلفه که بکابل می آید و با این همه مراد و اختلاط با هر گونه خلق هر روز اهل این شهر از تعصب و خشونتشان برسته اند و عینتی نکرده و باید بفرموده اند و چنانچه از قدیم به شی بوده اند الان هم همان طور باقی هستند . جای دقت اینجاست که چنین نقطه ممتازی مثل کابل عاقبت بسبب حدت و شرارت او باش آن بلد پیدا نشد . خواه در رفت . و بجهت آن حرکات و حشایانه که در این دفعه دوم با انکلیبان نمودند آن همه نعمتها بیکه باعث آبادی و سهولت آن است از اربابشان مفقود شده بسبب کفران نعمت و نگاه ندانستن عهد و پیمان تحذیر و منکوب خواهند شد . و جزای بزرگی که برای اهل کابل مرتب میشود باید این باشد که تخت حکمداری بشهر قدما

که یاقوت قدیم توران زمین است نقل کرده شود .

در اخبارنامه (مایه ویدی کومرس) صورت اجتماع انجمن عمومی ابداء اروپ که در این نزدیکها در شهر (استردام) منعقد شده است دیده شد . از آنچه مشاهده چیریز که جالب نظر دقت است کیفیت پیدا شدن مداوای علت لکننت زبان است . در آن انجمن (دا کتر شروین پاریز) نام یک خطابه خوانده است و در ضمن ادعا کرده است که علت کنسکی نیست مگر از اختلال در نظم طبیعی نفس . و آنهم در طرف مدت سه هفته مداوا میتوان شد . و دستور اهمیت از این قرار است که شخص معلول باید اول نایک هفته بخالی ترک سخن گفتن کند . و در هفته دوم باید خیلی بی ثباتی و شمرده سخن بگوید . و در هفته سوم معلول نباید بسیار زور بزبان و کلامی خود که آت نکلم اند بیاورد یعنی باید خیلی آهسته و ملایم سخن بگوید و همین تدبیر رفع لکننت خواهد شد . در حقیقت این تدبیر یکی از کشفیات عده است و تقدیر و اعتدای آن بر عالم مدنیت واجب است لهذا دو کشور پاریز را بجهت همین

از کشف تازه اش بزرگ و تعجب می نمایم .

در نسخه هفته گذشته شرحی به عنوان (ربط ملکیت دولت انگلیس با کشور چین) نوشته بودیم اکنون به استنباطی چند نتیجه آن ظاهر می شود . چنانکه اخبارنامه (موی ویدی کومرس) در نسخه روز جمعه گذشته ۱۹ ستامبر فرنگی قریب در خصوص واگذار شدن ولایت (کلدشه) بشرایط چند از جانب دولت روس بحکومت چین بده شد . چون فقره مذکور مؤید مقاله نسخه هفته گذشته ما بود بنا بر این بطور اختصار بترجمه آن پرداختیم .

ترجمه

دو سه روز پیش از این بموجب خبرنگرانی که از پترزبورگ رسید معلوم شد که ولایت (کلدشه) که در سرحد چین و ترکستان شرقی واقع است از جانب دولت روس در مقابل پنج ملون منات (که معادل پانزده میلیون فرانک و یا حدود شصت هزار لیرا است) به دولت چین واگذار کرده شده است . بموجب کاغذ مخصوص که در ششم همین ماه ستامبر از پترزبورگ داخل

بسیار و با مرادشان یار و روزگارشان مددگار بود عاقبت کشتی ما را دستگیر و ما را اسیر کرده روی توجه بجانب مصر نهادند من نیز هر چند راستی آورده در برات و یونانی بودن خود مطمئنم و دلایل واضحه خواندم گوش بکلام نداده غلام می پدا شدند و اهل کشتی را یکتیک مانند غلامان می فروختند در ماده ما خیال جز معالجه و مرابحه نداشتند در آنحال از دور ساحل نمودار شد و بواسطه سیلان رود نیل آب دریا از سیاهی بسفیدی تبدیل گردید تا بجزیره (فاروس) که در قریب شهر (سو) واقع بود رسیده از آنجا داخل نیل شده در لنگرگاه شهر (منی) لنگر انداختند اگر ملامت اسیری و کسورت دستگیری دل ما را فرانس گرفته و بدید ما همچایی از لذات نمی بود چشم ما را دیدار چنان

زمین برکل و ریاحین که انما ارجار به اش از سلسبیل و نسیم بودی و راغ و دشتش از باغ بهشت کوی سبتر بودی حظها می برد و بهرها میکرد همانا بخاکش عنبر ریخته و باش کلاب آمیخته بودند بجهتی نظر نکردیم مگر اینکه شهرهای معمور و نهرا و موقور و عمارات سلطانی و خانهای دهقانی در نهایت زهت و صفا و در غایت آرامشکی و فضا بنا کرده بودند تو کوئی خاکش را از زرد سر رشته و در زمینش بجای خوشم می کشم سبیکه طلا کشته بودند مرغزارش پراز کله ورده بود و صدای نی شبانان بکوههای اطراف فرو بر پییده از شیرینی آهنگش کوه و سنگ بفریاد آمده از وجود با آنها هم آواز بودند بزرگان در زیر بار کران میوه های کونا کون و محصول کازمین در پادشاه رنج ایشان کج کج از دامان فرو

ریخته و مرادشان را تار کرده بود فر و مانده بودند (منظور) مگر می گفت چه نیک بخت گروهی که در سایه عدالت پادشاه عادل آمده اند و بفراتحت بان و رفاهت شمال بیابان آورده در هوای نعمت روزگار می گذرانند و مرا مخاطب ساخته می گفت اگر خداوند تاج و تخت پدر پادشاه را دارد رسوم حکمرانی این پادشاه را پیشکش خود نمائی و همینه به عقل مکرمت زنگ ظلم از سر آب ضمیر رعیت بر آبی تادرجهسان به عدالت هر روز رعیت و دیوات بجزه و ز کردی و مانند عیال خود در پرستاری ایشان کوتیده تا لذت جذب قلوب خلابی نوییده باشی و چنان سلوک کن که تمبش و شادی و رفاهیت و آبادی را از زمین زینت و عدالت نودانند و سلام ابد استقامت باز خوانند سلامینی که حواطر بر سوختن کاشته و خیالی جز

المذبح حاصل کردیم که در چهار ولایت چین از جانب دولت روس فوئسانها گذاشته خواهد شد. اماهی ولایتهای مذکور بدن قرار است ولایت (گلدشه) و (جنتشک) و (کاشغر) و (کویک) که در هر یک ز ولایتهای مذکور فوئسانلی از جانب دولت مشارعها اقامت خواهد کرد که بهر کدام از آنها سالی نه هزار منات مواجب معین کرده شده است. همین فوئسانلهای مذکور در ممالک چهارگانه چین نیز از جمله شراندا عهدنامه تبارتی است که بدو واسطه در میان دولتین چین و روس بسته شده است که کویا اینروزها سفیر چین برای اجسام و امضای عهدنامه مذکور از این پتربورگ باوادیا خواهد آمد.

اخبارنامههای لندن مینویسند. از جانب دولت فرانسه (میوزیکو) سفارت طهران معین شده است.

اخبار نکار مخصوص کازت (شواوص) کدره بسان اردوی روس که برای اندیب ترکان

(تکه) میرند بوده است فقرات ذیل را نوشته است.

اجرا کردن حرکات عسکری از یابانها از کارهای بسیار مشکل بوده است. از انواع اشکالات که از وضع طبیعی زمین یابانها سر میزند چاره رهایی جستق از جمله امتناع است. نوازمان بسیار جزوی که در سایر اوقات هیچ چشم مردم نمیشورد در این حالت از جمله غایلههای بسیار بزرگ معدود می شود بحدی که موجب تاخیر حرکات اردو میگردد.

اینکه میگویند انسان در حالت سختی همه چیز تحمل میکند.

بنده در این خال که در میان یابان هشتم نمیتوانم این فقره را باسانی قبول و تصدیق نمایم. زیرا شدت حرارت آفتاب و بادهای گرم مانند سموم و آتشی متعفن بسیار ناگوار که خارج از درجه تحمل انسان است چگونه تاب توان کرد. علاوه بر آن اسب و شتر که آدم سوار می شود چه طور دوزهای طولانی بی گاه و علف میتواند راه رود

و به وی و اطاعت او محروم خواهم بود تا قواعد حکمرانی را بیاموزم و چراغ آن دودمان برافروزم کنون که بحال خیالات دیگر ندانم و لطف خداوندی شامل حال ما نیست بهر آنکه تن بمرک دردهم و از این مشقت و سرگردانی و اهریم چون کلام بدیها تقاطر اشک خونین و تو آتشی از محنت باز داشت لکن چون (منور) چنانکه رسم خردمندان است از روی هاقبت بینی و عاقبت اندیشی همیشه طریق حزم و احتیاط را مسلوک میداشت تا بگرداب بلیات و مهالک نیفتد اما همینکه مبتلا می شد بی آنکه خود را اسیر خوف و اضطراب نماید در کمال قوت نفس و مناسبت باینداری کرده بچاره جویی آن می کوشید فریاد برآورد که ای بسر جاعل و فرزند ناقابل (الیس) چگونه خود را زبون حوادث روزگار و مغلوب

و حال آنکه وقوع اینگونه موانع و اشکالات در یابان طبیعی است.

از جانب دولت اوستریا برای تلبیس امور نافذ در بوستان و هرسک و برای اجرای اصلاحات در آنجا مقرر شده است که بقدر هفتاد میلیون فرانک استقراض کرده شود.

از فراریکه در روزنامههای هندوستان نوشته اند ناخوشی و با در کابل شیوع کرده است خصوصاً از تاریخ پنجم ماه سنابیرالی سیزدهم شهر مذکور بسیار شدت نموده اصناف و ارباب حرفت همگی دکانهای خودشانرا بسته در مساجد و معابد مشغول بادی فرایض و نوافل شده بودند.

سرکار امیر یعقوب خان هم مدت پانزده روز در بارطامرا بجهت وقوع ناخوشی تعطیل کرده بوده اند. از فراریکه مذکور است جمعیت زیادی از این ناخوشی تلف شده است.

ظاہر

صدمات چرخ بی مدار می بستندی چندی نمی گذرد که بجزیره (اتاک) شانی صحبت (پتلوب) و خدمت (الیس) را بهمان افسندار دولت و شوکت سلطنت در با بی شداند و هفتی تورا زیاده از مهالک و بدبختی او توان گفت که سالها با کمال زحمت و مشقت روزگار کوشید تا بکفایت عقل نظر فرآمده شربت مراد نوشید از حالات او در مهالک و شداند فوائد برگیرا اگر کنون این بی درایتی و هدم جرئت تودر بلاد بعیده باوجود آن صدماتیکه بدور رسیده مسوع وی افتد پیش از زحمت خویشش ریش سازد پس مرا گفت بگر این کثرت و جمعیت و وفور نعمت را که این مملکت را فرا گرفته و معمور ساخته چنانیکه معادل بیست و دو هزار شهر و قصبه (باقی دارد)

تسیر صال و خرابی رعیت ندانند باشد که شاید بواسطه فقر و پریشانی سردرگم و اطاعت آرند و در مزرع خیال تخم مخالفت نه کارند ایشان تسلطان داد کر بل آفت بینی نواع بشرنند و از آفت حکمرانی بجز بزند غافل از اینکه اینگونه حاصل مورد نفرت و موجب کسورت افراد رعیت شده قضیه برعکس نتیجه می نشد و پیوسته پادشاه را از رعیت خوف و هراس و بیم و سواسی در دل نشیند من کتم آوخ کنون وقت آن نیست که در فکر آرا و تدابیر حکمرانی و مملکت داری باشیم من بعد خیال وصال (پتلوب) و وصول جزیره (اتاک) باطل بلکه از جمله خیالات سخاست آنکن (الیس) بهماز ورود (اتاک) و محل حکومت خود از دیدار (تلاک) مسرور نخواهد شد من نیز بحکم بدبختی از ادراک خدمت



مطبعه و اداره خانه اختر
 در راسته باغالی است قمره ۲۵
 در کارهای متعلق بداره به آقا محمد طاهر رجوع میشود
 اسامی و کتای کرام در ممالک دور و نزدیک گاهی در صفحه آخرین نکاشته خواهد شد
 روز چهارشنبه ۲۹ شوال سنه ۱۲۹۶
 ۲ تشرین اول رومی و ۱۵ اکتوبر ۱۸۷۹

تعمیرت بدلات سالانه
 دارالعماده اسلامبول ۰۳ مجیدی سیم
 دیگر ممالک محروسه عثمانیه ۷۵ فروش صنایع
 ممالک محروسه ایران ۲۵ قران
 ممالک هندوستان و بنگال ۱۵ رومی نشانه
 ممالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی
 ممالک اروپا ۲۵ فرانک
 اجرت پوست همه جا بدهنده اداره است

این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاست و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن می گوید
 و نوشتهجات سودمند را باستان می نیرد
 و نوشتهجات کاغذهایی که از خارج میرسد اداره آزاد است
 و کاغذی را که نوشته نمی شود
 صاحبش نباید استرداد بکند
 و کاغذهایی که پول پوست ندارد قبول نخواهد شد

اخبرنامه (اوستراید) در نسخه امروری خود مینویسد که دولت عثمانی هم برای اتفاق کردن بادولت اوستریا آماده است

نیز اخبارنامه مذکور میگوید معلوم است که اعلی حضرت پادشاه عثمانی بالذات ول دارند که بادولت اوستریا عقد اتفاق بکنند چنانکه پیشتر در این باب نامه هم چون مخصوص نیز بادولت حضرت امپراتور اوستریا بجا رسار

از جانب دولت اوستریا در باب تعیین حقوق و وظائف ارباب زراعت و صاحبان ممالک در بوستان و هر ساک لایحه نوشته خواهد شد

از لندن ایضا
 بمرحوب تلگرافنامه کار (سیلا) رسیده است در ششم همین ماه اکتوبر فرنگی از جانب (جنرال روبرتس) با طرف شهر کابل فرقه برای کشف یعنی معلوم کردن وضع افغانها فرستاده شده فرقه مذکور در راه دیار بک فرقه بزرگی از افغانها شده فرقه انگلیس بنا چار عقب نشسته است
 بسیار این افغانها بجهت احاطه کردن اردوی جنرال (روبرتس) بسیار کوشش کرده اند قشون انگلیس به روی آنها هجوم مخفی آورده بعد از جنگ بسیار خوریزی افغانه بکلی عقب نشسته تلفات بسیار داده اند
 از قشون انگلیس نیز بقصد هشتاد نفر مقتول و مجروح بوده است
 فرنگی آروز را بنا بوده است که اردوی جنرال روبرتس رو بتهر کابل پیش رود

پیشگی نگیرند روزنامه ندهند مگر از اشخاص معضی که سمت امنی دارند

تلگرامها

از برین ۲۲ شوال در نتیجه امر انتخابات مجلس پارلمنت اکثریت در جانب هوا خواهان وضع حاضر مانده است
 بتاریخ این اعضای تازه مجلس مذکور پولیتیک برنس بسمارک را تقویت خواهند کرد
 اینکه پیشتر شایع شده بود در انتخابات تازه هوا خواهان آزادی اکثریت حاصل خواهند کرد بی اصل بوده است

از لندن ایضا
 اینکه شایع شده بود از جانب دولت روس از دربار لندن از چگونگی وضع پولیتیک انگلیس درباره افغانستان ایضاحات خواسته شده است تکذیب کرده شد
 بسیاری از اخبارنامه های لندن میگویند آسانی منع کردن راههای اینگونه ایضاحات و استیضاحات روس منوط بر این است که کار افغانستان را بزود ترین وجهی انجام داده شود

از بشته ایضا
 بسیاری از اخبارنامه های بجا حکومت متبوعه خود شتر اسپارش میکنند که دولت اوستریا بجا رستان را لازم است که برای تقویت پولیتیک خود بادولت عثمانی اتفاق نماید

عرض مخصوص

خدمت حضرات مشترکین محترم این اخبارنامه که در ممالک دور و نزدیک هستند عرض می شود
 نزدیک است که سال ۱۳۹۶ هجری که سال پنجم انتشار این اخبارنامه کرامی است تمام بشود
 و بسیاری از مشترکین این نامه تاکنون در ادای عمل قیمت آن توجی نفرموده اند
 خصوصاً بسیاری از مشترکین محترم ممالک محروسه ایران تاکنون قیمت سالانه این اخبارنامه را اطفاف عرض نکرده اند متوقع هستیم که محض بملاحظه استمرار و برقراری این نامه ملتی که واسطه رفاه ترقیات و آگاهی است برخلاف پیش قیمت مقرری آنرا که در عهد دارند اطفاسیاب واسطه و کتای این نامه و باینکه بلاواسطه باداره خانه آن ارسال دارند و راضی نشوند باینکه بعد از زحمت چند ساله و خرج مبالغه های زیاد و تحمل کردن بر ضرر و خسارت بی شمار این صحیفه نامی معطل شده نتایج عدله که برای وطن و ایسای وطن از انتشار آن متصور است بی نمراند

بنا بر این خدمت عموم و کتای محترم اختر که در اطراف و ممالک دور و نزدیک هستند زحمت عرض میدهیم که بدل قیمت همین سال ۱۲۹۶ را که در نزد مشترکین با بکین مانده است اطفاف فرموده پیش از تمام شدن همین سال دریافت نموده با و این وسیله باداره ارسال فرمایند چنانکه در سالهای گذشته عرض شده است در هیچ جای بی آنکه قیمت سالانه یا ششماهه اختر را بانضمام اجرت پوست

از لندن ۲۳ شوال ﴿ دولت فرانسه
 جهت امتداد مذاکرات مسئله حدود در میان
 این عثمانی و یونان بدو تهای بزرگ سبب شده است
 شسته از جانب دو تهای بزرگ نیز بیامسال بطور
 وسنا اظهار کرده شده است که درباره اساس
 مذاکرات ابتدائی و انجام دادن این مسئله بدولت
 رت سعی کرده شود که اتحاد افکاری حاصل
 شود .

لورد سانسبری بمسکو (وادیکتون) اظهار
 اشتیاق کرده دولت انگلیس در این قهر بدو تهای
 بزرگ همراهی نتواند نمود .

بایهالی بدولت انگلیس از اینکه دولت یونان
 لرا حظه بدو تهای بزرگ مراجعت کرده است
 نکایت نموده ضمنا خواهشمند شده است که دو تهای
 بزرگ مطالب طرفین را بجهت رسیدگی نمایند .

از وین ایضا ﴿ امروز (بارون
 هایمرله) وزیر خارجه تازه اوستریا بکونت
 بیچی سفیر دولت مشارالیها مقیم اسلامبول
 سنورا العمل داده است که از استعفای کونت
 سراسی و از معین شدن خود مشارالیه بوزارت
 خارجه اوستریا بدربار دولت عثمانی بطور
 رسمی اطلاع بدهد .

از وین ایضا ﴿ مجلس مبعوثان اوستریا
 امروز در حالتیکه اعلا حضرت امپراتور حضور
 ایشان بطور رسمی گشاده شد .

از برلین ۲۲ شوال ﴿ (جنرال شازی)
 سفیر دولت فرانسه مقیم برتسبورک دیروز با نجوا
 وارد شده بپرنس بسمارک ملاقات کرده است .

از لندن ۲۵ شوال ﴿ بموجب خبر
 انگرانی که از (سیلا) رسیده است اردوی
 انگلیس بسرداری (جنرال روبرتس) در هشتم
 همین ماه اوکتوبر فرنگی به پیشگاه شهر کابل
 رسیده است .

(جنرال ماسی) برای بریدن خط رجعت
 فراریان اهل شورش کابل دسته های سواره
 و توپچی ابو انجمی خود را در میان راه (کوهستان)
 و (بامیان) تمییه کرده هفتاد و شش عراده توپ را
 که از جانب شورشیان بمواقع مستحکم برای منع
 عبور انگلیسها گذاشته شده بود ضبط کرده است .

(جنرال باکر) و جنرال ماسفرسون بهمرای
 افواج خود بر ضد افغانها که از بلا حصار می آیند
 پورش می برند .

از لندن ۲۴ شوال ﴿ کونت شوالوف
 بلندن دعوت نمود . اخبار نامه (تاپس)
 در نسخه امروزی خود مینویسد . تیغه
 ملاقات کونت اندراسی و پرنس بسمارک در وین
 عبارت از این بوده است که برای ضبط و نگاهداشتن
 دولت روس در داخل حدود عهدنامه برلین
 چاره اندیشیده شود .

از بکرش ایضا ﴿ بقدر دو بیست خانوار
 از اهالی اسلام (دو برنجه) برای هجرت کردن
 بممالک عثمانی از قونسل عثمانی مقیم بکرش بسا بورط
 مرور خواستند . مخارج هجرت را هم خودشان
 جابجا خواهند نمود .

از لندن ایضا ﴿ حکومت انگلیس
 بلا حظه نزدیک امنیت و آسایش عمومی قرار داده
 است که اردوی هندوستان را انتظام جدیدی داده
 شود . بموجب خبرهایی که از سیلا رسیده است
 بعد از این از اهالی بومی هندوستان بموجب
 قانون جدید هرکس که در اثنای امتحان اظهار
 ایسافت و اهلیت نماید بموجب ایسافتی که دارد
 بزرگترین خدمات ملکیه و عسکر به داخل تواند
 شد . این فقره قانون تازه در نزد اهالی
 هندوستان موقع حسن قبول را یافته است .

از وین ۲۳ شوال ﴿ اعلا حضرت
 امپراتور اوستریا در خطابیه که در مجلس مبعوثان
 خوانده است سخن از پولیتیک خارجه بیسان
 آورده اظهار داشته اند که . با همه دولتها بقا و دوام
 مناسبات دوستانه خود ما را بکمال امتنان دیده
 می بینم . همه احکام عمده عهد نامه برلین
 بوقع اجرا آورده شده است . مقارنه استیلای
 (پشکی بازار) از جانب قشون اوستریا بسبب
 مؤافقت افکار دوستانه بایهالی اجرا شده است .
 وظیفه دولت اوستریا عبارت از تقویت و تحکیم
 اساس ثروت و تجارت اوستریا است .

(بارون هایمرله) میخواهد پیش از همه مسائل
 یا مسئله شرق اشتغال نماید . از قراریکه اخبار نامه های
 وین میگویند بارون هایمرله در این نزدیکی کونت
 زبچی سفیر اوستریا مقیم اسلامبول را ب وین

احضار خواهد نمود که از باره مسائل عمده شرق
 اطلاعات حاصل نماید .

از لندن ایضا ﴿ اخبار نامه های امروزی
 مینویسند . از جانب حکومت انگلیس برای
 تسکین هیجان اهالی (ایرلند) دوفوج قشون
 بیاده و دو دسته سواری بایرلند فرستاده شد .
 اخبار نامه استناد دارد مینویسد دولت انگلیس
 برای نگاهداری انتظام داخلی ایرلند بطسور
 قضای مهم شده است .

از برتسبورک ایضا ﴿ در مجلس سیاسی
 بطور موثق گفته می شود که پرنس شورچاقوف
 تا آخر همین ماه اوکتوبر فرنگی از راه ورت خود
 استعفا خواهد کرد .

از وین ایضا ﴿ کونت اندراسی در چین
 وداع کردن هیئت وزارت خارجه اوستریا
 بیان نموده است که زمان نیک بختی دولت اوستریا
 رسیده است . بعد از این مضطرده که بموجب
 تسلیم اوستریا باشد از هیچ سمتی باقی نمانده
 است .

از برلین ۲۵ شوال ﴿ (کونت
 درمن و تلیه) سفیر فرانسه مقیم برلین بسبب
 بموجب دعوت مخصوص با اعلا حضرت امپراتور
 امان طعام خورده است .

از برتسبورک ایضا ﴿ کراندوک
 قسطنطنین که از چندی بانظر طرف ناخوش بود
 ایروزها اوقت حاصل کرده است .

از وین ایضا ﴿ بطور موثق روایت
 کرده می شوکه از جانب دولت یونان برای اثبات
 افکار صلح جویی بکومیسراهای خود دستور العمل
 داده است که با احتیاط باره دقیق بیان نامه دولت
 عثمانی را در خصوص مذاکره مسئله حدود
 قبول نمایند .

از لندن ایضا ﴿ اینکه شایع شده بود
 دولت روس خیال دارد قوه قشون خود را زیاد نماید
 بموجب خبر انگرانی که از برتسبورک با اخبار نامه
 استناد دارد رسیده است تکذیب کرده شد .

نیز اخبار نامه مذکور بموجب خبر انگرانی
 که از وین گرفته است مینویسند . از جانب

يك قطعه تحریرات عمومی بجهة سفرای اوستریا
كدرمالك خارجه هستند نوشته شده است
از مأموریت تازه خود اطلاع داده بیان نموده
است که بولیتیک اوستریا صلح و مسالمت را خواهان
است و اساس آن عبارت از اجرای تمامی احکام
عهدنامه برلین است .

از لندن ایضا * بموجب خبر تلگرافی
که از (سیلا) رسیده است . از (کرین) سه
توج قشون افغان برای کمک عساکر افغان
که در مقابل فرقه (جنرال باکر) مقاومت میکنند
حرکت کرده است . بنابراین (جنرال ناسفر
سون) نیز قوه آمادگی برای جنرال باکر فرستاده
است .

از سیلا ایضا) بموجب خبرهای آخری
که از اردوی انگلیس رسیده است . قشون
ایواچی (عوگ) سرهنگ انگلیس پیش
رفته یارقای هجوم کرده است . فرقه (اکنس)
سرهنگ که متوجه تر است از جهت عدم اسباب
مهربت در دوازده میل با طرف (خلاة الغزالی)
توقف کرده است . در هرات امنیت و آسایش
بدرجه کمال بوده است .

از بیسبورگ ایضا * از جانب حکومت
یاخبار نامه های روس غد شن کرده شد که
هر اخبار نامه بعد از این بر ضد حکومت المان سخن
گوید بطور قطعی لغو و ابطال کرده خواهد شد
لهذا بموجب همین تدبیر اخبار نامه های مذکور
از سخن گفتن بر ضد دولت المان صرف نظر
کرده اند .

از لندن ۲۷ شوال * بموجب تلگرافنامه
که از جانب والی هندوستان بلندن رسیده است
اردوی (جنرال روبرتس) در نزدیکی بالاحصار
بوده است . (جنرال باکر) فرقه از قشون
افغان که از مقابل (جنرال باکر) فرار کرده است
دوازده عراده توپ از آنها ضبط شده است جنرال
یا کر بجهت تاریکی شب نتوانسته است فراریان را
تعقیب نماید . فردای آروز جنرال مشارالیه تعقیب
فراریان برداشته است . بموجب ترتیباتی که همین
شده است (جنرال روبرتس) در یازدهم
یادوازدهم همین ماه مظنون است که بالا حصار
داخل بشود . تا اکنون بقدریکصد عراده
توپ از قشون افغان ضبط شده است .

از وین ۲۶ شوال * بموجب خبرهایی
که از برلین رسیده است . بولیتیک پرنس بسمارک
عبارت از نگاهداری وضع حاضر در شرق زمین
بوده است . پرنس مشارالیه باهلا حضرت پادشاه
عثمانی عرض خواهد نمود که . در نگاهداری
عهدنامه برلین از هر گونه امر بیض و مؤاخذه بطور
قطعی سعی خواهد نمود .

از وین ۲۸ شوال * اخبار نامه (دابلی
تلگراف) بموجب خبر تلگرافی که امروز
از وین گرفته است میگوید . از جانب دولت
اوستریا بدولت انگلیس اطلاع داده شده است
که . اتفقنامه که در میان دولت های المان و اوستریا
و عثمانی آماده شده است دولت انگلیس نیز میتواند
بشرائط مخصوصی آن داخل اتفقنامه مذکور
بشود . هرگاه دولت انگلیس قرارداد خود را
تغییر بدهد آنوقت ناچار خواهد شد از اینکه
شرائط سایر اتفق کنندگان را قبول نماید .

از لندن ایضا * دیروز از جانب (سیو
کروس) وزیر داخلیه انگلیس در مواجهه
اهالی خطابه خوانده شده وزیر مشارالیه بیان
کرده اینکه شایع شده است که دولت انگلیس میخواهد
افغانستان را ضمیمه مستلکات هند نماید بی اصل
است . دولت انگلیس بوجهی در شمال مداخله
بامورد داخلی افغانستان نیست . بل مقصود دولت
انگلیس عبارت از این است که از مستلکات هندوستان
خاطر جعی حاصل نماید .

وزیر مشارالیه پس از آن از وضع عمومی اروپا
سخن بیان آورده اظهار داشت که حکومت
انگلیس از چندی یا بنظر طرف است که آرزو مند
مطمئن شدن از وضع عمومی اروپا است چنانکه
در تالی از همه دولت های اروپا بیکان بیکان در این باب
تأمینات لازمه حاصل شده است . پس از آن
باز عنان کلام را بجانب مسئله مشرق زمین معطوف
داشته از نافع بزرگ دولت انگلیس که در شرق
دارد یاد آوری نموده سعی کردن دولت انگلیس را
در نگاهداری دولت عثمانی تصدیق کرده سوء
استعمالات و بدرفتاری اداره عثمانی را نیز بیخفتی
مؤاخذه نمود . بعد از آن دولت روس را نیز
بجهت اینکه حالا هم در مشرق زمین بموجب
تشیب اهالی و واسطه شورش در آنجا می شود
متمم داشته ضمنا بیان نمود که مسئله مشرق زمین
باین وضعها بعد الاحتمال است که بدرجه مطلوب

خشنودی رسد بلکه انجام یافتن این مسئله صحیح
زمانهای دراز است .

از سیلا ۲۸ شوال * (جنرال روبرتس)
دیروز ظرف ظهر در حالتیکه بغروب خان نیز همراه
بود بکابل داخل شده است . در حین داخل شدن
جنرال مشارالیه برق انگلیس را که پیش از وقت
در شهر کابل برافراشته شده بود از جانب قشون
انگلیس بشک توپ سلام نظامی داده شده است .
بالاحصار و سایر مواقع مرتفعه را که شورشیان
پیش از ورود به انکلیس وا گذاشته فرار کرده
بودند دو تپ قشون انگلیس برای نگاهداری آنجا
گذاشته شده است . بقدر غنای و دو عراده توپ
در شهر کابل بدست اردوی انگلیس افتاده است .
از قراریکه مضمون است جنگ افغان را تمام شده است
انگاشت .

(توجهات)

بجناب سعادتمآب ادیب افندی منشی اول
و اعضای مجلس صحبه صنف اول رتبه اولی .
بجناب سعادتمآب مدوح بیک افندی از اعضای
مجلس مذکور صنف ثانی رتبه اولی . توجه فرموده
شده است .

داخلیه

جناب سیرلارد سفیر انگلیس را پیشتر نوشته
بودیم که بعزم سیاحت بجناب سوریه رفته بودند
روز دوشنبه گذشته سفیر مشارالیه باسلامبول وارد
شده در حین ورود مشارالیه ارجانب سیاحات
اصلا حضرت پادشاهی دوفرازقرا و یاوران
حضرت پادشاهی مخصوصا برای استفسار سعادتم
سفیر مشارالیه بواپور فرستاده شده عمومی الیهما
از واپور تا سفارتخانه دولت انگلیس همراه
مشارالیه رفته رسم خوش آمدی را بعمل آورده
اند .

اخبار نامه استانبول میگوید . سفیر مشارالیه
روز پنجشنبه آینده از حضور همایون اصلا حضرت
پادشاهی سرفیانی حاصل خواهند نمود .

هبت و کلای مصر بموجب امر و اراده
جناب مستطاب خدیو مصر تبدیل شد. هبت
از هم بدین قرار تشکیل یافته است.

ریاست هیئت نظار با اضماع وزارت داخله
وزارت مالیه نیز بطور موقت بمعهده جناب
دخترت مآب ریاض پاشا.

وزارت های بحریه و جنگ بحساب سعادت مآب
نوران رفیق پاشا.

وزارت خارجه بمعهده جناب سعادت مآب
مستطقی فهمی پاشا.

وزارت اشغال عمومی بحساب سعادت مآب
عینی مبارک پاشا.

وزارت حقانیت بحساب حسین فخری
پاشا محول شده است.

ورقه

(انظام)

انظام ضد پراکنده گیت - جمع چیزهای
معتول و محسوس را نظم بست طبیعی - اگر
جمع ارکان يك امری بمقتضای طبیعت آن امر
مرتب شود آنرا امر منظم میگویند والا
پراکنده است - مثلاً شخصی کتابخانه دارد
اگر کتب موجوده همه داخل هم و متفرق
باشند و هر صفتی بجای لایق خودش نباشد
میگویند این کتابها درهم و برهم و بی نظمند -
اما اگر آنها را صنف صنف نموده هر صنف را در
موضعی مخصوص بگذارند یعنی کتب احادیث را
در موضعی و مؤلفات صرفی و نحو را در موضعی
دیگر و هر يك از کتب حساب و هندسه و تاریخ
و حکمت و غیره را در مکانی معین بگذارند و حتی
برای هر يك از آن کتب شماره بگذارند و وضعیت
آنها بقاعده هروف نهجی ترتیبی داشته باشد
البته خواهد گفت آن کتابخانه حسن نظم را
دارد - امور سیاسی هر ملتی هم بینه همین
طور است - اگر امری یا با بر ترتیب و با نظم است
هم بسهولت مجری میشود و هم مؤثری افتد -
والاهم در اجرا دشواری و موانع پیدا میشود
و هم مقصد حقیقی هیچ وقت حاصل نخواهد شد -
مثلاً دزد البته بی شرم نمیشود ولی اگر در حق
جمع دزدها بکنوع جزا واقع شود یعنی

از برای هر گونه جرم و جنایت و باقیساحت پیش
از وقت کیفری معین گردد و هر مجرم یا جانی بالسویه
بجازات خود را بآبند آنوقت هم اجرای یاسا
بنظم میشود و هم خوف قانون و با انقضاء دردل
خلق جایگیر شده از ارتکاب آن جرایم کناره جویی
میکند - اما چون چند نفر دزد را که مرتکب
بکنوع عمل دزدی شده باشند بگیرند و حاکم یکی را
دست و دیگر را راه بر برده آن دیگر را چوب زده
رها کند آنوقت آنحکم هم بی نظم و هم خلاف
شرع است پس بجهت همین بی نظمی
و عدم تعیین کیفر شخص خدا نترس میگوید
من مرتکب فلان جنایت میشوم ممکن است که
(بلکه یقین میکند) اسبابی فراهم آمده دست
و پا بر مرا نیند و اکتفا بچوب زدن بکند
لهذا در ارتکاب جرایم جور میشود - باز اگر
کسی بر عکس اول نماز گذارده و بعد وضو سازد
و یا اول سلام و بعد تشهد بخواند و یا یکی
از ارکان آزارتک نماید بجهت همین بی ترتیبی
و بی نظمی ارکان نماز باطل و نامقبول میشود
پس از این مفهوم و مستدل میشود که معنی
نظم شریعت تازه اختیار و یا اختراع کردن
و یا خلاف شرع حرکت نمودن نیست بلکه
همین شریعت غرائی را که در دست داریم بنظم
و ترتیب مجری کردن است -

در امور عرفیه اگر پادشاه بخواید
که حکومت عرفیه دولت خود را ترتیب داده
بنظم بدارد و از برای هر شعبه های حکومت
قانونی بگذارد و حقوق دولت را معین نماید
چه مخالفی بشریعت خواهد شد؟ و یا اینکه
اگر حقوق ملت را تعیین نموده قرار بدهد که جمع
افراد رعیت پادشاه در پیشگاه یاسا یکسانند
و مناصب دولتی موروثی نیست بل تمام رعیت
بالسوات بشرط قابلیت و دانش در مناصب دیوانی
حق دارند و بجز حکم قانون کسی از رعیت چیزی
نمی تواند گرفت و بغیر از احکام قانون هیچ یکی
از رعیت را کسی زحمت و یا اشکبه و یا حبس
نمی تواند نمود - و هیچ کسی بی حکم قانون داخل
خانه و یا دکان کسی نمیتواند شد - و مالیات
سالانه بهمان نحو که در قانون دولت مقرر و معین
است گرفته خواهد شد - و هیچ حاکم و یا ناموری
بر اضافه گرفتن از قرار غرضی مالیات حق
و صلاحیتی ندارد و هر که برخلاف این قوانین عمل
کند جزای سزایش در کنارش گذارده خواهد

شد چه نقصی از برای شریعت وارد نخواهد
آمد؟ و در این قوانین بجز رضای حق و خلق
چه بدی هست؟ اگر حکومت بکنفر خاین
دولت و ملت را یعنی اختلاس کنندگان مال دیوان
و رشوت خوردگان را کیفری معین نماید که در همه
ایالات و برای هر کسی بالسویه روا باشد و احکام
شرعی و عرفی را بسلیقه درست ترتیب داده
از برای هر شعبه از امور احکام منطبق بر امر را
جداجدا در کتب عظیمه ثبت نموده بدستگاه
اجرا بگذارد و از برای هر شعبه از امور محکمه
و یا انجمنی جداگانه وضع نموده چنانکه هر محکمه
خارج از تکالیف خود بکاری دیگر دخل و تصرف
نموده محاکمه دزد و قاتل و شقی در محکمه جنایت
و محاکمه مدیون و یا مفلس و یا بیع و شرا در محکمه
تجارت - و محاکمه محل طهارت و نقاشات
و میراثی در محکمه احتساب رؤیت شده هزار
پیشه کر را از دست مأمورهای که بیای
جان رعیت و کسبه اند گرفته هر امر را بمحکمه
مخصوصی حواله نماید و حکم قانون در باره عموم
مساوی باشد چه ضروری برای شریعت دارد؟

بلی برای شریعت هیچ کدام از اینها ضروری
ندارد اما برای دزدها تیکه بازار را آشفته میخواهند
بسیار ضرر دارد -

الآن در بعضی ولایتهای ایران میگویند در میان رعیت
همه افتاده است که میخواهند نظم و انضباط را بایران
یا وارد (ولی بچارگان نمیدانند تنظیمات یعنی
چه - حق هم دارند چونکه معنی نظم را درست
فهمیدن کم مطلبی نیست - یکی میگوید مقراض
خیاط است و دیگری میگوید کان حلاج است -
خیر یا مقراض خیاط نیست مقراض امید خا نشان
ملك و ملت است - کان برهم زدن دستگاه
دسایس و ظلم و اعتساف ظلمه است - در این اثنا
صاحبان غرض از جهالت رعیت فرصت
بجست بر دم چنین حالی میکنند که معنی نظم خلاف
شرع را مباح و جایز دانستن و منیازا مرتکب
شدن و ناموس و ادب را از میان مردم برداشتن
احت - سخنان الله کسانی که اینگونه شایعات
در میان خلق نشر میکنند باقی الواقع از روی
ندانستگی است یا اینکه دانسته و فهمیده مجرد
منی باغراض نفسانیه خود این گونه تاویلات
تالیفها اظهار میدارند خدا کند که از ندانستگی
باشد والا اگر از روی غرض باشید آن قبیل

اشخاص نیستند مگر خدمت شیطان مردم میفهمانند که میخواهند نظم فرنگی را در مملکت مابگذارند همین لفظ را سرمایه کرده این نوع استدالات من و روانه خود را در میان آورده میگویند که (رانهای فرنگی رونیکیرند در فرنگستان شراب خوردن مباح است فرنگی گوشت خورک میخورد پس وقتیکه نظم جاری شد خاق بخارند منهای مذکور را مرتکب شوند) این استدلال مقصدین عوام است مقصدین خواص میدانند که معنی نظم این نمیتواند بود از راه دیگر آمده میگویند (در فرنگستان مردم آزادند) اما لفظ آزادی را هم یعنی خودسری و بی بجای تفسیر میدهند (دزد را دست نگیرند حبس میکند گسبها با آقایان و رعیت را یا رباب مساوی میشمارند چون در ایران هم گذارده شد آنوقت هر کس خود سر شده هر خلاف شرع را که دلشان بخواهد مرتکب میشوند بزرگی و کوچکی آقائی و نوکری رهیتی و اربابی از میان برخواسته حرمت برداشته میشود چون دزد را دست نگیرند و جزای حبس میدهند شریعت را نقضه دار میکنند (لهذا وضع تنظیمات جایز نیست)

لکن با همه اینها اول از عنایات خداوند داند امیران و ثانیاً از هم علیه اعلی حضرت شاهنشاه دار کستر ایران دام دوله امیدوار هستیم که نظم حقیقی در ایران بزودی سر بگیرد تا این قبیل مقصدین بموجب همان قوانینی که نمی پسندند یکفر کردار خود پرستند و رعایای مطیع از نتیجه همان انتظامی که هنوز معنی و خاصیت آنرا درست نمیفهمند بهره مندی حاصل کرده در سایه رافت پادشاه عادل و امیران خود شان نیک بخت بشوند

امضا
(شخصی از ایرانیان)

خارجه

در ضمن کاغذ مخصوصی که از سندج داشتیم مینویسند

اینروزها از جانب نواب مستطاب اشرف والاحسن السلطنه حکمران ولایت همدان و کردستان محض بملاحظه نیکی رفتار و خوبی

اطوار عالیجاه بجدت همراه اقا سید جابر وکیل شهید در دولت علیه عثمانی که پیوسته در نگاهداری مراسم اتحاد و یگانگی دولتی علین ساعی میباشد بکثوب بجای زردوز اعلا برسم خلعت اعطا فرموده شده است نیز در کاغذ مذکور شرح مفصلی از امن و آسایش کردستان نوشته است که از حسن مواظبت نواب امجد والا امیرزاده ابوالفتح معزا والی کردستان امور آنسلمان در نهایت انتظام بوده اهالی و رعایا از هر جهت آسوده و فارغ البال هستند

خلاصه افکار سده نفر و کلاهی انگلیس که هواخواه آزادی هستند در خصوص جنگ افغان از روزنامه تاپس هند ترجمه شده است

(متر کلاستن)

متر کلاستن در ضمن یک خطابه که در شهر (چستر) خوانده است در خصوص پولیتیک حکومت انگلیس چنین اظهار داشت که اعتقاد من در باب این بحران حالیه دولت همان است که پیش از این در ضمن کلمات اتی الذکر بیان کرده ام باز هم آنکلمات خوانده خواهد شد و آن این است (در مدت عمر من نتیجه هیچ مسئله که مورد محاکمه ملت شده باشد باین پایه اهمیت پیدا نکرده است یعنی ضبط مالیات میزان اخراجات و ترقی مقامیه پس افتادن وضع قوانین پیشتر کتم و در حضور انجمن میوهوان ملت هم تصریح نمودم که عهد و اعتبار مملکت بواسطه پولیتیک خارجه و کلابکی لکه دارد و از جهت عدم اطمینان و اعتماد و حتی در این اواخر بسبب مختل شدن صنایع و امنیت که باعثش ایشانند سررشته دخل و تعرض بدست زعامه افتاده کار را بدراز کشانیدند و بر قوت و منفعت دولتیروس افزودند و حتی میل و محبت اهالی روس را بکلی از انگلیسان سرد و زایل نمودند دولت و ملت را یک جنگ ناحق مجبور کردند و همین قایله جنگ افغانستان محض خسارت

(۱) چستر شهر ریت در شمال غربی انگلستان که در مصب نهر دی واقع است

و مضرت و مهلکه قطعی هندوستان است و بواسطه اینکه اقتدار سلمی و جنگی دولت را سوءاستعمال نمودند حقوق صحیح (پارلمنت) را پایمال کردند و حقوق امتیازات آنرا بصورتیکه مغایر قوانین اساسیه دولت است در تصرفات جاری دادند که نتیجه آن خطرناک و عاقبتش خرابی و خیم است (مضالعه من چنین است و کلاهی که بر بریق من نوشته شده است همین است و من این علامت را بر سر منون کشی خود میریم (۲) این کلام را از قبیل کلامهای افسانه و بی معنی نباید شمرد برای هر گاه بل هر حرفی از آن مسئولیت را قبول میکنم و بجهت اثباتش اینستاد

نورد نورت بروک

نورد مشارایه در (فلت نورت) (۳) خطاب بانجمن مخصوصی نموده اظهار داشت که « بجز یک خیال موهومی که کوبا روس سر استیلای هند را دارد حکومت بیم کرده حادثه جنگ افغان را بر پا کرد هواخواهان آزادی حکومت اسناد جانت نموده میگویند شجاعارت ندارند در صورتیکه احتمال هیچ تحاطره نیست بخود گرفتار رهبر هراس میگردند و بی تمایزی داخل مسئولیت مصلحتی میشوند که خودتان آنرا بانجام رسانیدن نمیتوانید و در آخر بکردن اخلاق شما خواهد افتاد »

و بعد از این کلمات نورد مشارایه جدا ادعا نمود که تصور و خیال اینکه روس هندوستان را استیلا خواهد نمود بطور کلی ظن نامعقولیست پس از آن در خصوص تصرف کردن جزیره قبریس و از علم قائده تصرف آن جزیره اظهار تأسف نموده بیان کرد که آن وقت جنگی با افغان داشتیم و یک سرحد تغنی برای خود قرار

(۲) این دو جمله آخری تغییر انگلیزان است یا اصطلاح خودمان من این معنی را جار میریم یا کوس در سر بازار میریم

(۳) شهر ریت در ساحل جنوب شرقی جزیره انگلستان

داده بودیم . (۴) علاوه بر این بیان نمود که در باره پولیتیک هند کابینه چینی بیان نخواهم کرد . لیکن میخواهم در خصوص صنعت مسکه افغان بطریق اجمال بحث کنم . در این باب هواخواهان آزادی در ضمن تحقیقات پولیتیک حکومت در اول امر اظهار داشتند که اگر حکومت در این روشی که دارد پیش رود کار بحرب منجر خواهد شد و نیز اعلام داشتند که احتمال ضعیف ناز برای مملکت هست ولی اینها هم خاطر نشان نمودند که آن ضربه گذشته از اینکه باعث قوت هند بشود بهیچ وجه ضعف کلی آن ملک خواهد شد . وقتی واقعه در این هر دو مسئله هواخواهان آزادی بطور قطعی حق داشتند و در حقیقت چنانکه گفته بودند روش حکومت کار را بحرب نشانید . و از جنگ مقصد توسعه مستلزمات محصول آمد . اما اینکه این نتیجه آیا باعث قوت و یا ضعف هندوستان خواهد شد در آینده بروز خواهد کرد . در اینجا گفت که از خدا میخواهم که این بحار به از برای هندوستان باعث قوت شود چه . هنوز این را یقین ندارم که روش حاکمیت در افغانستان موفق و منتهی تواند شد ولیکن اعتماد بقول کسانی که از اوضاع هندوستان اطلاع دارند و چنین میدانند که هندوستان آن اعتماد را ندارد که از استیلای روس مصون باشد اظهار این آرزو را می نمایم . روس آن بیابانهای اذوقه بی آب و علف را که وسایل حمل و نقل و وسایط بخاره در آنها موجود است و باید قشون خود را از آن جاها بگذرانند دیده است در صورتیکه هم خود حکومت وهم بسیاری از دیگران میدانستند که چنین هجومی از طرف روس محال است و اگر هم بر فرض روس قویتر و منصدی چنین هجومی بشود بزودی بکمال بدنامی مغلوب و مذکوب خواهد شد و بدین حکومت بوهیم استیلای

(۴) مراد (لارڈ نورٹ بروک) از لفظ (سرحدات فنی) این است که عملیاتی هم پولیتیک فاعیت به سرحدات طبیعی هندوستان که عبارت از جبال صعب المرور باشند نکرده از روی قاعده علی در ماورای جبال از سمت افغان و ایران لزوم تسخیر بعضی ولایات را ادعا کردند و آن جاها را (صابن فیلک باوندری) یعنی بهرحذر علی و با اینکه فنی تغییر نمودند .

روس افزاده و فیکه (مر کوایس دال هوس) (۵) فرمانفرمای هند بود او نیز این مسئله را بنظر بصیرت دیده خیلی دلش میخواست که روس قصد هجوم بدهند نماید تا خوب معلوم شود که ما (انگلیسان) در آن بابت هیچ جای خوف و هراس نداریم . در جواب هواخواهان آزادی گفته شد که سرحدات هند محدود بسلسله جبال است و لازم است بر ما این سلسله کوهها را به عقب گذاشته در آنجا کاذرگاهها را ممانت و استحکام بدهیم . بسیار خوب . گرفتیم که حدود فنی هم میسر شد . (لورد سالسبری) گفته است که ما سرحد خود ما را چنان استوار ساختیم که دیگر تجاوز نمودن از آن برای دشمن ناقابل است . از این جانب هم بهینیم هواخواهان حکومت چه گفته اند . بلی حتی (سرهنگی روان سان) ادعا کردند که در این صورت هم باز کار بطور لایق تمام نشده است و هنوز ندانم اند که در آنجا (فندهار) و (ایورد) که موقعیت در شمال شرقی ایران چقدر باید شتاب کرد . و در امر محافظه و نگاه داری این دو جا نتیجه مرتبه سعی باید نمود . ومع هذا بگوید باز تفاوتی بوضع سابق نخواهد کرد . و این سرحدات فنی معهود را دفع احتمالات هجوم روس نخواهد شد . آنایکه برخلاف حکومت هند هستند همیشه فریاد کرده اند که محافظه و سلامت هند در حسن اداره حکومت مملکت است . و باید اهالی را چنان راه برد که مطمئن شده یقین کنند که مادر صند حسن اداره حکومت و بختیاری ایشان هستیم و خصوصا امور مانیه هند را باید زیاد دقت نمود . و مالیات را در صرفیات بی موقع لشکری اتلاف نباید کرد . برهنگی بی آنکه تقویتی حاصل شود روش و سبک حکومت متبادبا تزیید مخارج میکند سخن را در اینجا ختم کرده (اهل انجمن با آوازه های بلند آورده شارالیه را تحسین نمودند .)

(سیر . ک . دیک) (۵) (مر کوایس) بعد از شهزادگی زتبه ایست رفیع (و دال هوس) اسم شهر است در امریکای شمالی شرقی در ولایت کانادا که از مستقلکات انگلیس است .

در چلیسیا (۶) (سیر . ک . دیک) اظهار داشت که جنگ افغان چنان بارگرن مخارج مستمری بر مالیات هند گذاشت که طاقت حل آن ندارد . و علاوه بر آن اسباب آسانی رسیدن روس بروسه نیز از نتایج ناگوار آن حاصل خواهد شد . و احتمال دارد که متعاقب آن در هرات و پیکشتر از انجا ملاتی شود . و از قراریکه میاید مطالب حاله دولت یونان نیز بطرفه میگذرد .

در ضربخانه دولت روس از سال ۱۸۰۰ میلادی تا سال ۱۸۷۸ یعنی در ظرف مدت هفتاد و هشت سال معادل یک ملیار و دو بیست و شصت و نه میلیون و سی و سه هزار و هشتصد و شصت و شش مانت زر و نقره سکه زده شده است .

بوجب راپورتی که از جانب اداره پولیس وین بقرار معمول هر ساله طبع و نشر شده است در شهر وین در زیر اداره پولیس یک میلیون و هفتاد و پنجم هزار و دو بیست و شصت نفس بوده است که از آنجمله یکصد و چهل و شش هزار و هفتصد و چهل و پنج نفر سیاح تبعه خارجی بوده است . مرکزهای اداره پولیس به بیست و شش دایره منقسم است که از جمله پنج مرکز دره و وقف راههای آهن است . ماهورین پولیس بقدر سه هزار و یکصد و چهل و چهار نفر و مواجب آنان در هر سال معادل دو میلیون و پانصد و هشتاد و دو هزار و هفتصد و چهل و هشت فلورین (یعنی تقریبا دو بیست و پنج و هشت هزار و دو بیست و هفتاد و چهار لیرا) بر آورده شده است . از جمله این مخارج پانصد و نود و یک هزار و ششصد فلورین داخل مخارج امنیت شهر است . یکصدستگاه چاپخانه بزرگی نیز در زیر اداره پولیس شهر مذکور است که در آن چاپخانه در سال مذکور هشتاد هزار اوراق متعلق بیولیس چاپ شده عکس و تصویر سه هزار و چهارصد و سه نفر قاتل و جانی

(۶) چلیسیا بخارخانه لشکر است در شهر لندن خیلی عالی و مهتاب است ۱۹۴ سال قبل از این اولین سنگ بنای بخارخانه مذکور را دوم (چلیس) پادشاه انگلیستان بدست خود بنیاده است .

ودزد نیز در چاپخانه مذکور بیرون آورده شده در ظرف یکسال بانصد ونود کس نیز خود را بطورهای متعدد هلاک نموده است .

از قراریکه (تایس هند) مینویسد خط تلگرافی که از بندر (بوشهر) تازیان کشیده می شد با تمام رسیده است . مهندسی که این خط تلگراف را کشیده است اسمش (جنگل هرشونیدیلار) بوده است . از قراریکه معلوم میشود در اول ماه مبارک به رمضان شروع بخاربه شده است و میرزا یحیی نامی از ملت ارامنه برای ریاست تلگراف خانه یزد تعیین گردیده است .

نیز اخبارنامه مذکور مینویسد که از طرف بعضی از اشخاص فساد پیشه دو باره یک کاغذ بی مهر و امضای نیواب والا معتمدالدوله فرما فرمای فارس بتوسط یک واسطه غیر معلومی فرستاده شده است (معلوم میشود که دفعه دیگر هم این کار را کرده اند) اما این دفعه واسطه مذکور بهر نحو که بوده گرفتار شده است و اسامی اشخاصیکه این کاغذ را فرستاده اند روز داده است . اخبارنامه مذکور میگوید که به بینیم حکومت این نوع درد سر را سهل خواهد انگاشت و یا اینکه

مرتکبین را بگیر خواهد رسانید .

اخبارنامه (تایس) تلگرافنامه ذیل را از اخبار نگار خود که دروین دارد گرفته نشر نموده است .

لندن ۲ اکتوبر

در خصوص مجلس فوق العاده که در این روزها در (لوادیا) درز بر ریاست اصلاح حضرت امپراتور منعقد شده بود در اینجا پروایتهای مختلف ذکر نمودند . از قرار اطلاق که اخبارنامه (بسترلویث) در اینجا حاصل نموده است این مجلس مجدد مجلس لشکری بوده است و جزالتهای مشهور روس مانند (توت این) و (هیدن) و (سهکا) و (دوندوکوف) و (کورچاکوف) و (زوتکوف) و سایرین در این مجلس حاضر بوده اند . عمده مقصود از مذاکرات مجلس این بوده است که هنگام لزوم از برای تجهیز و تسلیح قشون روس وضع بهتری از وضع حاضر اندیشیده شود . و در باب ترتیبات لشکری هم بازه اصلاحات فرار داده اند . چنانکه مقرر شده است که پس از این نگاه داشتن قشون تا مطلب یکلی ابطال بشود واردوین بنام

احتیاط اعتبارت از دو بست و چهل فوج باشد ترتیب داده شده بر مقدار توپهای میدانی نیز می رسد و سه پاتری علاوه بشود و بازه تدابیر دیگر نیز مذاکره شده است . بعضی میگویند که پیش از اصلاحات لشکری توجه این مجلس بحال مصالح پولیتیکایی بوده است خصوصاً در باب پولیتیک شرق که باید پیش گرفته شود مختصاً بمیان آمده است . ملاحظه اینکه (پرنس لایانوف) و (جنرال کوفان) و سایر از بزرگان که از امور شرق آگاهی تمام دارند در مجلس مذکور حاضر بوده اند روایت آخری را تقویت میدهد . اگر چه بعد از هزیمت پرنس لایانوف بلیوادیان اتفاق دو تین عثمانی و روس در میان مردم شایع شده است ولی اتفاق مذکور را دیگر چندان اهمیتی باقی نمانده است .

اسامی و کلاهی اختر

طلب کسی که خریدن سالانه اختر در خارج در طهران با انتخاب سلاله الاطیاب حاجی سید خلف تاجر نجفی رجوع نمایند . در وقت بعد از اخبار محمد آقا تاجر اصفهانی

شایسته و خردمندانه ادای می کرد پس از آنکه تمامی روزش در کمال عدالت در تنظیم امور رعیت و مملکت می گذشت شب را بصحبت علمای ادیب و خردمندان لیب چندی که او از برای منادمت خود برگزیده بود می نشست و در مدت عمر در اعمال و افعالش جای دقت و اعتراض نبود مگر با پادشاهان ولایتی که معضرت کرده بود با تعبیر و تکبر تمام سلوک می نمود و بحرف یکی از غلامان و سرهنگان خود که بجنابت ذات و دنائت فطرت معروف و بصفت ذمیه بخل و طمع موصوف بود اعتماد کلی داشت همیکه پادشاه را نظر برمن افتاد بطفولیت و کربت و غربت من رحمت آورده از اسم و ظم باز پرسید پس از تقدیم مراسم نصیحت جواب دادم که ای پادشاه ذی جاه مقدمه محاصره شهر (ترووا) و امتداد مدت آن و انهدام

آنجا که باعث خون چندین هزار یونانی شد البته مسخوع سمع مبارک افتاده پدر من یکی از سلاطین اولو العزم آنها بود که زور بازو و کفایت تدبیر او شهر بدان عظمت و منانت شهر افتاده منهدم گردید کنون روز کار نامساعد غربتی بجز مهالکش کرده و بگرداب شدائش افکنده دون از اینکه بقر سلطنت خویش باز گردد بی سپر بیابان سرگردانی و ملالت من نیز با وجود صغر سن در نجس او بهمان معنی و بدبختی دچار شده در اینجا گرفتار آمدم مر ا بسوی پدر و وطن باز گردان ناخداوند اطفال تورا از چشم زخم حوادث محافظت کرده حلاوت کامرانی را بمذاق ایشان رسانیده لذت سرور آن را که در زیر سایه این چنین پدرتیک محضرتندگانی کرده و تربیت می یابند بر ایشان بچشاند (بسر و ستریش)

بشرف غنمت و مهر بانی بر من می نگر بست ولی برای تعذیب صدق و کذب مفسلام مارا بزد همان سرهنگ سابق الذکر فرستاد تا تحقیقت امر ما رسیده معروض حضور پادشاه دارد که ما از یونانیانیم و براسستی سخن گفته با از اهل مملکت (فینس) که از راه حبله برآمده اصل خویش را نهفته ایم و چنین فرمود که اگر ایشان از اهل مملکت (فینس) باشند باید با توابع عقوبات سیاست رسانیده با ضاعف سزای ایشان را در کارشان نهاد زیرا که هم از دشمنان ما هستند و هم خواستند بواسطه این دروغهای بی فروغ ما را بفرینند تا من بعد کسرا یارای آن نباشد که در حضرت سلطان خلاف پر زبان را ندواب بدروغ بچشاند و اگر برخلاف این از یونان زمین باشند کمال محبت و لازمه مهر بانی و تقویت

در صفهان عالیجاه معرب الخضرست انبیه
 قای میرزا علی محمد منشی حضور حضرت
 و بنا .
 در خراسان جناب منشی محترم تلکرافخانه
 مبارکه .
 در شیراز عالیجاه نبانت دستگاه آقای حاجی
 سید ابراهیم وکیل شهسدر دولت علیه عثمانی .
 در همدان عالیجاه عزت همراه حاجو محمد
 سعید افندی شهسدر دولت علیه عثمانیه .
 در سنج عالیجاه نبانت دستگاه آقای
 سید جبار وکیل شهسدر دولت علیه عثمانیه .
 در ارومیه به ایشان آقا ملا صادق تاجر
 دیبغانی .
 در بیروت به ایشان حاجی بابا تاجر
 دیبغانی .
 در تبریز عالیجاه عمده تاجار حاجی سید
 ابراهیم آقا تاجر کاشانی .
 در بغداد عایشان آقا محمد بهمان تاجر
 تبریزی .

در کلکته عمده التجار آقا محمد علی تاجر
 شیرازی الشهور به چیناوی .
 در زمیر عایشان میرزا آقا جان کنایفروش
 تبریزی .
 کرمانشاهان عالیجاه بحدت همراه آقا حسن
 وکیل التجاره دوات فحیمة انکلیس .
 در حلب عایشان آقا میرزا جواد کنایفروش
 تبریزی .
 در کراچی بندرسند جناب فضیلت مآب میرزا
 محمد شفیع صاحب مهمتم اخبار نامه مفرح القلوب .
 در بنگلور جناب فضایل مآب محمد قاسم
 صاحب مهمتم منشور محمدی .
 در مدرس عالیجناب فضیلت مآب نصیرالدین
 صاحب مشهر جریده شمس الاخبار .
 در بندر لاهور مآجین عالیجناب عمده التجار
 حاجی ملا حسن واعظ تاجر خراسانی .
 در شهر لکهنو جناب فضایل مآب فتح محمد
 صاحب مشهر جریده انوار الاخبار .
 در حیدرآباد هند در سرکار نظام عالیجاه آقا
 میرزا نصرالله صاحب فدایی .

مراجعت کرده مشتری بودن خودشانرا بواسطه
 حضرتان معزی الیه و یا بواسطه پوست مستقیماً
 باداره اختر معلوم نمایند .
 همچنین در باره رسانیدن قیمت سالیانه
 و شش ماهه بهر دو وسیله می توانند راستند .
 دیگر اینکه سوی ممالک عثمانیه در هیچ جای کمتر
 از سالیانه ابونه و معاطله نخواهد بود .
 بجز اشخاص محترم و کسانیکه سمت استثنای
 دارند در همه جای قیمت سالیانه را و در ممالک عثمانیه
 اقل از ششماه را باید پیشکی اطف نمایند تا مدار
 انتظام و رونق کار جریده گردد .
 نوم مشترکین خاصه مشترکین صفحات
 هندوستان را زحمت اطلاع داده می شود که
 در صورت امکان وجوه جریده را بلا واسطه
 در ضمن پاکت بانکوت انکلیس که پول کاغذی
 است با پوست خانها بجه کرده یکسر بمرکز اداره
 اسلامبول ارسال فرمایند و در جاهایی که بانکوت
 نیست مانند ممالک ایران بحضرات وکلای کرامی
 رجوع فرمایند . یا حواله تجارتی بدهند .

تذکره طایر

و حیل کوشید تا در حضرتش بر شکل قضیه برده
 اشتباه پوشید آوخ خطر فرمان دهان را بنکر
 که با وجود کمال کردانی و فراست و با همه عقول
 و کبالت باز اغلب اوقات بدام اشتباه افتاده
 در کند نشویر مردمان نام و مکار و آسمان کار
 نماند و قدر استیمنند اینگونه اشخاص بهر نحویکه
 صورت امکان پذیرد دور بزرگان را فرامی گیرند
 زیرا که فریبنده و جسورند و بی حسارت و تدویر
 خویش فرور و از تقوی و عصمت بی بهره اند
 و از غیرت و آبروی بالذوبی اندیشه پیوسته در پی
 استیسان خلاف و مزاج کوی ولی نعمت
 خویشند لکن برخلاف ایشان نیکان کناره
 می گیرند و شکبیا می نشینند چه نه مجولند و نه
 مزاج کو بلکه صبورند و منتظر تا ایشانرا بچوبند
 (باقی دارد)

اوج و ابرای صواب و شایسته تر از من میگوید از روی
 غضب و نفرت بسوی او نظر انداخت چه افعال
 و اقوال نیکان البته در نظر بدان بستند و نمی
 نماید پس ما را از یکدیگر جدا کرد این مفارقت
 سرآمد جمیع صدمات و مصائب من آمد متوفی را
 خیال آن بود که البته بواسطه تقریب سخنان ما را
 مغایر خواهد شنید علاوه بر این فکر آن داشت
 که بوعدهای دروغ و نو بدیهای بی پای خود
 مرا فریفته برخلاف گفته های (منور) اعتراف
 بپشیمانی لاجرم مقصودش تحقیق و راستی نبود
 بلکه میخواست وسیله ببرد از و خلاف ما را
 در نظر (منور) و ستریس (ظلم سازد
 نماید) بواسطه ما را از پادشاه درخواست کرده
 بفلاهی خویش باز دارد بلی باوجود بیکتاهی
 ما و عقل و دانش و کار آگاهی پادشاه با انواع مکر

در حق ایشان مبدول داشته در یکی از کشتیهای
 من روانه ملک و وطن مالوف خود نمایند ما را
 و اخبار بزرگان آنقوم در همه جا و بر همه کس
 واضح است جو آمدی و تقوی (هر کل) را
 شایسته است و شجاعت (آشیل) پارسیده
 است بواجبها و احوالات شکر ف چند از خرد
 مستدی و کبالت (ایس) بیچاره مکرر مسموع
 افتاده لذت زندگانی و مسرت کامرانی من در راه داد
 مردان تاجدار و دستگیری افتادگان نامدار
 است پس حسب الامر ما را بزد سرهنگ مذکور
 که در اخلاق (باز و ستریس) نقطه مقابل
 و در شیطنت و بخل و طمع کامل و مووم به
 (متوفی) بود برند (متوفی) ما را بکلام
 بفاز داشت و از هر طرف هفتی میراند تا مکر خطایی
 از ما بگیرد چون دید که (منور) بسوالات

مطبعه و اداره خانه اختر
قرائت باعالی است نمرة ۲۵
در کارهای متعلق بداره به آقا محمد ظاهر
رجوع میشود .

اسامی و اتلای کرام در ممالک دور و نزدیک
گاهی در صفحه آخرین نکاشته خواهد شد .
روز پنجشنبه ۲۱ ذی قعدة سنه ۱۲۹۶
۲۵ نشرین اول رومی و ۶ نوامبر ۱۸۷۹



نم فة بدلات سالیانه

دارالسعادة اسلامبول ۰۳ مجیدی سیم
دیگر ممالک خروسة عثمانیه ۷۵ قروش صاخ
ممالک خروسة ایران ۲۵ قران
ممالک هندوستان و بنگال ۱۵ رومی نقره
ممالک روس و قفقاز ۱۵ رومیل کاغذی
ممالک اروپا ۲۵ فرانک
اجرت پوست همه چاپمده اداره است .

این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاسیات و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن می گوید . هفته یکبار طبع می شود . اوراق
و نوشتهجات سودمند را بامتان می پذیرد . در نوشته کاغذهایی که از خارج میرسد اداره آزاد است . کاغذی را که نوشته نمی شود
صاحبش نباید استنژاد بکند . کاغذهایی که پول پوست ندارد قبول نخواهد شد .

ملکرامها

آخری

از وین ۱۸ ذی قعدة کومیسون
مالیه را که از اکثریت اعضای مجلس پارلمنت
اوستریا تشکیل شده است از جانب حکومت برای
خرج کردن هشت میلیون فرانک رخصت داده شده
است که از مبلغ مذکور در وین یک مدرسه
دارالقون و سایر بناهای نافع ساخته شود .
بسیاری از اعضای کومیسون مذکور برای
کم کردن مدت خدمت عسکری بحکومت محضردانه
اند .

از لندن ایضا تاکتون در چند کهای
افغانستان و زولوس از جانب حکومت انگلیس
زیاده بر می میلیون برای انگلیس خرج شده است .
علاوه بر آن مبلغ زیادی نیز برای استیلای افغانستان
و تنظیم مملکت زولوس لازم است که خرج کرده
شود .

از جانب دولتهای فرانسه و انگلیس بسیار
دولتهای اروپا تکلیف کرده شده است که برای
رویت استعدانامههایی که متعلق باور مالیة مصر دارد
کومیسونی مرکب از مرخصهای دولتهای بزرگ در
مصر تشکیل کرده شود که در این باب لایحه نویسد .

از پترزبورگ ایضا اخبارنامه

اتفاق مذکور بمیان آمده است تکذیب کرده
میگوید . ماهیت اتفاق مذکور عبارت از تالیس
یک مقصد صلح و مسالمت است . هر دولت هر وقت
بخواهد ممکن است که باین اتفاق داخل بشود .
زیرا ابواب این اتفاق پیوسته باز است .

نیز اخبارنامه مذکور میگوید . از جانب
وزارت جنگ روس بکوماندان اردوی ترکستان
که بر ضد ترکمان تکه مامورند دستور العمل داده
شده است که در یکجا جمع شده منتظر ورود قوه
امدادی شده در حرکت خودشان تاخیر نمایند .

از لندن ۱۷ ذی قعدة دوتای انگلیس را
که در دریای سفید در زیر کوماندانی (هورنی)
امیرالده است دستور العمل داده شده است که از (ماطه)
حرکت کرده به (اورله) رفته ایام زمستان را در آنجا
بسر ببرد .

اخبارنامههای لندن میگویند عزیمت دوتای
انگلیس را با تیمهای عثمانی ظهور بولیتیک آخری
سبب نشده است بل چندماه پیش از این فرار داده
شده بوده است که دوتای مذکور فصل زمستان را
در (اورله) اقامت نماید .

از برلین ایضا وزیر مالیه المان
دیروز در مجلس مبعوثان خلاصه بودجه (موازنه)
داخل و خرج را بیان نمود . از قراریکه در بودجه
مذکور نوشته شده بوده است چهل و نه میلیون
(تالر) جاخالی بوده است .

وزیر مالیه برای پر کردن جاخالی بودجه

از روم ایضا اخبارنامه (درینو)
میگوید بملاحظه اینکه وضع اروپا مشوش است
بولیتیک دولت ایتالی عبارت از این است که خورا
جمع کرده در باب ثروت و ترقیبات داخلی خود
سعی نموده در حالت صلح برقرار بماند قنادر چین
زوم بایکی از دوشهاس اتفاق کرده حقوق و منافع
خود را نگاهداری کند .

از برلین ایضا هییک از اخبارنامههای
روس درباره ماهده اتفاق دولتهای اوستریا
و المان سخن نگفته و در این باب معتقدات خودشان را
بیان نموده اند از آنکه شایع شده است که دولت
روس نیز خواهد با تضاقی مذکور داخل بشود
اصلاحاتی نوشته اند . در حقیقت این یکی شایان
دقت است .

(کونت استواریک ورن کرود) هنوز در
ماموریت موقت جایجا کردن مصالح امور خارجه
المان برقرار است . پرنس بسمارک فوق العاده
بایستخوانی و هیجان اعصاب گرفتار شده در
(وارسین) اقامت میکند . پرنس مشارالیه غرضش
کرده است که مطالب غیر مهم را بواسطه تکذراف
بشارالیه اخبار نمایند .

از لندن ۱۹ ذی قعدة بسیاری از
اخبارنامههای امروزی میگویند دولت انگلیس
عزم کرده است که بیابالی بطور قطعی بیان نماید
که اجرای اصلاحات بسرعت لازم است . برخی
از اخبارنامهها معتقد هستند که اجرای سخت گیری
از اصلاحات موافق منفعت دولت
ارنامه (تیس) میگوید .

سبب این حرکت دولت انگلیس در اسلابل تعدیل
تبدیل هبنت وکلارا نتیجه خواهد داد . اخبارنامه
(دبلی نیوس) بیان میکند اینگونه رفتار انگلیس
مانند این است که یک بیان خطرناکی قدم
گذاشته است . از این حرکت در میان مباحثات
بزرگی حاصل خواهد شد .

از لندن ایضا اخبارنامه تایس
در نسخه امروز خود میگوید . افکار عمومی
تقویت حاصل کرده است از اینکه حکومت
افغانستان دیگر سر نخواهد گرفت بل بکلی
منقرض شده است . با همه این خلاصه نیات
انگلیس در بزه افغانستان بطور قضی معلوم
نیست . بنابراین از حالا وضع حدود آینده
هندوستان را همین عودن مشکل است .

از لندن ایضا بموجب تلگرافنامه
که از (سیلا) رسیده است بسیاری از ایاتهای
حکومت (برمان) آرزو مند مناسبات دوستانه
بادوات انگلیس بوده اند .

از لندن ۱۴ ذی قعدة (مسبو
با نکراو) جنرل فونسل انگلیس مقیم
بلفارستان را لود سالجری بلندن احضار کرده
است که از وضع بلفارستان از موی الیه باره
اخلاعات را حاصل نماید . بنابراین در ظرف
چند روز دیگر موی الیه بلندن وارد خواهد
شد .

اخبارنامه (استاندارد) بموجب تلگرافنامه که
از سیلا گرفته است میگوید . والی هندوستان
اطلاع حاصل کرده است که اهالی افغانستان
هر چند در ظاهر سکوت و آرامی رفتار میکنند ولی معلوم
است که در وقت فرصت و اقتدار باز سرآشی
کرده بصد انگلیسها قیام خواهند کرد .

اخبارنامه (رورنال دوسن پترسبورگ)
در ۱۳ ذی قعدة مینویسد . از جانب وزارت
جنگ روس برای حرکت بعضی از افواج
دستور العمل داده شده است . بطور موقت
گفته می شود که از جمله اردوی قفقاس سی هزار
نفر برای رفتن با آسیای وسطی آماده شده
است .

مذکور نوشته است . ترکمان تکه در نزدیکی
(کریس نوودینسکه) پروی روسیان هجوم آورده
بقدر شصت و دونفر از روسهارا تلف و صد نفر
اطفال و زنان را نیز اسیر کرده اند .

نیز در تاریخ فوق از وین نوشته اند . اخبار
نامه ای پترسبورگ بموجب تلگرافنامه که نشر کرده
اند میگویند . در شهر (کفنه) بسازه کی بمحاکه
بسیاری از منجهین پولیک آغاز کرده شده است .
چون تحقیقات عسکری که پیشتر اعلان شده بود
کافی دیده نمی شد لهذا از جانب حکومت قرارداد
شد که بازه کی برای کم کردن قوه عسکری تحقیقاتی
بهمل آورده شود . وزیر جنگ روس بیان کرده است
که هرگاه لایحه را که در این باب نوشته است حکومت
قبول نماید از ماموریت خود استعفا خواهد
کرد .

از برلین در ۱۴ ذی قعدة مینویسند . امروز
مجلس بمبوتان المان گشاده شد . اهلا حضرت
ایمپراتور در خطابه که خوانده است برای برگردن
جانحالی بودجه (موازنه دخل و خرج) عقد
استفراضی را سازش کرده است .

از لندن تاریخ مذکور نوشته اند . بعضی
از قبائل افغان اردوی انگلیس را اطاعت ننوده
پوسته هجوم بارده میگرداند بنابراین مقرر بوده
است که فرقه ازقشون انگلیس برای مدافعه آنها
فرستاده شود .

از ما رید (پای تخت اسپانیا) نوشته اند .
در ولایت (مورسی) آب نه ها طغیان کرده
سه هزار نفر از اهالی غرق و تلف شده اند .

اخبارنامه های (کلکت) مینویسند .
حکومت را لازم است که برای اصلاح و تنظیم
مناسبات جاریه در میان هندوستان و حکومت
(برمان) دقت نموده اخراجات هندوستان را
بخاک (برمان) بکلی منع کرده حکومت انگلیس
با انتخاب مخصوص خود حکمرانی در خاک برمان
منصوب و نیز امیر تازه برای افغانستان تعیین

بطور بسیار بد پریشان شده فرار کرده
است .

نیز اخبارنامه مذکور میگوید . دولت
روس کوشش دارد که باتفاق دولتین المان و اوستریا
داخل بشود . چنانکه مظنون است در این
نزدیکی در میان ایمپراتورهای المان و اوستریا
وروس ملاقاتی واقع بشود . مینوانیم بیان
نمایم که از آثار میل دولت المان ملاقاتی که در
ایجاب در میان ایمپراتور المان و (کراتو وکویلا دمبر)
در محل (دویکسلوست) نام بوجود پیوست
خیلی دوستانه بود .

اخبارنامه (کلوس) در تاریخ ۱۶ ذی قعدة
مغلوبیت آخری اردوی روس را از جانب ترکمان
تکه تصدیق کرده میگوید . دوباره ازقشون
فرستادن دولت روس بد آنسانان اکنون را
صرف نظر کرده شده است .

استقلال حکومت رومانی از جانب حکومت
مقدسه امریک تصدیق کرده شده از جانب
حکومت مذکوره برای تأسیس مناسبات
دیپلماتیکی مقرر بوده است سفیری نیز بر رومانی
فرستاده شود . شایعه عقد اتفاق حکومتین
صربستان و بلغارستان را که گاهی تکذیب
و گاهی تصدیق کرده می شد بموجب خبرهای
آخری بصحت پیوسته است که در میان حکومتین
مشار ایما عهدنامه اتفاق بسته و امضا کرده
شده است .

دولت اوستریا نظر داشته است که برای اداره
ایاتهای بوسنه و هرست از صاحب منصبان داخلی
یک نفر والی تعیین نماید . صاحب منصبان نظامی
نیز دیزیر امر و اداره والی خواهند شد .

داخلیه

روزشنیة گذشته مجلس مخصوص وکلا
در باعمل منعقد شده جناب صفوت پاشا نیز بموجب
دعوت مخصوص در مجلس حضور فرمایند

مجلس مخصوص
در روز شنبه گذشته

اخبارنامه (رورنال دوسن پترسبورگ)

جناب پرنس لوبانوف سفیر روس از جانب
اعلاحضرت امپراتور بلیوادیبا احضار شده بود
امروز روز شنبه گذشته طرف شام از اسلامبول
حرکت کرده است . میگویند پرنس مشارالیه
تا بکهنه دیگر باز با اسلامبول عودت خواهد
کرد .

(کونتزیچی) ایچی اوستریا - مجارستان
که بیشتر بونرفته بود اخبارنامه میگویند فردا
بسلامبول وارد خواهد شد .

مستشاری وزارت جلاله مایه جناب سعادتآباد
منیر بک افندی محاسبه چی سابق امانت شهر توجیه
فرموده شده است .

جناب سیرهزی اوسنین لیاژد ایچی انگلیس
چند روز بیشتر با حلقه جناب امپت و دولتآباد
محمود ندیم باثاوزیر داخله رفته مدت ملاقاتشان
زیاده از دو ساعت امتداد یافته است .

هشت فوج از عساکر ردیف که مرخص
خانه شده بودند روز چهارشنبه گذشته با او بود
(مورد نصرت) بسمت دریای بحر سفید و سواحل
اتاطولی عازم شده اند .

در بلغارستان برلی وسعت دادن امر تجارت
و صنایع بانکی (صرافخانه) بنام ملت بنام شده است
که شبیه های چند در شهرهای عمده بلغارستان
خواهد داشت . قرارنامه بانک مذکور در
ماه شباط سال ۱۸۷۹ میلادی امضا
آن از جانب حکمرانی بلغارستان دوملیو
بانک فرض داده شده است که دویه
فرانک آن سرمایه بانک خواهد بود .

روزنامه ترجمان حقیقت
نیه گذشته از اخبارنامه (کوریه دو

فرانسه فقرات ذیل را نقل میکنند .
انگلیسها بی که در داخل ولایت بغداد هستند
چندی بیشتر خواستند که برای فرستادن بچنگ
افغان از عربان شیعی مذهب خطه عراق سرباز
بگیرند ولی با زروی خود موفق نشدند .

اگرچه قونسل انگلیس بکسانی که در
ایلیاب واسطه بودند پوهای زیاد داده آنان نیز
وعده داده بودند که از عشایر متنگ و بی حسن
وسایر عشیرتها که در میان بغداد و بصره ساکن
هستند بقدر بجهت هزار نفر برای این کار تشویق
و آماده نمایند ولی بجز مسدودی از اکراد بی سر
و پانواسته اند کسی را فریب بدهند .

بجهت بزرگ شیعیان که در نجف اشرف
اقامت دارد عشایر عراق و کردستان را امرنامه
فرستاده آنان را از این کار منع نموده است که عدم
دستیابی انگلیسها در امر مذکور از آثار امر
بجهت مشارالیه بوده است . حتی قونسل انگلیس
مقیم بغداد از سرایت حکم این اوامر عمومی بجهت
مشارالیه بهندوستان اندیشناک بوده است . زیرا این یکی
معلوم است که در هندوستان از پایه بردوازده میلیون
شیعی مذهب است .

(ترجمان حقیقت) مطالعه خود را در ذیل
بدرقرار مینویسد .

اگرچه ما را از مقدمات این خبرها که اخبارنامه
پاریس نوشته است اطلاعاتی نیست ولی در صورتیکه
خبرهای مذکور صحت داشته باشد ما را ممکن نیست
که از اینگونه اقدامات دوست خودمان انگلیسها
تعجب نماییم . زیرا درجه نفوذ انگلیسها که هر
سال بتوسیع دائره آن در سمت عراق و نجد سعی
میکند ما را معلوم است . نیز از عادات قدیمه
انگلیسها است که مشایخ هر عشیرتی که هدیه و رشوت
انگلیسها را قبول نمایند چنان بنمایند که آن عشیرتها
با آنها اتفاق ایشان داخل شده اند ولی باید انگلیسها
نفوذ خودشان را در خطه عراق بطور
باشند که راهمه خطه مذکور برای
نغان بانک داشتن در سایر خدمات
است بجهت زارنفر نیز جمع آوری

اللعان راستین
ملفت باید شد که این مطالب

و خبرها را در بیانی که اخبارنامه های اروپ از مایند
تلقی نمایند ما از آنها نقل میکنیم . و میگوییم
از مقدمات این مطلب خبر نداریم و فی الحقیقه
هم خبر نداریم و بدین روشها هم هرگز خبر
نخواهیم داشت .

ثانیا به دار هم بجهت بتها و آشکار شدن مطلب
و مقصد دول و ملل سایر عموما و خصوصا
در حق ملک و منکتاب ما باز میگوییم فلان دولت
خبرخواه و متفق حقیقی ما است چرا باید چنان
حرکتی نماید و چنین سخنی بگوید و پوهای
جنکی خود را بی مقدمه و سببی بحدود لنگرگاههای
بنای تخت مای آورد . باین امر اصلاحات
و اجراءات ثانیاً بی وقع اصرار کند و باینکه
همداستان بشود . عجب آنکه ما اسلامیان هنوز
از عقاید وحدیات ملتی و دیانتی خود مان بی خبریم
و با آنکه در مواقع بسیار بار بک بجهت رسانندیم
که اهل ایران با آنکه در مذهب شیعه هستند
با وجود اینکه بدانیم از داخل و خارج اسباب
عداوت و کین در میان آنان و اهل سنت و سائیل
مختلفه من القیم الی الآن ترتیب شده است باز
در مقامی که پای خارج میان باید و بنسای ابراز
دشمنی بجهت بیگانگان بشود هرگز بیامون
خیال تباهی و کارناشایستی در حق برادر دینی
نمیکردند . (چونکه در انشای مسئله زانله
بعض اخبارنامه های انجمن از زوی ناداتی بعض
شدیدن بک خبر جعلی شرح و بسطی داده بنای
تعرض بدولت و ملت ایران می گذاشتند) معذرت
باز چون روزنامه پاریس مینویسد بجهت شیعیان
با طرف نوشت که نباید بحرف انگلیسسان گوش
داده برضد افغانان که مسلم هستند حرکتی کرده شود
کوشهای بود شان را راست گرفته میگویند آیا
صحیح است آیا دروغ است . و با اینحال میگوییم
از مقدمات کار خبر نداریم معلوم است خبر نداریم
و نخواهیم داشت چه انگلیس و چه روس همیشه در
فکر کار خود شان و در فکر کار ما هم بوده
و هستند . این است که بزبان روزنامه جمع
مطالب را که مقدمات مقاصد شان است کوش زد
جهانیان می سازند و کار خود شان را می بینند و ما هم
بمسد از ظاهر شدن کارها بوی می رسم تا روزی
می بینیم که کار از موقع گذشته است و جز اینکه
استغراب از حرکات دوستان خودمان بکنیم که با
وجود دوستی چرا ملک ما را از دست ما گرفتند
چیزی در دست نداریم .

زاید نیست در اینها از بعضی حالات ولایه
مامورین بر ضد صلاح جوئی مملکت اشعاری
شیم . اغلب والیهای مادرمالك حدودیه خاصه
رسمت بغداد و آنطرفها پیشرفت کار و مصالح
اخباره و حفظ مقام و مسند خودشانرا در تعلق
خانم جوئی از فرانسها و مامورین بکانه میداند
بر خلاف مامورین ایران را نه تنها برای اینکه
به ملاحظات شخصیه چشم داشت مذمت از ایشان
دارند بل از روی محض غفلت از حقائق امور
دیده ماکرت دیده با آنان به بیکانگی راه میروند
همه اوقات بطور ضدیت و اشکالات تراشیدن
فشار میکنند حال آنکه قضیه میبایستی بر عکس
شد . والیهای شارالیه را غالباً آگاه شده ایم
که محض اغراض نفسانیه مطالبی بیاهالی اظهار
کرده اند که باعث سستی زبان اتحاد و بیکانگی
ولتین تواند شد و این حرکت نبوده است مگر
واسطه عدم آگاهی از حقائق امور و کول
خوردن از مامورین خارجه با وجود باغرض
ودن خودشان . واضحتر باید گفت آگاهی داریم
که بعضی از ولایه سابق بغداد بیاهالی چنان
یاغود کرده اند که اگر باره تکالیف حسنه را در باره
نیعیان این صفحات قبول بکنیم و از امتیازات
حقوق مساوی آنان را بهره مند سازیم کار شیعیان
لا کرده ای یکدفعه خواهیم دید که بغداد از دست
مارفته است (چنانکه از آثار ایفقره همان ورقه
دید که در نسخه پیش نوشتیم) بطوریکه بکنفر
ز شیعیان با همه کثرت نفوسی که در بغداد و عراق
ارند در مجالس مملکت مستخدم نیست . و این مطلب
چندانکه گفتیم هم از جهالت والی است و هم از نفوذ
و تحریک و فساد و اغفال بیکانه ها که میخواهند
فرقه در میان مسلمانان و اهل مملکت بیندازند
یا سبب مذاکرت را محکم و متزاید کنند و نفوذ
خودشانرا بدین وسایل در آن حدود بفرایند گاهی
تزعج سرحدی بپایان میارند و خودشانرا هم حکم
و هم منصف قرار میدهند و یک مسئله سرحدرا
بی سال طول میدهند گاهی بزبان روزنامهها حدود
نامه بنویسند که بین التهرین فسلان شد
فلان قطعه مال فلان دولت است و مانند
اینها . از یکطرف بمسایح پول میدهند
از طرف دیگر در نزد حکومت مقصرین
مشایخ و بزرگان اعراب و غیرهم را طلب عفو کرده
استیفات کنند تا نتیجه حاصل شود و ما که
روزنامه نویس هستیم و باید از هر مطلبی که در

اطراف ملك و مملکت هست آگاه شده باقتضای
مصلحت و صلاح جوئی دولت و ملت سخن
گوئیم و دولتیین اسلام و ملل اسلام را با اتفاق و اتحاد
دعوت کنیم . یکدفعه می بینیم از پاریس
یک مطلب نوشته اند که هرگز از خیبال
ماهم خطور نکرده است که همچنان کاری هست
و در ذیل آن اعتراف میکنند که ما از مقدمات این
مطلب خبر نداشتیم ! باری مقدمات این مطالب
در اطراف مملکت ما چیزی نیست بیکانگان دوست
نما مقدمات امتیصال و تمام شدن ما را ساعت بساعت
قوت میدهند و قدم قدم نزدیک می آیند و ما می گوئیم
از این دوستان ما بیست است که فلان قدم را قدری
بزرگتر برداشتنند حالا اگر غیر این بکنند غریب
است . پیش چیست که غیر این بکنند ما که در
فکر خود نیستیم دیگری را چه افتاده است که با وجود
احتیاج بملك ما و دیدن اینکه از دست ما خواهد
رفت خود را به هلاکت انداخته برای ما دلسوزی
کند !

اگر ادی که در در ساعات هستند و باقسام گاهی
و شغلها مشغولند و بسیاری از آنان عمده و بعضی
بی کار و بجهول الاحوال میباشند در خصوص
تابعیت این اکراد دقی از جانب حکومت
بعمل نیآورده شده بعضی بهیچ دواتی
خود را وابسته نکرده هر وقت از جانب حکومت
خواسته شده است با آنها تعرضی بشود و یا در ضمن
اجرای حق احضار و محکمه جلب بشوند هرگاه
احضار اندوه از مامورین دولت علیه عثمانیه است
میگویند ایرانی هستیم و اگر از مامورین سفرت
علیه ایران است میگویند ما تبعه عثمانی هستیم
و بعضی هم در ضمن اجرای این وضع شتر مرغی
دوند آره اقامت تحصیل کرده در مقام اقتضا
استادیگی از آنها میکنند (مثل انعامه لاطیر و لاجل)
پاره هم باشند کاری ایرانی است نامش را سلیمانیه
گذاشته و بدو بخ از تبعه دولت علیه عثمانیه
شده است و بعضی بالعکس از تبعه دولت علیه
عثمانیه است بهمانه اینکه من اهل (سنج)
(سنقر) و غیره هستیم تذکره ایرانی تحصیل
کرده کار خود شانرا بدین وسایل از پیش
میبرند و در این پای تخت بودن اینگونه اشخاص
بدین وضعهای نامعلوم مضر بامنیست عامه
و مخل حقوق طرفین است : لهذا چنان مذکور

شد در میان سفارت کبری دولت علیه ایران
و باهمالی مختاره شده قرار داده اند کومیسوئی
تشکیل شده حالات و تابعیت اکراد را که در اینجاها
هستند تحقیق و محدود نمایند و کسان مجهول الحال
و آنانکه سوء ظن در حق آنان بیرون منتقا قرار
تعیین آنان از اینجا داده شود .

ترجمه لایحه ابست که در اجتماع هشتمین
کومیسوئیون تجدید حدود یونان از جانب جناب
صفوت پاشا خوانده شده است .

کومیسرهای یونان در باب واگذاری پاره
اراضی معلومه بایالتا بکومیسرهای عثمانی داده
شش بار در اینباب اجتماعهای طولانی بوجود
رسیده علاوه بر اینکه سبب حدوث واقعه شدند که
اکنون بوقع مباحثه آورده شده است در تالی
بمذاکره خط عمومی که در پروتوکول سیزدهم
کونکره بر این همراهی و بطور اصرار از ما
خواستند که خطرهایی را که از مذاکره خط
مذکور در نظر داریم بیان و در اینباب مذاکرات
آغاز نمایم . مانیز بملاحظه اینکه مذاکرات آن
بطور منظم جاری بشود بقدر ممکن کوشش
کردیم که در مذاکرات ایشان فائده هر دو طرف را
حرفی داشته برای تالیس مناسبات دائمی
و امنیت متقابل ما بین مطالعات
و بیانات خودشانرا اظهار و بمذاکرات آغاز
نمایند و غیر ثمری نشده کومیسرهای یونان باز اظهار
کردند که باید در اینباب بحکومت متبوعه خود
شان مراجعت نمایند که در اینحال بتازگی سبب
تاخیر مذاکرات شدند . بنابراین برای آغاز کردن
بمذاکره خطرهای عمده خط حدودی را که در
کونکره بر این معین شده بود در کاغذ جداگانه
ایضاح و یادآوری کرده بودیم .

کومیسرهای یونان از دو ماه با نظری خط
مذکور را نشناخته و بیان نمودند که نخواهند
در اینباب مذاکرات نمایند ما را نیز امیدواری
حاصل بود که لایحه ما را بنظر دقت و اعتنا دیده
دلایل ما را در اینخصوص یارد و یا قبول خواهند
نمود . حال آنکه بیکمال استغراب دیده شد که
کومیسرهای یونان پیش از آنکه از بیانات
ما آگاهی حاصل بکنند کاغذ یادآوری که تماماً
در خارج خط کونکره بر این بود برای خواندن

در مجلس اجتماع نوشتند که بموجب این کاغذ لازم می آید دو مثل اراضی که در داخل ایالت جغرافی کونکره بر این بوده است از ممالک عثمانی جدا بشود که این اقدامات و بیانات کومیسرهای یونان موجب تأسف باشد زیرا اقدامات مذکور ما را از مقصد خاصه که در تصور داشتیم دور نموده و آرزوی ما را که میخواستیم اشکالات واقعه را بطور دوستانه رفع نماییم مانع آمده در واقع موجب اختلال ایلاف افکار طرفین شد .

در اینخصوص ما را نیز برای ظاهر کردن آثار و خاتم اینگونه مطالبات ایشان ممکن بود مانند آنها رفتار نماییم یعنی در مقابل آنکه کومیسرهای یونان میخواستند رو به سمت شمال توسع حدود نمایند ما هم میتوانستیم بگوییم که باید از سمت جنوب فتره تصحیح حدود بعمل آورده شود و در ایجاب بیانات خود ما را بدین قرار واضح نماییم .

از قراریکه در پروتوکول بیان شده است بیجا بنمای (پناهوی) و (کالاماس) برای یونانستان حدودی تشکیل کرده است که لازم می آید این حدود را تجاوز نشود . زیرا یک بیان که در میان دو کوه واقع بشود مسافه است . چنانکه (سیو ریلاس) در اجتماع گذشته خود اظهار داشت که (این بیانات ما موجود است بناسبت اینکه در پروتوکول نوشته شده است ممکن نیست از خریطه محو بشود . ما هم تکرار میگوییم که خط مذکور را پس از مذاکره بشرط اجرای تعدیلات اساسی قبول میکنیم . در حالتیکه فرض نماییم که خط مذکور در میان دو مملکت حدود را قطع و تشکیل میکند آنوقت چگونگی تعیین مسئله فوراً ظاهر می شود .

برای انجسام دادن مسئله مذکور میتوانیم نظریاتی را که کومیسرهای یونان قبول میکنند اجرا نماییم . چنانکه خط حدودی را که کومیسرهای مشارالیه تکلیف میکنند حسب الخواص ایشان از دو پایان جدا شده در جانب شمال یک خط حدود منتهی بشود . ولی در این خصوص برای اینکه اصل رفتار خودشان را در نظر هاضق بجای بدهند خط حدود را از جرای نهرها تعیین نکرده معین کردن خط مذکور را از کوهها امس گرفته اند . که در

این صورت از جرای نهرهای (قلاماس) و (پناه اوس) صرف نظر نموده لازم خواهد شد تمامی را که بیابانها را تحدید میکند مراجعت کرده شود در این حال مقتضی است که معلوم بشود تعیین این تنها از جانب شمال و یا از طرف جنوب خواهد شد و در ایجاب لازم می آید قرار داده شود . اما باقتضای فن حقوق خصوصاً حقوق بین الدول اشخاص بی طرف که صاحبان فکر دقیق هستند قرار خواهند داد که خط حدود باید از بیابانهای (قلاماس) و (پناه اوس) به تمامی که در سمت جنوب هست بگذرد . احکام پروتوکول نیز همراهم تمامه یعنی در وقتی که میخواهند برای منفعت یک طرف طرف مقابل را متضرر کنند و متضرر شدن آنطرف را چنانسان بنمایند که در نظرها اهمیت نداشته باشد بدین است که اینگونه شرح و تفسیر می نمایند . اینک نتیجه که از تکالیف کومیسرهای یونان حاصل شده است بقرار مشروح است .

بموجب بیانات معروضه هرگاه بر کار را بدستمان گرفته حدودی تعیین نماییم یعنی در حالتیکه از بالای کوههایی که در سمت جنوب دو بیان واقع است نقشه خط حدود کشیده موافق خط صحیح برلین چنانکه بیان نمودیم بر کار را رو به سمت جنوب حرکت داده مسافت میان خطی را که کومیسرهای یونان در اجتماع گذشته تعیین نموده اند مقایسه نماییم خطی در موازی حدود حاضر یونان پیدا میشد که مانع میتوانستیم این خط را بقراری که در فوق عرض شد بکومیسرهای یونان تکلیف نماییم . ولی میخواهیم از خطر رفتن خود مان که عبارت از حصول مؤلفات افکار است دوری جویم . بنابراین از کومیسرهای یونان خواهشیم هستیم که لایحه یادآوری خودشان را پس گرفته در مقابل اروپ پروگرام (نقشه) را که اروپ بدفعات سپارش کرده است اجرا نمایند . که این پروگرام محض برای این است که بجهت تعدیل خط حدودی که در بر این معین شده است موافق مقصود مشترک طرفین بطور صمیمی و خالی از غرض مذاکرات را آغاز کرده شود . زیرا خطی که در کاغذ یادآوری کومیسرهای یونان تکلیف شده است ممکن نیست که در باب مذاکره اساس گرفته شود . زیرا کاغذ یادآوری مذکور گذشته از اینکه اعتراضاتی را

که از خط بر این وارد می آید رفع نماید اعتراضات مذکور را نوعی باشکالات هم مینماید .

ناهمه دلائل و بیانات ما را تکذیب نمایند بیخ وجه تکالیف کومیسرهای یونان را همراهی نمیتوانیم نمود . حال آنکه دلائل و بیانات مذکور را کومیسرهای مشارالیه نمیتوانستند رد و تکذیب نمایند . چون اهالی مخلقه لاجنس که در داخل خط مذکور هستند بحسب تاریخ و آرزوی خودشان در زیر سایه حکومت عالیه سلطنت سنیة عثمانی با امنیت و رفاه زندگانی کرده و میکنند . زیرا اهالی مذکور تا کنون برای دوات خلیفه سبب ضعف و اشکالاتی نشده اند و نخواهند شد . پیوسته متبوع مفتح ما را طبع و حکومت سنیة را فائده مند کرده اند . هرگاه اهالی خط مذکور یونانستان الحاق کرده شود میتوانند اقطار شرق را هرج و مرج و موجب ظهور اختلافات تازه بشوند .

اگرچه اروپ آرزوی تصحیح حدود یونان را بیان کرده است ولی ضمناً حقوق سنیة دوات علیه را نیز اعلان نموده است . مقصود اروپ از تصحیح حدود این است که بطور آزادی و رضایت طرفین ایلاف افکاری در میان حاصل بشود و الا فتره تصحیح حدود از جانب اروپ ملاحظه ترک ممالک و وقوع منازعه و عداوت بیان آورده نشده است .

اخبارنامه (تایمس) کاغذی از اخبار نکار خود که در بصره هست گرفته و نشر کرده بود ما نیز باره فقرات کاغذ مذکور را در اینجا نقل میکنیم .

سوال خلیج بصره در تصرف دولتین عثمانی و ایران و بعضی از امرای مستقل عرب است . از سواحل شمال آنجا بقدر هفتاد میل مربع در تصرف دولت ایران و قسمتی از سواحل جنوب آن تعلق بدوات عثمانی و قسمتی در تصرف عرب است . مع ذلك بارها سواحل مذکور از تصرف اینطرف با آنطرف گذشته است . مثلاً در حالتیکه یک ثلث از سواحل شمالی که تعلق با عمارت مسقط داشت دوات ایران پنج سال پیش از این در طول جانب شرق آن بقدر دو درجه حدود خود را وسعت داده هفت کوه سیونی که بصفت حکم بشهرها در ایجاب

معدود شده بود این وسعت حدود را تسبیح کرده است قسمت بزرگ سواحل جنوبی را هم از عربها گرفتار کرده اداره دولت عثمانی گذاشته است . پیشتر اداره عثمانی از سواحل عرب گرفته در کوبت (میسید چانکه که راه آهن بغداد را کدنیل از این منصور بود ساخته شود محل مذکور (کوبت) منتهای راه آهن قرار داده شده بود حال از چند سال پیش طرف از آثار ترقی دولت عثمانی که در سمت آسیا مشاهده می شود اکثر کاههای عمده (الاحصار) و (رطیف) و (اوجیز) و سواحل آنها بزرگ اداره عثمانی آورده شده بجاعت و مانی را ناچار گردانید که از آنجاها عقب بروند . علاوه بر آن در این نزدیکی بموجب استدعای بعضی از امرای عرب در (الوعه) که در دماغه (اسطر) واقع است بفرقی عثمانی نصب شده است . سواحل مذکور خلیج بصره در ثانی بزرگ اداره دولت عثمانی گذاشته است بقدر چهار صد مین است . حکومتی امیر فیصل و وهابی نیز یک است که منقرض بشود . از (الوعه) (شنه) نام موقع بنام سواحل (فورسان) (ا) معروف است که بکوفت فورس منتهای عرب از آنجاها سواحل غربی هندوستان را غارت می کرده اند .

در سال ۱۸۰۹ میلادی کومپانی هندوستان انگلیس برای نگاهداری تجارت خود شان به (رأس الخیمه) قسطنطنیه فرستاده در آنجا معاونت امیر مسقط فور صانها را تئیه و در سال ۱۸۱۹ میلادی نیز بمرادری (جزل کر) دوباره لشکر با آنجا فرستاده باز باغات امیر مسقط وضع سواحل مذکور اصلاح و برای منع قورصانها با مشایخ عرب مقاوله نامه بسته شده است که مقاوله نامه مذکور تا کنون همی الاجرا است . شش نفر از روسای عرب که مقاوله نامه با آنها بسته شده است در اداره خارجه حکومت هندوستان آنها بنام (روسای عهد متار که کنده کان) یاد کرده می شوند . روسای مذکور در زیر حاکمیت دولت انگلیس هستند . دولت انگلیس تمیض خواهد نمود روسای مومی الیهم از جانب مأمورین عثمانی مداخله کرده شود .

در خلیج بصره دولت انگلیس چند فرزند (۱) فورسان کشتی داد و از هین را گویند .

کشتی کجکی و یک کشتی قشون پیاده هندوستانی دارد از این جهت نفوذ انگلیس در آنجا خیلی بیشتر دارد بطوری که میتوان گفت خلیج بصره یکی از دریاچه های انگلیس است . زیرا دولت ایران در آنجا هیچ قوه بحری ندارد اگر چه چند سال پیشتر دولت مشارالیه اقدام نمود بر اینکه چند فروند واپور خریدند بواسطه کاپیتانهای انگلیس و عملیات عرب و هندوستانی در سواحل مذکور یک قوه بحری برآوردند ولی برای اینکه در این خصوص با دولت انگلیس سازش نشد این تصور دولت ایران عقب ماند . دولت انگلیس بتدریج در آنجاها موقع خوبی برای خود پیدا کرده است .

چون دولت عثمانی در خلیج مذکور قوه بحری دارد و پیوسته برای نگاهداری آسیای بحری با دولت انگلیس همراهی میکند و علاوه بر آن معاهده اتفاقی با دولت انگلیس دارد آن است که در میان دولتین عثمانی و انگلیس احتمال ظهور اختلافی در این مواد نمیرود .

تجارت خلیج بصره از چند سال پیش طرف است که در ترقی و از نیاد است . از قطعه بین النهرین امروز ممکن است که همه اطراف آنوقت فرستاده شود . بجهت باز شدن راه آمد و شد کشتیها و ساخته شدن خط تلگراف و از تدابیر انضباطی دولتین انگلیس و عثمانی تجارت خلیج مذکور قابل ترقیات فوق العاده است . اکنون در بحرین زمان صید و شکار مروارید رسیده است . یک شخص تاجری که در بصره اقامت دارد از جانب یک کومپانی تجاری که در هندوستان هست تا کرافاته رسید و ضمنا از ترقی قیمت مروارید اشعار و سپارش خریداری آنرا با صراحت نموده است . (وقت)

اخبارنامه (پشتر اوید) میگوید . (کونت زبجی) ایلیچی اوستریا مقیم اسلامبول که برای عزیمت وین به (شنه) وارد شده بود دود فمه با (بارون هیرله) در پشته ملاقات کرده پس از آن باتفاق مشارالیه بوین عزیمت و پس از ورود با آنجا از مأموریت سفارت اسلامبول استفتائیده است . کونت مشارالیه برای دادن و اعطای خود با اسلامبول عودت خواهد نمود . اکنون زبجی

سفر مشارالیه دیگری معین نشده است . (بارون هیرله) میخواست (کونت قله) کومیسر روم ایلی شرقی را بسفارت اسلامبول معین نماید ولی بلاحفظه اینکه بودن کونت مشارالیه در مجلس میوهان بحسار لازم بوده است مأموریت مشارالیه چندی عقب مانده است که در ثانی اجرا بشود . تا اجرای مأموریت کونت مشارالیه سفارت اسلامبول بواسطه و کلی اداره خواهد شد . بجهت استعفا (کونت زبجی) سپریارد ایلیچی انگلیس در اسلامبول مقدمترین هیئت سفرا خواهد بود .

در ازبک دونفر قلیزن که مجیدیه سفید قلب درست میکردند با آلات و اسباب قلیزنی از جانب حکومت گرفتار شده است . (انبار سیال)

خارجیه

از جانب انجمن علم ثروت فرانسه برای تاکید و لزوم فقره یکی کردن وضع مسکوکات منصور بوده است که همه دولتها در اینباب لایحه از جانب انجمن مذکور نوشته و فرستاده شود که اهالی هر مملکت و حکومت از خسارتهایی که از اختلاف مسکوکات وارد میشود خلاصی یابند . نیز قرارداد داده اند که برای دادن بخسارنج توجیه مسکوکات دفتر اعانه باز نمایند .

اخبارنامه (تانس) بموجب تلگرافنامه که از کابل از راه جلال آباد گرفته است میگوید . در کابل پنج نفر از افاضه را بموجب حکم مجلس چنگ که در زیر ریاست (جنرال ماسی) منعقد میشد صلب و اعدام نموده اند . گویا یکی از آنها سر بریده سفیر انگلیس را بالا حصار برده بار باب شورش داده بوده دیگری هم بفرقی بدست شورشیان داده آنان را برای هجوم و قتل هیئت سفارت تشویق کرده بوده است . میگویند از جانب امیر یعقوب خان بواسطه سردار نائب

عهد با آنها بعضی دستورالعملها فرستاده شده است .
در موقع سفر کردن بنسازگی زد و خورد
توقع رسیده است .

دولت ایران بمناسبت اینکه در میان دولتین روس و چین عهدنامه تجارتي بسته شده است از دولت روس اصلاح و تعدیل عهدنامه تجارتي را که الان هست خواهش کرده است دولت روس نیز در مقابل تجدید ماهده تجارتي از دولت ایران خواهش شده است که عهدنامه اتفاتی در میان دولتین بسته شود .
(وقت)

(کراندوک میشل) جانشین قفقاس در ماه ایلول گذشته بجانب فارس وارد هان و اونی سیاحت نموده در چین پذیرای امپراتور و پسر سفیدان آنجاها بیان نموده است که مذاهب اهدا رعیت را رعایت شده املاک احدی ضبط نخواهد شد هر کس که بخواهد هجرت نماید املاک خود را قیمت نموده بحکومت واگذار و بدل آنرا از حکومت اخذ نماید .

اوقفت نخواهد داشت و ایشان را مکوم در دام حوادث روزگار زیون و خوار نخواهد گذاشت وی گفت تونز مانند (آبولون) (۱) باید قواعد ترقی و آبادی و رسوم استراحت و زندگانی را بشبانان باموزی و وقایع (آبولون) را این چنین حکایت میکرد که روزی (ژینز) در هوای خوشی روی هوا را پراز صدای رعد و آتش برق خویش کرد (آبولون) از این معنی درخشم شده غولانی را که ماهور ایجاد برق بودند هدف تیر غضب ساخته و از پای در انداخت در آنحال شراره کوه (آتنا) (۲)
(۱) (آبولون) رب النوع شب و روز است که عسارت از ملک موکل آن با حقیقت کردش فلکی یا کره ارضی باشد .
(۲) آتنا بجز از که های آتش نشان

از جناب دولت روس بملاحظه ترید مناسبات دوستانه بحکومت صربستان ده بتری توپ صحرایی اهدا و ارسال شده است
(وقت)

اخبارنامه (دیلی نیوس) تذکرافنامه ذیل را از پترزبورگ گرفته نشر کرده است .
از قراریکه از جاهای معتدله تحقیق کرده شد دولت روس برای آماده کردن لوازم سفری که مقرر است در بهار آینده بعمل آورده شود دستور العمل داده است .

بقدر سی چهل هزار لشکر بسرداری جنرال کوفان از اورنبرگ بجانب ترکستان حرکت خواهد کرد . از این جهت نیز قسمتی از اردوی قفقاس مأمور عزیمت آنصحنات است که یکی از این دواردو از جناب شمال و دیگری از طرف غرب حرکت نموده در افغانستان همدمی خواهند رسید از معاونت عشایر و اهالی بومی افغانستان خاطر جعی حاصل شده است .

خواموش شد صدای پیکهای (ولکن) (۳) غضبناک از کارخانه خود بیرون آمده بابای اعرج و جبین بر چین که قطرات عرق فرو چکید و با کونه کرد آلود بسوی عرش شهر کشود و در محضر ار باب انواع دفتر حکایات باز واز (آبولون) شکایت آغاز کرد (رینیر) نیز به (آبولون) خشم آورده از بساط افلاک کش را نده بر بساط خاکش فتساید چون (آبولون) از عالم روحانی قدم بر صحنه جسمانی نهاد و از انوار الهی و جسدوت نامتناهی عاری گردید از روی اضطراب بکله پادشاه (آدمت) شبانی اختیار کرد و در اندک زمانی بنوای نی قلوب شبانان را مسخر کرده
(۳) ولیکن رب النوع رعد و برق است

وزیر فوائد عامه فرانسه در جزو مخارج سال آینده سی و پنج میلیون فرانک برای اصلاح و ساختن لنگرگاههای فرانسه بر آورده کرده در میزان مخارج وزارت مشا را آنها آورده شده است که این لنگرگاهها عسارت از هفت موقع است و از حال آغاز بکار کرده اند و خیلی هم از انشا آن وقت بیات را پیش برده اند .

اسامی و کلامی اختر

طالب کسانیکه خریدن سالیانه اختر در خارج در طهران بمالجناب سلاله الاطیاب حاجی سید خلف تاجر نجفی رجوع نمایند .
در رشت بمعدن آخبر محمد آقا تاجر اصفهانی .
در اصفهان عالیجناب مقرب الخضر الملیسه آقای میرزا علی محمد منشی حضور حضرت والا .
در خراسان جناب منشی محترم تذکره فحانه مبارکه .

محبش در بند و پی ایشان جا کرد بس در لب جویبار فراز آمده لب از کفزار بسته خواموش می نشستند و چشم هوش باز کرده با آواز سازش گوش میدادند و تا آخر روز مانند وحوش و سباز روزگار سپرده و بسان غولان در بیخولم اعز بسر برده بودند و بجز رعایت رعد و دوشیدن شیر کله چیرنی نمی دانستند دهات آن نواحی مانند صحرای قفر بجاصل اقتساده و من ارغ بدان استعداد از روع و باطل مانده بود در اندک زمانی از این تربیت (آبولون) آنروز بوم که مسکن غراب و بوم بود مورد شده مزرع اقسام خوب و منبت انواع ریابین گردید و شبانانی که اسم حرفت نشنیده و رسم صنعت ندیده بودند صنایع چندی از (آبولون) فرا گرفته بدان واسطه در کمال شد و در نهایت آسودگی و رفاهیت

در شیراز عالیجاه نیابت دستکده آقای حاجی
سید ابراهیم وکیل شهید در دولت علیه عثمانی .
در همدان عالیجاه عزت همراهِ حاجی محمد
شهبان افندی شهید در دولت علیه عثمانی .
در سنندج جناب والیجاه نیابت دستکده آقا
سید جبار وکیل شهید در دولت علیه عثمانی .
در ارضروم به ایشان آقا ملاصادق تاجر
دیلمتانی .
در بیروت به ایشان حاجی بابا تاجر
دیلمتانی .
در تبریز عالیجناب عمده التجار حاجی سید
ابراهیم آقا تاجر کاتانی .
در بغداد ایشان آقا محمد اسماعیل تاجر
تبریزی .
در کلکه عمده التجار آقا محمد علی تاجر
شیرازی اشهر به چیناوی .
در ازمیر ایشان میرزا آقا جان کتاب فروش
تبریزی .

کرمانشاهان عالیجاه بخدمت همراهِ آقا حسن
وکیل التجار دولت فوج خدا نکلیس .
در حلب ایشان آقا میرزا جواد کتاب فروش
تبریزی .
در کراچی بتدریس جناب فضیلت مآب میرزا
محمد شفیع صاحب مهم اخبار نامه مفرح القلوب .
در بنکولور جناب فضایل مآب محمد قاسم
صاحب مهم مشور محمدی .
در مدرس عالیجناب فضیلت مآب نصیرالدین
صاحب مشهر جریده شمس الاخبار .
در بندر ملوین ماچین عالیجناب عمده التجار
حاجی ملا حسن واعظ تاجر خراسانی .
در شهر لکهنو جناب فضایل مآب فتح محمد
صاحب مشهر جریده انوار الاخبار .
در حیدرآباد هند در سرکار نظام به عالیجاه آقا
میرزا نصرالله صاحب فدایی .
مراجعت کرده مشتری بودن خودشان را بواسطه
حضرات معزی انیم و یا بواسطه پوست مستقیماً

بنداره اختر معلوم نمایند .
و همچنین درباره رسانیدن قیمت سالیانه
و شش ماهه به دو وسیله می توانست رضاند .
دیگر اینکه سوی ممالک عثمانیه در هیچ جایی کمتر
از سالیانه ابرونه و مقاطعه نخواهد بود .
بجز اشخاص محترم و کسانی که سمت استنفا
دارند در همه جای قیمت سالیانه را در ممالک عثمانیه
اقل از شش ماهه را باید پیشکی لطف نمایند تا مدار
انظام و رونق کار جریده گردد .
عموم مشترکین خاصه مشترکین صفحات
هندوستان را زحمت اطلاع داده می شود که
در صوت امکان وجوه جریده را بلا واسطه
در ضمن پاکت بانکنوت انگلیس که پول کاغذی
است با پوست خانها بجه کرده یکسر بمرکز اداره
اسلامبول ارسال فرمایند و در جاهایی که بانکنوت
نیست مانند ممالک ایران بحضرات و کلاهی کرامی
رجوع فرمایند یا حواله تجارتنی بدهند .

ظاهر

زندگی کرده فراوانی و سرور ایشان را فرو گرفت
بس (آبولون) همه روز بجهت رغیب و تشویق
آن گروه و صف فرح افزایی فصل بهار و شکفتنی
هر غرزار و شمیم نسیم گلزار را بنفحات شیرین ادایی
کرد و شرح غم زندانی موسم تابستان و هوای
گلدستان و کمال هشکام خریف و تکمیل میوه های
رنگین و غضبف را که سلطان طبیعت در پاداش
و نیکو بزرگان دامان بر بساط زمین نثار
می کند و استراحت شبهای زمستان و طراوت
درختان جنگلی و بستان را باطن خوش و اشعار
دلکش اشعار می نمود و با آوازی آری هزاران را
که در جو بیاران و مرغزار از مانند جوانان
که در جوانی خندان خندان بیساز بجه آرند
برایشان انقایی فرمود تا بدانند که لذات زندگانی
صه از کامرانی

احشام این چنین اگر از احسانات طبیعت محض
و محض طبیعت بهره تواند گرفت پس شبانان
در زمان بانفحات ساز و آهنگ آواز خود خود را
آسوده و خوشوقت تر از سلاطین دیدند کلبه
ایشان را عیش و سرور ساده فرا گرفته برک
استراحت و جورشان از هر جهت آماده و ساز
گردید بحدی که همان محضر کلبه خود را بمراتب
عبدیه خوشتر از عمارات و قصور زراندود سلاطین
دیدند خنده و شادی سرود و آبدی همه جا
باشبانان بی کناه همراهی میکرد همه روزشان
از فیروزی چون روز نوروز بود نغمه و نغمه مرغان
خوش آواز و بلبلان نغمه پرداز غنچه بر چرخ
اثر افکند و از صدای صغیر نسیم که با هر روان
چشم آواز گشته و دست ملا عبه برایشان
دراز کرده بود و در پرده درختان آهنگ هموز بر

ساز نموده بود روزگار بپررقص اندر آمده
جوانی از سر گرفتی در آنجا استماع نمی شد مگر
آوای نی شبانان که از (آبولون) فرا گرفته
بودند یا صدای آبشاری که ز فراز سنگی بجانب
تشیب میریخت پس (آبولون) قواعد اسب
تاختن و آداب تیر انداختن را برایشان آموخت
و قدر استعمال اصلحه و شکار را آشکار کرد لاجرم
از یسر تربیت و برکت محبت (آبولون)
آن صحرائشینان چنان بساط نشاط گسترند
و رسم آبدی و استراحت را پیش گرفتند
که از باب انواع بفرغت و رفاهت ایشان
ریشک برده آسودگی ایشان را بمراتب از کامرانی
و اشتها و خوبش خوشتر شدند (آبولون) را
بهرش خواندند اکنون ای فرزندان بسط حکایت
(باقی دارد)

رومانیا در اثنای سیاحت قطعه (دوریجه) از جانب عوم اهالی خصوصا از اهالی اسلام بکمال خشنودی پذیرفته شده است . پرنس مشارالیم از اینکه حسن پذیرایی اهالی اسلام بمنون و خشنود شده است . علاوه بر این در هر سمت معونان اسلام به حکمران مشارالیه اظهار خصوصیت نموده اند .

از جانب حکمران مشارالیه منافع باری بجهت تعمیر جوامع شریف و ترفیه حال محتاجین توزیع و تقسیم کرده شده از ترقی اهالی غیرتحت دوریجه که بعد از همه مصائب و خرابیها در ظرف مدت بسیار کمی حاصل کرده اند فوق العاده اظهار مسرت نموده پاره از اهالی را با عطای نشانها و مدالها دکرم نموده است .

از لندن ایضا اخبارنامه های امرودی از کیفیت ملاقاتی که در میان موسوروس پاشا سفیر عثمانی و نورد سالسبری وزیر خارجه انگلیس واقع شده است تفصیلات دور و دراز می رسند . بنابر وایت و اطلاعات اخبارنامه موسوروس پاشا بنورد سالسبری بطور قطعی خاطر جمعی داده است که در بولونیک با بهالی با دولت های خارجه اصلا تغییری حاصل نشده است . علاوه بر این سفیر مشارالیه اظهار داشته است که اخلا حضرت پادشاه عثمانی نه تنها در اجرای اصلاحاتی که دولت انگلیس سازش کرده است کوشش دارند بل از روند هستند که سایر اصلاحاتی را که از جانب با بهالی لزوم اجرای آتم تصدیق کرده شده است نیز بطور قطعی بجزی بشود . از قراریکه اخبارنامه (نایس) میگوید آورد سانسبری در جواب سفیر مشارالیه گفته است که در باب اجرای اصلاحات دیگر تازه کی مهلت لازم نیست زیر حکومت انگلیس در خصوص اجرای اصلاحات اقدام و فعلیات میخواهد بدهد و قول مع ذلک بموجب خاطر جمعی دادن سفیر عثمانی اکنون را انتظار کشیده می شود که اصلاحات موعوده از قوه بفعل بیرون آید . تفصیلات مذکور عبارت از گفتگوی شفاهی و بیانات اخبارنامه ها است هیچ گونه اطلاعات رسمی را دارا نیست .

کونت شوانوف سفیر روس مدتی برای استراحت از مأموریت خود کناره جویی خواهد نمود .

جمعیت مهندسی از جانب دولت انگلیس بجزیره قبریس فرستاده شده است که در آنجا بانسبه امور نافعه که بسیاری از فقه و عمه را مشغول نماید آغاز کرده شود .

از وین ایضا در خصوص اصلاح و جابجا کردن دیون غیر منظم مصر تا کنون در میان و نهای فرانسه و المان و اوستریا و انگلیس زیلاف افکار حاصل نشده است .

از لندن ایضا اسکوت (یعنی مانض) بانک انگلیس از صدی دو صدی سه بالا رفته است . بطور رسمی تصدیق شده است که از جانب حکومت انگلیس کشتیهای جنگی را که در (مالطه) هست دستور العمل داده شده است که از آنجا حرکت نمایند . دولت انگلیس در خصوص اجرای اصلاحات برای پذیرفتن صورت قرارداد خود با ابعالی در روز مهلت داده است .

از پترسبورگ ایضا اخبارنامه های روس میگویند رفتار نهمید امیر انگلیز بدولت عثمانی در خارج از احکام ماده شصت و سوم عهدنامه برلین است .

از وین ایضا میگویند هرگاه دولت انگلیس در قرارداد خود که میخواهد با بهالی عثمانی کشتیهای جنگی بفرستد بپذیری دیگر دولتین المان و اوستریا نیز قرار داده بودند که کشتیهای جنگی خود شانرا با بهالی شرق بفرستند .

از برلین ۲۲ ذی قعدة (کازت ناسیونال) میگوید . اگر رفتار نهمید امیر دولت انگلیس را درباره دولت عثمانی برای اجرا کردن اصلاحات همه دولت های اروپ تصدیق نمایند باز هرگونه ضرر و خطرهایی که از این امر وارد آید تنها بدولت مشارالیه راجع است .

نیز اخبارنامه مذکور میگوید . دولت های المان و اوستریا در کارهایی که منافع ایشان ملحوظ است بدولت انگلیس همراهی خواهند نمود . ولی در باب اجرای اصلاحات در سمت اتانولی و سخت گیری در این باب دولت انگلیس را است که درجه بکار بردن قوت خود را معین نماید . زیرا دولت انگلیس درجه این مخالفت را که حدود آن بسیار

بر بخورد باید پیش از وقت دانسته باشد .

از برلین ۲۲ ذی قعدة (کازت ناسیونال) میگوید سبب وقوع شورش آخری افغانستان از تخریب کات روس سرزده است چنانکه این قمره از پاره اوراق و نوشتجات نیز معلوم شده است .

از پترسبورگ ایضا اخبارنامه های روس وضع حاضر افغانستان را مشوش مینویسند در این باب بک مقاله (ارفانس روس) را بدین قرار نقل میکنند . در پاره ایالات افغانستان شورش و اختلال خیلی وسعت پیدا کرده است . برای نگاهداری آسایش خیلی جانفشانی لازم است .

در ممالک روس برای منع انتشار افکار موسیالیزم بکار بردن تدابیر عسکری اقدام شده است .

از لندن ایضا در انگلستان از جانب اکثریت هواخواهان آزادی در مواجهه اشخاصی که حقوق انتخابات را حاصل کرده اند خطابه خوانده شده ضمنا رفتار تازه حکومت انگلیس را بیخنی مؤاخذه نموده گفته اند که باید انگلستان از حیث اتانولی صرف نظر بکند .

از وین ایضا اخبارنامه های وین میگویند . دولت انگلیس سزاوارتخصیص است زیرا از فرستادن کشتیهای جنگی خود با بهالی عثمانی صرف نظر کرده است . این قرارداد دولت انگلیس نیز بجهت این است که صوا یا شا تلگرافنامه بلندن نوشته اظهار داشته است که با بهالی بطور جدی مشغول مذاکرات اصلاحات است که بعد از ختام مذاکرات بدون تاخیر با اجرای آن خواهد پرداخت در این باب دولت انگلیس را خاطر جمعی کامل داده است .

از قراریکه روایت میکنند دولت اوستریا در این باب انگلیس را نصیحت داده است که درباره دولت عثمانی بولونیک قدیم خود را تغییر ندهد .

داخلیه

از جانب دولت اوستریا و روسیه در خصوص

فشان (صرافین) مرصع با کوردون بزرگ مخصوص برای تقدیم باعلا حضرت پادشاهی فرستاده شده روز شنبه گذشته از اصطبل عامره اراجهای مخصوص به سفارتخانه دولت مشارالیها فرستاده شده ایلچی واجزای سفارت سوار شده باین هیاتون عزیمت نموده درحالتیکه جناب مستطاب رئیس وکلا ووزیرخارجیه بانباسهای رسمی حضور داشتند نشان مذکور بواسطه ایلچی دولت مشارالیها بحضور اعلا حضرت پادشاهی تقدیم شده است .

جناب حسین حسینی بانا والی اشقودره عنوان نیل (باوراکرمی) اعطا فرموده شده است .

اخبارنامه (وقت) مینویسد . چند نفر ازبیمه دولت علیه عثمانی که ازفن معادن آگاهی دارند معدن بزرگی درمیان ولایت (بروسه) و (کوتاهیه) پیدا نموده نمونه از آن بحکومت سنیه فرستاده اند . خودشان نیز دراین چند روز باسلامبول خواهند نمود .

(جنرال نویس) سفیر دولت امریک بجهت زین خودش بهزم سیاحت سوریه وقدس شریف و مصر روز جمعه گذشته از اسلامبول حرکت کرده است .

امشب ازجناب جناب پرنس لبانوف سفیر دولت روس درسفارتخانه برای حضرات وکلای فحتم مهمانی داده خواهد شد . (وقت)

نیز اخبارنامه مذکور مینویسد . بموجب اطلاعاتیکه حاصل نمودیم جناب پرنس لبانوف ازجناب دولت روس به سفارت لندن معین شده است . لهذا بجهت تسامح کردن با...

خصوصی خود تاده روز دیگر مانونا از اسلامبول بجانب مملکت خود عزیمت خواهد نمود . بعد ازختم مدت مانویت باز باسلامبول مراجعت کرده نامه رسمی اعلا حضرت امپراتوری را درباب انفصال خود از سفارت اسلامبول بحضور اعلا حضرت پادشاهی تقدیم نموده پس از مراسم وداع بلندن عزیمت خواهد کرد .

اخبارنامهها مینویسند . مضمون است که ازجناب دولت اوس قریبا بجای کونت زیچی به سفارت اسلامبول کونت لودولف که پیشتر سمت سفارت اسلامبول را داشت معین بشود .

اخبارنامه (مونینوردو کومرس) میگوید . (مسوخوریه) سفیر دولت فرانسه ازجناب حکومت متبوعه خود برای رفتن بمملکت خود چهارماه رخصت حاصل کرده است . بنابراین تاده روز دیگر از اسلامبول بجانب مملکت خود حرکت خواهد کرد .

نیز مونینوردو مینویسد . ازجای موقت اطلاعات حاصل نمودیم که عساکر قره طاع بشهر (غوسینه) هجرم نموده کمی زد و خورد در آنجا واقع شده است . لهذا ازجناب بایمالی دراینباب بسفیرای دولت عثمانی که درباب تخت دواتها هستند بکلمه تحریرات عومی فرستاده شده است .

اخبارنامه (وقت) مینویسد . ازجناب اروپا نسخه های کتابی بعنوان (جنگ شرق) باسلامبول فرستاده بودند کتابهای مذکور ازجناب وزارت رسومات ضبط شده است .

کوه آتش فشان درکنار نهر طونه در اخبارنامه (دایلی نیوز) درباره اراضی ساحل نهر طونه سفلی یعنی جائیکه کوههای

(کار پائیا) تحدید حدود (رومانی) و (هونگاری) را میکند خبری در دانه مینویسد که آن زلزله که چند روز قبل درجناب شرقی اروپا واقع شد جلگه های کوهستان مذکور را بطور مخوف ودهشتی میزد در آورده درجزیره (بلیکی) که درشبهه وسطی نهر طونه متعلق به (مولداویا) واقع است و از نیور فو بودور نیست و درجائیکه شدت جریان نهر طونه از همه جا بیشتر است یعنی میانه (اورسووا) و (درنگووا) آنچنان حادثه وحشت انگیزی رخ داد که اهالی آنجاها را بیرون ازحد بیان گرفتار خوف وهراس نمود چنانچه در اثنای زلزله بغضه درمیان جزیره مذکور یک دریاچه پیدا شد . وازمیان آن یک ستون مرتفع جنبی از آب گرم جوشان بیرون درآمده در مدت دوسه ساعت اکتع سطح جزیره را آب فرو گرفت . و در روز یکشنبه هجدهم ماه اکتوبر گذشته آن فواره بلاباز بناگهان فرونشست و به اندازه آن کوهی که آب از آنجا فواره میزد تماما خشک شد نگاه کردند دیدند درعق آن چند عدد کوهها محرومی حادث شده است و این کوهها الی الان چند دقیقه بکار مقدار بسیاری خاک گرم وریکهای سیاه بیرون می ریزند . و صاحبان علم و تجربه تخمین میکنند که باین جزیره بکلی فرو خواهد رفت و با اینکه در آن یک چشمه آتش فشان دائمی ظاهر خواهد گشت . بگذردی بالاتر از آن موقع قلعه خرابه بنظر می آید که از آثار قدیم دولت رومانی بود از شدت زلزله قلعه مذکور تماما منهدم شده است . و سنگ و خاك عجز و به آن قلعه غارهای عمیقی را که در دامنه تل و کوههای (کابوکن) بودند پر کرده است چنانکه اثری از آنها باقی نمانده است .

باصحیح و بیسیار صحیح در میان اهالی آنجاها معروف است که زلزله بشه های که در تابستان اراضی واقع در دو طرف نهر طونه را از (باسیاج) تا (تورنو سورین) ضبط و تسخیر می نماید در آن غارها حاصل شده بیرون می آمده اند . الحاق برای انقراض و ضللال آن اردوهای جائیکه از جای آن دارد که بما کنان ساحل رودخانه طونه چشم روشنی داده تمیث بگویند . اما از برای دهات پیشمار (اولاهیه) و (صریه) حدوث این چشمه های آب گرم و توههای آتش فشان خالی از مضرت نباید باشد .

همه اخبار نامه های اروپا مشغول گفتگوی اقدامات آخرین دولت انگلیس هستند و تلگرافها بیکه از هر طرف وارد میشوند از همین مطلب خبر میدهند از آنجا بیکه اخبار نامه های روس بالطبع نمیتوانند محمل نفوذی که انگلیس در مشرق زمین پیدا میکند بشوند حرکات و روش آن دولت را موأخذ نمود برضد آنها مقالات مفصل مینویسند . ولیکن اخبار نامه های دول سواره این گونه روش انگلیس را پسندیده حرکاتش را تحسین میکنند .

حتی کازنهای برلین مینویسند که تا انگلیس در صدد اصلاح احوال آسیا میکوشد جمیع اروپا معاً معین و همداستان وی خواهند بود و الا در صورتیکه از این مقصد انحراف نموده بمطالب دیگر بپردازند و بادولتین روس و عثمانی دست و گریبان شود اوقت اوستریا و المان در این کار جانب داری و مداخله نخواهند کرد .

امانه چنین است در واقع دولتین اوستریا و المان بنام معاهده که از توپانم بنامند تمهید دیگر کارهای کشور رومانی هستند و انگلیس را بحال خودش وا گذاشته اند که هر چه بخواد در آسیای کوچک بکند . ولی اگر در ضمن این مقصد در میان انگلیس و روس و دولت عثمانی کار بکارزار مینجیر شود بی شک مسئله بجانب رومانی هم تأثیر و سرباز نموده دولتین اوستریا و المان نیز ناگزیرند که داخل آن قاله قبیل بشوند و همین ملاحظه است که چون انگلیس خواست کشتم ای جنکی خود را بسواحل دولت عثمانی بفرستد خبر داده شد که دولتین اوستریا و المان نیز خیال دارند هر یکی چند فریاد کشتی جنکی خود را به سواحل شرق بحر سفید اعزام دارند .

بسیقه ما این همه دستپاچکیا پیورده است منصفود انگلیس آن است که آن اصلاحات را که بموجب معاهده منعقد چهرم ماه ژون متعهد شده است مجری بنارد . و دولت مشارالیه بعد از آنکه آن اصلاحات صورت گرفت بنیسال دیگر نخواهد اقتصاد پس مشغول این قبیل ملاحظات شدن عبت است . بلی بنامه که مقصود انگلیس در آسیای کوچک کسب نفوذ نمودن است ماحرفی نداریم و پیشتر هم این انتقاد کرده بودیم ولی این بار انگلیس در طلب و اصرار خود حق دارد بجهت آنکه

بموجب معاهده که کرده است بالمجبوریه در انجام دادن کار اصلاحات باید بکوشد و درین باب نمیتوانیم ظاهراً ابرادی بر انگلیس بگیریم .

آرزوی مادر اول این بود که باب عالی این اصلاحات را آنکه بیکانه مداخله نماید صورت داده بانجام رساند و بالذات این آرزوی خود ما را معروض داشته بودیم . لکن جای تأسف است که اینقدر زمان گذشت و هنوز اثر فعلی آن ظاهر نشد پس بجای اینکه کار اصلاحات بکلی عقب بماند و ما خودمان هم کفایت اجرای آنرا نداشته باشیم البته اختیار اخفشترین مرجع است یعنی بهتر آن است که بتوسط انگلیس این اصلاحات صورت بگیرد .

اخبار نامه (تأمین) نام بنام ترا که (موزوروس باشا) سفیر عثمانی به (مارکی دی سلازوری) داده است بیان نموده در ضمن مینویسد (باب عالی تأمینات میدهد که بونیک خارجی خود را تغییر نداده است)

ملاحظه ما این است که این فرار انگلیس برای آن نیست که گویا باب عالی رفتار خارجی خود را تغییر داده است بل محض برای اجرای اصلاحات اناطولی است و او فرض نمائیم انگلیس چنین فهمیده بود است که هیأت تازه و کلابدولت دیگر میل نموده اند ولی باوجود این تأمینات شکی نیست که از این سو مظن بیرون آمده است . بجهت آنکه از روزیکه هیأت تازه و کلابدولت شروع بکار نموده اند آتی از مشغولیات داخلی وارسته نبوده اند که بکار خارجه دولت بپردازند .

در باب اجرای اصلاحات هیئت وکلای انگلیس را تأمین نمودن خیلی دشوار است . بنا بر اوبت آخرین تلگرافنامهها (مارکی دی سلازوری) بنامه آنکه (موزوروس باشا) داده است بری قانع نشده و گفته است ما قول نمیکوایم فعلی میخواهیم .

و مع هذا باز راضی باین شده است که فرستادن کتیم ای جنکی را تاخیر انداخته چند روزی هم مهلت داده شود . و روایت میکند که مدت مهلت در روز بوده است . لهذا اگر باب عالی از روی جد و جهد در صدد اجرای اصلاحات باشد و مداخله بیکانه را نخواهد باید در مدت این ده روز

کار اجرای اصلاحات را بجنت و کرم گرفته آثار فعلی خود را ظاهر نماید . (ترجمان افکار)

هفته گذشته ورقه با مضای ذیل برای درج شدن در صحائف این اخبار نامه باداره رسیده بود چون در آن نسخه کنجایش نداشت و مندرجات آن نیز خالی از فوائد نبود لهذا در این نسخه عیناً نقل نمودیم .

(صورت مکتوب)

باداره معین: اختر

این مخلص مدتها است که از مطالعه کننده کان و مشتریان اخبار نامه کرامی شماستیم نیدانم بچه زبان و کدام تقریر لشکر و سپاسداری از وطن پروری آنجناب تمام زیر احسنات این اخبار نامه کرامی از حیرت تحریر و قوه تقریر هر منشی کامل بیرون است تا چه رسد با مشال این مخلص که پای خانه خیالم در این وادی نیک و از عدم قوه تحریر و تقریر خود به تنگست این بضاعه قلیل نیز در حقیقت بی شایسته ریب و ریا از آثار جلیل آن تابد اختر فلک معارف است که در این مدت از مطالعه آن پرده ها برده و حفظها دیده ام .

خلاصه غرض از تصدیع این است که در نسخه مورخ ۲۹ شوال شماره (۴۲) اختر فصلی به عنوان (مرض مخصوص) دیده مطامه نمودم که نتیجه مختصر فصل مذکور عبارت از یاد آوری بود که سال ۱۲۹۶ قریب بختام است بسیاری از مطالعه کننده کان خاصه از مشرکین باتکین ممالک محروسه ایران تاکنون بدل قیمت سالانه را نداده اند در حقیقت از این فقره نهایت مناسف و متاثر شدم الحاق جای هزار افسوس و حیرت است وقتی که ملاحظه میکنیم در همه ممالک محروسه ایران که تقریر با داری دهملون نفوس و از چندین هزار سال مرکز سلطنت حکم داران باجاه و جلال است پیشتر از هوسه روزنامه بتعبیر درست هفته نامه در میان نیست . ولی اخبار نامهها مینویسند که در امارت تازه بلغارستان که عبارت از مشتی بلغاریان جاهل و بی سواد است تاکنون عدد روزنامههایی که در آنجا طبع و نشر می شود بنده و دوازده رسیده است حال آنکه بیکسال پیش نیست که آنجا را نیم

استقلال داده شده است . بدیهی است که از دیاد و تکثیر اخبارنامهها بسته بمیل و رغبت ملی است که منسوب الی آن اخبارنامهها است زیرا ثروت صاحب امتیاز اخبارنامه کافل بخارج آن نیست . همگنانرا معلوم است که آنجناب در راه انداختن و نشر نمودن این اخبارنامه که تقریباً پنج سال است چه رنجها برده چه مایه خسارتها کشیده است زهی بی انصافی است که این اخبارنامه پس از این همه جان فشانی معطل گردد زیرا هنوز است که اندر زهای حکیمانه و نصیحت عاقلانه آن در دلها اثر کرده و برخی از ابناء وطن از تامل خود مندان آگاهی حاصل میکنند پس ما را است که در مقابل این همه جان فشانیهای آنجناب در تشییع و پیشرفت این کار بخته و راه افتاده بیش از آنچه متصور است اقدامات لایقه بکار برده در استحکام امور اداره آن سعی نماییم تا اینکه در ادای قیمت معین آن سالها دفع الوقت نموده موجب تنگی اداره و سبب تنگی امر اخبارنامه باشیم . چندی پیش از این باب یکی از کار گذاران اختر که سمت دوستی بانخاص دارد صحبت داشتیم فقره از همت بلند آنجناب ذکر نمودند در حقیقت مایه تعجب و حیرت این دوستدار شد که میگفت تا اکنون زیاده بجز از این ضرر عمل این اخبارنامه را تحمل شده ایم و نیز ایشان میگفتند که در اسلامبول بعضی از حضرات همشهریها هستند که هنوز قیمت پنج ساله آنرا نداده اند زهی بی انصافی و سخت دلی و غفالت است . گوئیم که مشترکهای ایران را میتوانیم بوجهی در تکامل از ادای قیمت اخبارنامه معذور داریم زیرا ایشان تاکنون بخواندن اخبارنامهها مألوف نبوده اند انشاءالله بعد از این از حسن توجه و نیت پاك و ترقی پرور اولیای دولت علیه ایران چنانکه از هر چه آثارش پیدا است امیدواریم که بزود ترین وجهی کار معارف در آن خاك پاك بالا گرفته ملت معظم ایران سالمتر راه ترقی و آگاهی باشند ولی از همشهریهای خودمان که در اسلامبول هستند وقوع این حالات بسیار بعید است زیرا از خورد و بزرگ و تجار و اصناف همرا هر روز می بینیم که بمیل و رغبت تمام اخبار نامهها را مطالعه میکنند در اینحال باید بدانند که ترقی و آگاهی هر ملت بسته به معارف و مطالعه اخبارنامهها است امور معارف و اخبارنامهها هم پیش نمیرود مگر بمیل و رغبت ملت : وظیفه هر يك از افراد ملت است

که فراسور حال خود بعضی بیسول و برخی بنام و پاره بسختن و تشویق در ترقی و تزیاد معارف و مطبوعات خود خدمت نمایند . ملت های غرب زمین بدرجه قصوای علم و معرفت و ثروت و صنایع نرسیده اند مگر مطالعه اخبارنامهها و تواریح کار اخبارنامههای آنها نیز بلا تکرار است مگر بمیل و رغبت و همت ملت و اهالی آنها . چنانکه امروز در هر يك از قلمرو دوتهای اروپا زیاده بده هزار نوع اخبارنامهها بیرون می آید که هر گاه وضع اداره و عظمت دستگاههای یکی از آنها را بطور لائق بیان نماییم موجب تعجب و تحیرمان خواهد شد زیرا اخبارنامه که هر روز یکصد و پنجاه هزار نسخه را بفروش برسد و سمت اداره آنرا از اینجا قیاس میتوان نمود گذشته از آن چنانکه معلوم است در اروپا هیچ صنعت و کار و تجارتی عدوم ندارد اخبارنامه و هیچ صاحب صنعت و تجارتنی همز و کرامی از آن واقفین اخبارنامه نیست بعات آنکه مکرر شنیده خواننده ایم که . مسیوقلان اخبارتکار فلان روزنامه نندن در این باب بجز تورات المانی صحبت داشته در باب پولیتیک چنان گفت و چنان شنید و در ترجمه جان بسیاری از کلا و معارف و مشاهیر اروپا بسیار خواننده ایم که در فلان تاریخ بحر روم یا خود منشی اول فلان روزنامه پاریس و بلژن و در حال آنکه آنان نیز افخضاری که داشتند از تحریری و منشیگری آن اخبارنامه بوده است . (بخلاف از باب فضل و کمال ماوفقی که میخواهد یکی از صاحبان فرهنگ و دانش ما را تحقیر نمایند نسبت بحرری روزنامه یا آن شخص داده روزنامه نویسی را انت تحقیرش میدانند اینهم نیست مگر برای اینکه خودش را نمیتواند) خلاصه سخن بدلازی کشید خود مختص و جعی دیگر که سمت و کالت افانرا داریم از ایزد متعال خواهانیم که اولاً آنجناب را که هوا خواه ترقی ملت هستند در نیت پاك و مستقیم خودشان برقرار داشته و سعی در کار و تجارت خصوصی شما عطا فرماید که از آن بمراداره اختر نیز وسعت پیدا کرده در انتشار فوائد عموم ملت را بفرماید

امضا
خیرخواه وطن

اختر

در این ذیل مناسب آمد که ترجمه جدول اسامی اخبار نامههای پاریس را که روزنامه (وقت)

در نسخه روزیکشنبه گذشته شماره ۱۵۰۶ خود نوشته است در اینجاستفاد نمایم .

در پاریس هر روز مقدار يك مایون و نیم نسخه اخبارنامه طبع و نشر می شود . اسامی اخبارنامههای پاریس که از جمله زیاده تر نسخه طبع و نشر میکنند بقرار ذیل است .

اسامی اخبارنامهها	مقدار نسخه هر روز
پتی ژورنال	۵۶۵۰۰۰
لاژرن	۱۹۱۰۰۰
پتی مونیتور	۱۰۰۰۰۰
فیکارو	۶۲۰۹۰
راپل	۷۰۰۰۰
پتی ناسیونال	۶۵۰۰۰
نوور ژورنال	۴۵۰۰۰
فرانس	۴۰۶۰۰
په	۴۰۰۰۰
پتی پاریزین	۴۰۰۰۰
پتی پرس	۳۲۰۰۰
تان	۲۲۲۰۰
ناسیونال	۱۷۰۰۰
لیرت	۱۷۰۰۰
مارسلهز	۱۷۰۰۰
سیه فل	۱۴۰۰۰
ریو پاك فرانسز	۱۱۰۰۰
دها	۸۰۰۰
وولتر	۸۰۰۰
اویور	۷۰۰۰

سائر اخبارنامهها را که کمتر از هفت هزار نسخه چاپ میشوند داخل حساب ننموده اند .

مانیز کمال افسوس می بینیم که در این باب تحت بزرگ که مستقرین سایر ممالک شرق و در پهلوئی اروپا واقع شده است تنها سه گونه اخبارنامه بلغت ترکی که معمول و مصطلح بسیاری از اهالی ممالک محروسه عثمانی است بیرون می آید که اسامی آنها (وقت) و (ترجمان حقیقت) و (جریده حوالت) است اطلاع داریم که هر يك از آنها بختی که نزدیک بخت است هر روزه قدر دوهزار یا دوهزار و پانصد نسخه چاپ می شود . آبا باینطورها میتوانیم در مقام ایل اروپایان سخن از تمدن و ترقی بران بیاوریم !

خلاصه اولین لوازم ترقی و زور و آگاهی ماها بسته بوسعت دائره مطبوعات خود مان است که باید از مطالعه اخبار آنها از وضع حاضر و آینده خود مان آگاهی حاصل کرده بانفاق دست بهم داده در تعمیر خرابیهای گذشته بکوشیم و سد شکنی در جلوسیل مهابب اروپا که رو بجهت و برای مملکت و محدودیات و قومیت ما آید به بشیم و انعامه صد هزار گرفتاری و خوری و مذات بشیم .

خارجیه

تبریز

در ماه شعبان گذشته بکفره را هرقی در حوالی تبریز اتفاق افتاده قورا بدستاری حکومت پیدا شده است . تفصیل آنکه يك نفر تاجر انگلیس (زیکلر) نام چهارده پارچه فرص نقره که هر پارچه بوزن آنجا هفت من و نیم تیریزی و بحساب آنجا بقدر نوزده و قید چیزی که از است بخارج فرستاده است . در نزدیکی (خواجه مریجان) که در نش

و شرح روایت باینتر آنکه نماید چون تو نیز بدای که (آبوان) افتاده بود گرفتار و همان مقدمه دچار آمده پس در آبادی توکشت و زرع این دشت بکوش و بر اندام عربان این بیابان جامهای آوان و رنگین از سنبل و ریاحین بیوش لذات نغمه پردازی را بمذاق صحرانشینان برسان و دلهای سخت و مضمت ایشان را نرم گردان تا سرور تقوی و شربت در قلوبشان جا گیرد و نعمت آسودگی و نشاط تمایی و عیش و طرب بی کناره را که کسی بر منع راه ندارد در یابندای فرزند جدی نمی گذرد که اندیشه و زجات سلطنت غایبه و صدمات حکومت که لازمه ربانست اقتصاده بملک خیالت هجوم آورده در سر بر حکمرانی بر این روزگار شبانی افسوسها خوری و آرزوها پری پس از آنکه

و هفت فرسخی شهر واقع است دزدان تاخته نقره ها را برده اند . بامر حضرت اشرف والا و ابجد جناب امین لشکر پیشکار مملکت آذربایجان او امر لشکرانی بجهای لازم فرستاده تا بایر صابانه بکار برده مستحفظین را از اطراف حرکت کرده عرصه را بدزدان تنگ گرفته اند و بعد از زد و خورد ها همه آنها را مغلولاً بشهر آورده اند و بعد از تحقیق و استنطاقها معلوم شده است که نقره ها را در دامنه کوهی خاک کرده اند مگر چهار فرص یکی در نزد اربابی فرغون بوده و سه پارچه دیگر را کفته است برفیق خسودم که با فرغون به پنجوان رفته است داده ام .

اخبار نویسی میگوید بدین طریق پیدا کردن مال و گرفتار نمودن را هر زمان تا حال کنز اتفاق افتاده است و این هم از تدابیر صائبه و اهمات جناب امین لشکر بود !

اختر

واقعا جناب امین لشکر در این فقره خیلی بکار آگاهی و دقت رفتار کرده همچنان مالی را که در بیابان برده اند فوراً بامر تکبیر و دزدان بدست آورده اند و باعث نیک نامی مملکت در نظر تاجر انگلیس و دیگران شده اند و امیدواریم که این شیوه

آهنکی بمن داد که در اندک زمانی صدای آن بامسازی آوازم که کوئی نغمه داوودی بود و آهنگ عینی داشت همه شبانان را که مانند بنات انعمش در آن کوه و دشت پراکنده بودند بسان پروین بدور من جمع آورد عالم خود را خارج از حوالم می دیدم از شیرینی الحام همه دهات بلد که کوه و هامون آنصفحات خندان و خرم شاداب و مزین گردید روزها را تا بجه شب با هم بکوشندگی می نشستیم و شبانان کله و کلبه خود را فراموش کرده در حوالی من خواب می نشستند و آب از کفزار بسته بنغمات شیرین و الحان دانشین من گوش هوش می دادند و تحسین می کردند کوئی وحشت از جانوران بکلی برخواست و انس آن صحرارا فرا گرفت کرک و میش هم آنغوش صعوه نشاهندیدند بدست بدند هاتان حسد خلک

مملکت داری را همیشه ایشان وجهه کار گذاران مملکت بکار ببرند و این قاعده مقدسه یعنی وظیفه خدمتگذاری دولت و ملت را بطور شایسته مرعی بنارند .

در تبریز غله را قدری تسعیر حاصل شده با وجود کثرت غله باز نرخها بالا رفته بوده است بحسب استدعای حضرت اشرف والا و بعد از جانب دیوان اصلاحه دیوانی را نصف نقد و نصف دیگر را قرار شده است همین جنس بدهند بدین واسطه چند روزی نرخها تنزل کرده مردم را امید واری حاصل شده است لیکن رفته رفته تاثیر این قرار داد کمتر شده باز نرخها بدرجه پیش رسیده است و علت این معلوم نیست که آیا عدم اجرای احکام دارالخلافه است یا از سستی مجلسین کارها یا از تدابیر بیسته صاحبان اختار و کار را اراصل و بنیان باید مطبوع داشت در صورتیکه رتی و وفق امور در دست افراد اهلی غرض باشد نه حکومت چاره آن را یاسانی تواند کرد و نه ملت بیچاره .

و مهربانی تواضع و فروتنی مردمان و انس جانوران آن سرزمین بر خس و خاشاک و بر سنگ و خاک نیز اثر کرد بود و اکثر اوقات بهمراهی شبانان در دیر (آبوان) که معبد و مقام (تربوزری) راهب بود قربانی می کردم و هر يك نذر خود را بانواع گلها بر آراسته با وجود رقصهای آوردیم بعد از ادای نذر و ذبح قربانی خون و بساط صحرایی کسزده در کال انبساط بخوردن می نشستیم بهترین طعام و خوشترین خورش ما از شیر بود که بدست خود از کاو و میش دوشیده و از میوه های رنگین که در نهایت نظافت از درختان چیده بودیم سفره و میز از صحن چمن وادیم زمین داشتیم و تخت و نشین از سبزه و ریاحین اشجار کهنش شاخ بر شاخ یکدیگر کرده سایانی بود که بر انتب هدیده از قبه های زرنگار عمارات پادشاهان خوشتر

گازت (پرس) که در این طبع و نشر می شود
 میگوید . که مسئله اجرائی اصلاحات در اناتولی
 تنها راجع بانگلیس نیست زیرا دولت های که همدانامه
 بر این را امضا کرده اند تیرحق مداخله در این کار
 دارند . ولی دولت انگلیس بوجوب معاهده
 مخصوص خود در اجرای شرائط عهدنامه
 مکاف است که در این خصوص پیش قدم باشد در هر
 حال دولت انگلیس در این باب تنها نخواهد ماند .

۱- بارنامه (ویزوردو کومرس) میگوید .
 مطبوعات روس باز باره از اجیف نشر میکنند .
 و مدتی آنکه سرلارڈ پابعالی اظهار داشت که نباید
 دیگر در اجرای اصلاحات دفع الوقت بشود .
 مطبوعات روس بنای کار را با اجیف نوشتن گذاشته
 میگویند . خیال انگلیس این است در شرق
 بطور خودسرانه رفتار نماید . غرض انگلیس
 از این که میخواهد با بهالی را مجبور بکند که
 مقشهای انگلیس در ادارها بگمارد این است
 که جزیره دیگری در بحر سفید و باره از مواقع
 دریای سیاه را ضبط نماید . حال آنکه آرزوی دولت
 انگلیس به همراهی سایر دولتها این است که سو اداره

از میان برداشته شود . بنابراین بسیاری از اجیف
 مذکورہ خصوصاً اینکه شایع شده است انگلیس
 میخواهد در طر بزون لنگرگاهی داشته باشد بطور
 رسمی تکذیب کرده شده است .

اخیرنامه (استاندارد) بوجوب تکرارنامه
 که از کابل رسیده مینویسد . از جناب امیر یعقوب
 خان بجزال رو برس اطلاع داده شده است که در کابل
 نه دقینه مکنوز است و دقینه های مذکور در تصرف
 زوجة امیر شیرعلی خان مرحوم بوده است . لهذا
 بوجوب دستور العمل بجزال رو برس جستجو
 نموده دقینه های مذکور را پیدا و ضبط نموده
 اند .

جناب موسیو (تریکو) که از جناب
 دولت فرانسه بسفارت طهران معین شده بود
 سه چهار روز بیشتر وارد اسلامبول شده دیروز
 با اوور فرانسه از راه بوطنی عازم ایران شده است
 یک نفر نایب اول همراه جناب مشارالیه بوده
 و موسیو (برنه) ترجمان اول که سالهاست در سفارت

طهران مأمور بت دارد و این سفر موقفاً بپارس
 رفته بوده است همراه جناب مشارالیه بوده
 اند .

جناب سفر مشارالیه روز دوشنبه گذشته
 با اتباع سفارت خود برای ملاقات با جناب جلالیاب
 معین الملک سقیم کبیر بران بسفارتخانه کبری آمده
 از جناب معظم مشارالیه دیدن کرده اند .

اخیرنامه (تابس) بوجوب تکرارنامه
 که در تاریخ ۲۹ ماه اکتوبر گذشته از کابل
 گرفته است . میگوید . امر وزیرتیم مهم سواره
 به همراهی قوه عساکری که در زیر کومانڈانی
 (جنرال مونس) هستند از گذرگاه شترکردن
 عبور نموده در کابل پیش میروند . بعد از ورود
 عساکر مذکورہ بک فوج از قشون انگلیس
 بمرداری (ملک فرسون) برای نگاه داشتن راه خیر
 فرستاده خواهد شد .

امیر یعقوب خان بطور قطعی از امارت
 افغانستان استعفا نموده تنها اظهار داشته است
 که میخواهم بعد از این در افغانستان حکمرانی نکنم .
 مفذنون است که استعفا ی امیر مشارالیه پذیرفته
 شود .
 جنرال رو برس بوجوب دستور العمل وانی

می نمود خلاصه بدن هیچ روز کار میبردیم لیکن
 چیزیکه بر شهرت و برتری من در میان شبان
 افزود این بود که روزی کرسنه شیری بر روم
 ماحله کرد شبانان از بیجان کله راپله کرده
 بهررا گذاشتند باینکه جرم عصای شبانی حربه
 در مشت نداشتم بدرستی قدم پیش نهادم شیراز
 فرط تهور موهای سرخویش را مانند تیر راست
 کرده بمقایله من چنگ و دندان برآراست و دهان
 خود را باز نموده بال و دم برافراخت از دم آتشین
 و چشمکان خونینش دلوزهره آب و کباب می شد
 پس دلیرانه حمله آوردم و هیکل او را بلند کرده
 بر زمین زدم ختان کوتاهی که بنا بر عادت شبانان
 آسمان پوشیده بودم از شر چنگال شرم محفوظ
 داشت سه بارش بمخاله انداختم و سه بار برخواست
 و از صدای غرش و نعره اول زره برکوه و پیشه

افغان عاقبت بیرونی دستش بست کردم و بزور
 بازو کارش را برداخته برخاک هلاکش انداختم
 شبانان چون این شهادت و زبردستی را از من
 مشاهده کردند ابواب ستایش کشوده بر قوت
 بازوی من آفرینها خواندند و بنا بر پوزش و در
 خواست ایشان پوست آن شیر زین را برای خود
 خفتان دوختم و آوازه رشادت من و تغییر احوال
 و اوضاع صحرائشبان و شبانان که بواسطه تعلیقات
 من شده بود بر صفحات مسالک فرو بچید تا بعضی
 (سز و ستریس) رسید و فهمید که یکی از آن
 دواسیر که باسم اهالی (فیس) دستگیر شده
 بودند در صحرائ غیر مسکون باعث آبادی و ترویج
 صنایع و زراعت و تعلیم موسیقی گردیده پس
 مرا طلبید چه علم موسیقی و هر آن چیزی را که
 موجب تربیت فلوب می شود دوست داشتی چون

حضورش را دریافتیم از روی مهربانی به پیش
 باید شرم و خویشم خواند بسؤالانش جوابهای
 شایسته دادا کردم خندان مراد در نهایت حوصله
 و بشاشت سمع قبول اصفا فرمود و دانست که
 (منوفی) از روی بخل و طمع شاهد مدعاً را
 در نقاب حقا مستور داشته و مقدمه را بر خلاق
 صداقت در محضر ولی نعمت جلوه کر ساخته
 پس (منوفی) را بسزای تلاش بحسب ایندی
 انداخته در عذاب سمرندی تخلد ساخت و انان
 و مخالف او را که بتاحق جمع آورده و متصرف شده
 بود حکم ضبط فرموده چنین گفت زهی بدبختی
 که حکمرانی بدام تذویر مکارگان افتد و غداران
 دورش را فرا گیرند پیوسته بحقیقت امور پرده
 اشقیاء و دروغ کشیده برای منفعت خویش

LOTERIE.

لوتری

درفرنکتن اقسام لوتری و قرعه بخت کشیده میشود این روزها در شهر هامبورگ المان دوبار بیک لوتری نقدی تأسیس شده خواهش کرداند ما هم اعلان نمایم و تفصیل ذیل را از قول اعلان کننده می نویسیم .

لوتری

مبلغی که برای لوتری در شهر (هامبورگ) جمع شده است بر خصلت حکومت المان است در تقسیم بلیتهای آن و در حین کشیدن قرعه آن حکومت المان نظارت کرده در رسیدن مبلغی که باسم صاحب قرعه درمی آید کفالت دارد بدین واسطه بدیهی است که حبله و نقلی نمی شود مقدار بلیتهای (لوتری) که این بار قسمت خواهد شد نود و چهار هزار است که از جمله مقدار مذکور باسم چهل و نه هزار بلیت بطور مطلق قرعه بیرون خواهد آمد .

حصه بلیتهای نمره اول لوتری ۵۰۰۰۰۰ فرانک است یعنی تقریباً ۲۱۷۲۵۰ برای هفتای قرعه باقی نمره هفتم بقرار ذیل خواهد شد .

عدد بلیت	فرانک	میزان
۱	۳۱۲۵۰۰	۳۱۲۵۰۰
۱	۱۸۷۵۰۰	۱۸۷۵۰۰
۱	۱۲۵۰۰۰	۱۲۵۰۰۰
۱	۷۵۰۰۰	۷۵۰۰۰
۱	۶۲۵۰۰	۶۲۵۰۰
۲	۵۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰
۲	۳۲۵۰۰	۷۵۰۰۰
۵	۳۱۲۵۰	۱۵۶۲۵۰
۱	۲۵۰۰۰	۵۰۰۰۰
۱۲	۱۸۷۵۰	۲۲۵۰۰۰
۱	۱۵۰۰۰	۱۵۰۰۰
۲۲	۱۲۵۰۰	۳۰۰۰۰۰
۵	۱۰۰۰۰	۵۰۰۰۰
۲	۷۵۰۰	۱۵۰۰۰
۵۲	۶۲۵۰	۳۳۷۵۰۰
۶	۵۰۰۰	۳۰۰۰۰
۶۵	۳۷۵۰	۲۴۳۷۵۰
۲۱۳	۲۵۰۰	۵۳۲۵۰۰
۱۲	۱۸۷۵	۲۲۵۰۰
۲	۱۵۰۰	۳۰۰۰
۶۳۱	۱۲۵۰	۷۸۸۷۵۰
۷۳۳	۶۲۵	۴۸۳۱۲۵
۹۵۰	۳۷۵	۳۵۶۲۵۰
۱۰۰۰	۲۵۰	۲۵۰۰۰

هندوستان پاننامه خواننده در آن خبر از استعفای امیر یعقوب خان سخن گفته اظهار حسنه است که بجهت تحقیری که بیعت مسافرت انگلیس شده است از جانب دولت انگلیس مقررات که در کابل و سایر بلاد افغانستان قشون انگلیس قامت نماید . جنرال مشارالیه امرای افغانستان را برای نگاهداشتن امن و آسایش مملکت بفرستد و خواننده بهارش نموده است که اخلاق و عادات اهالی را همیشه رعایت خواهد شد . آنانکه بصدانگلیس حرکت کرده اند مؤرد مؤاخذه و تنبیه شده اداره امور افغانستان بطور قطعی پس از مذاکره با روسای مملکت معین خواهد شد .

اخبار نامه های اروپا بموجب خبرهایی که از پترمبورگ گرفته اند مینویسند . در فرانک روس جمعیت اختلالی تازه کی تشکیل یافته است . از جانب جمعیت مذکور اخبار نامه بنام (آرزوی اهالی) طبع و نشر شده است . در نسخه این اخبار نامه مذکور مقالاتی بسیار تحت پرده دولت روس نوشته بوده است .

اعلان

افا میرزا نادر حاکم که از اهالی شیراز و در صنعت حکاکی مهارت کاملی دارند و هر نوع خط را با کمال حسن شیوه و ترکیب روی هر قسم فلورسنگ از قبیل طلا و نقره و عتیق و هر نوع جواهر نقش نمایند و در هر شهر که بوده اند اشتهار تامی داشته و نیز برای سفر و دیوار رسیده حکومت و ولایات و کابری و رجال دولت امرهای مرثوب و خاتم و سایر اسباب زبوری حک و تزئین نموده اند بمبئی الیه چند ماه قبل از این بطور سیاحت بدر سعادت آمده در (بارمق قیو) در عسکانه خندان (بناماساریان) که نزدیک مقبره رشید پاشا مرحوم واقع است در طبقه دوم منزل گرفته هر روز از ساعت پنج الی ده در حجره خود مشغول بصنعت مذکور میباشد هر کس از ذوات محترم که کاری با ایشان داشته باشد بمحل مذکور تشریف بفرماید .

مبلغی که باسم صاحب قرعه درمی آید با اطلاع حکومت المان سکه زربلاتا خبر بصاحبش رسانیده خواهد شد . چون فروش بلیتهای مذکور در قیمت اصلی باحواله شده است لهذا بقیمت ذیل بطلبان آنها فروخته خواهد شد .

بلیت تمام

۲۲ فرانک

نصف بلیت

۱۱ فرانک

مبلغ مذکور با بانک نوت فرانسه و بانکیه بانکهای انگلیس و فرانسه و المان برات داده شود اجرت از جانب مشتری داده خواهد شد .

در حالتیکه اجرت بلیت فرستاده شده وجه بارسید بلیت آنرا که دارای آرهای دولت المان است بصاحبش فرستاده خواهد شد و همچنین نقشه پروگرام و بعد از کشیدن شدن قرعه جدول نمره های را که بیرون آمده است بمشتریها خواهیم فرستاد علاوه بر اینها نمره های را که در آمده است بواسطه روزنامه های اسلامبول نیز اعلان خواهیم کرد اهالی ممالک عثمانیه را که تا کنون در باره ما اظهار حسن توجه کرده اند تشکر کرده عرض میکنیم که بعد از این هم خدمتی را که در ایجاب بارجوع میکنند در اجرای آن اهتمام خواهیم کرد .

بجهت اینکه بیکت دن قرعه ها در هر ماه در تمام سال ۱۸۷۹ آغاز کرده خواهد شد باید بوسیله اولین سیارهای خود شاترا با مبلغ بکشند . کاغذهایی را که بخواهند فرستاد بدین عنوان باید فرستاده شود .

در شهر هامبورگ در شعبه مرکز اداره (لوتری) بایز نطال و شرکای او برسد .

Isonthal et Cie
(Allemagne) Hamburg

و نیز کاغذهایی را که بخواهند بفرستند باید بزمان فرانسه یا انگلیس یا المان یا ایتالی نوشته شود . کاغذی که از اسلامبول به هامبورگ فرستاده میشود در ظرف ۱۸۰ ساعت بخواهد رسید .

Sinec Bureau d'annonces Hamburg.

تعارف بدلات سالیانه

دارالساده اسلایمبول ۰۳ مجیدی سیم
دیگر عمالک خروسة عثمانیه ۷۵ قروش ساغ
عمالک خروسة ایران ۲۵ قران
عمالک هندوستان و بنادر ۱۵ روپی نقره
عمالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی
عمالک اروپا ۲۵ فرانک
اجرت پوست همه جایه مده اداره است .



مطلبه و اداره خانه اختر

در راسته باعالی است نمرة ۲۵
در کارهای متعلق بداره به آقا محمد طاهر
رجوع میشود .

اسامی و تکالیف کرام در عمالک دور و نزدیک
گاهی در صفحه آخرین نکاشته خواهد شد .
روز چهارشنبه ۴ ذی الحجه سنه ۱۲۹۶
۷ تشرین ثانی روی و ۱۹ نوامبر ۱۸۷۹

این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاسی و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه معنی می گوید . هفته یکبار طبع می شود . اوراق
و نوشتهجات سودمند را باستان می ببرد . در نوشتن کاغذهایی که از خارج میرسد اداره آزاد است . کاغذی را که نوشته نمی شود
صاحبش نباید استرداد بکند . کاغذهایی که پول پوست ندارد قبول نخواهد شد .

تکرارها

از لندن ۳ ذی الحجه اخبارنامه
(او بسرور) مینویسد . (موسوروس باشا)
سفیر دولت عثمانی بالورد سالبری بار دیگر ملاقات
کرده از اجرای اصلاحات بطور کامل خاطر جمعی
داده است . بنابر این کشیمای جنکی انگلیس را
که در زیر کومانداقی (هورنی) امیرالمودیر (مالطیه)
است دستور العمل داده شده است که از بیای خود
حرکت نکند .

از برلین ابضا (کراندوک الکسی)
ولیهد دولت روس درو ز طرف غرب به برلین وارد
شده است .

از (کولونیا) ابضا اخبارنامه
(کولونیا) در نسخه امروزی خود بوجوب
تکرارنامه که از برلین گرفته است میگوید .
بسیاری از قشون پیاده و سواره و توپچی دولت
روس در حدود شرقی المان جمع آوری می شود .
علاوه بر آن دولت روس در ساحل نهر (ویستول)
بنازه کی بساختن شش قلعه آغاز کرده است .

از لندن غره ذی الحجه اخبارنامه
(تانمس) معنی از مناسبات دولتین انگلیس و عثمانی
بمیان آورده میگوید . اگر دولت عثمانی بادولت
روس عقدانفی بکند در آنحال دولت انگلیس
از تمهداتی که بدولت عثمانی کرده است رهایی حاصل
خواهد نمود .

اخبارنامه (دابلی تلگراف) میگوید . چون

دولت روس پیوسته اردوهای خود را بکمال آماتی
میتواند داخل اناطولی نموده راه انگلیس را بسته
منافع اساسی انگلیس را که بمنزله مایه الحیات
اوست بمخاطره بیندازد . بنابر این هرگاه دولت
انگلیس اناطولی را از تجاوزات روس نگاهداری
نماید نه تنها بمنافع دولت عثمانی بل در حقیقت بمنافع
خود خدمت کرده است .

از لندن ابضا اخبارنامه (تانمس)
در نسخه امروزی خود میگوید . اینکه
میگویند کشیمای جنکی انگلیس را دستور العمل
داده شده است به سمت اهای شرق حرکت
نماید بطور قطعی بی اصل است . ولی کشیمای
مد کور را امر داده شده است که منصرف و آماده
امر حرکت باشند . نیز اخبارنامه مذکور
میگوید . اینکه شایع شده است که سیریلارد
از بیبهالی میخواهد که در اناطولی مامورهای انگلیسی
استخدام کرده شود نیز بی اصل است .

هرگاه دولت عثمانی در مقابل تکالیف
انگلیس که منافع آن در حقیقت بخود دولت مشارالها
راجع است اتفاق دولت روس را ترجیح بدهد سبب
آزاد نمیشوایم فهمید . هرگاه دولت مشارالها
بلاواسطه و زردبراه اصلاحاتی بباو نشان داده ایم
داخل بشود میتواند از دوستی مخاطرجمی
حاصل نماید که در آنحال دولت انگلیس را است
که دولت عثمانی را از گرفتار بهایی که دارد خلاص
نماید .

از پترسبورگ ابضا مطبوعات روس
از جمله اتهاماتی که بدولت انگلیس نسبت میدهند

یکی هم این است که میگویند از جانب حکومت
هند بفرمانهای نکه اسلحه تازه داده شده است .
علاوه بر آن برای اجرای حرکات عسکری بسیاری
از صاحب منصبان انگلیس با آنجا فرستاده شده
است . دؤناره وزارت جنگ روس بسیار تلاش
هست . اخبار نامهای روس وضع حاضر را
دهشتناک بچشم دیده اند . وات انگلیس را سرزنش
میکند که پیوسته منافع خود را منظور داشته
بیولیتیک خود سرانه رفتار میکنند . میگویند
بدرجه و ثواب رسیده است که در میان امپراتورهای
المان و روس بنام یکی ملاقاتی بوقوع خواهد
رسید .

از برلین ابضا (کونت شوالوف)
سفیر دولت روس مقیم لندن پیش از آنکه به پترسبورگ
عزیمت نماید بپاریس بشارک در برلین ملاقاتی
خواهد نمود .

از برلین ۲۹ ذی قعدة از جانب
دولت روس آمد و رفت و باورهای المان در قسمت
رودخانه (نیمن) که متعلق بدولت روس دارد
غدغن شده است . از جانب دولت المان نیز غدغن
شده است که در قسمت دیگر رودخانه مذکور
که در تصرف دولت المان است و باورهای روس
تردد نمایند .

از لندن ۲۸ ذی قعدة اخبارنامه
(مورینگ پست) میگوید . اینکه شایع شده
بود از جانب دولتین اوستریا و ایتالی بیبهالی نصیحت
داده شده است که تکالیف دولت انگلیس را
در خصوص اجرای اصلاحات بپذیرد بی اصل
است .

از لندن ایضا یک بسیاری از اخبارنامه‌های نجسا می‌گویند سردار اوب خان و زاهدات از جانب دولت انگلیس بامارت افغانستان معین خواهند شد . از فراری که روایت می‌شود خان مشارالیه باره دلائل در باب خیانت امر یعقوب خان اظهار نموده سردارهایی را که در زیر امر خودشان هستند و از جانب جنرال رونس برای مذاکره امور اداره افغانستان دعوت کرده شده اند خان مشارالیه سردارهای مومی الیهم را در باب رفتن بترد جنرال رونس تشویق کرده است .

داخلیه

جناب جلالت‌آب معین‌الملک سفیر کبیر دولت عنایه ایران روز یکشنبه گذشته از ساحلخانه بیلاق بنهر نقل مکان نموده اند .

روز دوشنبه گذشته جناب مستطاب سه پدپاشا رئیس انوکلا در سفارتخانه دولت عنایه ایران دیدن از جناب سفیر کبیر مشارالیه نموده اند .

جناب عقوب پاشا والی روم ایل شرقی چند روز پیشتر از راه آهن ادرنه وارد اسلامبول شده است . در نشای عبور پاشای مشارالیه در ادرنه با جناب رؤف پاشا والی ادرنه ملاقاتی نموده از جناب والی مشارالیه با احترامات لایسته پذیرایی شده است .

اخبارنامه (تراکی) می‌نویسد . ملت روم نیز که در بلغارستان هستند از نظر و بداد بلغاریان بستون آمده شکایتنامه در ایجاب بیابالی نوشته اند . از جناب بیابالی نیز در این خصوص بنامورد پوزیت امارت بلغارستان باره بیانات کرده شده است .

از جناب پرنس لا بانوف سفیر روس شب پنجشنبه گذشته در سفارتخانه دولت مشارالیه مهمانی بزرگی داده شده هیئت وکلای فحام و بعضی از مسفران نیز در مهمانی مذکور حضور داشته اند .

اخبارنامه می‌نویسند . جناب پرنس لا بانوف روز پنجشنبه آینده از اسلامبول بجناب پترسبوك عزیمت خواهد نمود .

سفیر مشارالیه روز دوشنبه گذشته بیابالی آمده با جناب مستطاب رئیس وکلا ملاقات نموده رسم وداع را بعمل آورده است .

فقرات ذیل در اخبارنامه (دمشق) نام که در شام طبع و نشر میشود دیده شده بطور خلاصه ترجمه آنرا در اینجا نقل نمودیم .

در موقع (بصراخریری) نام برای اینکه اهالی (حوران) قریه (دوبر) را که دشمن آنان بود در صدد قتل و غارت آنها برآمده بودند بقدر پنج و شش هزار نفر از قبائل (درزی) بکمک اهالی قریه مذکور رسیده گرم جنگ شده اند کومانندان عسکری فوراً از این خبر اطلاع حاصل کرده برای منع جنگ بکشته از عساکر شاهانه را با نجبا فرستاده قبائل درزی بمساکر شاهانه نیز تفنگ خالی کرده بمقابله پرداخته اند . بنابر این خود کومانندان دو باره بادودسته عساکر دیگر بمحل جنگ رسیده بقدر چهارده ساعت جنگ امتداد داشته در اشای زد و خورد بیست و یک نفر از عساکر و سه نفر از جاندارم متول و بقدر سی و یک نفر نیز مجروح شده از طرفی مقابل هم سه نفر از رؤسای قبیله مذکور با عساکر دیگر تلف شده است . چشم قبیله مذکوره از این جنگ بسیار ترسیده است .

هیئت کومیسیون جدید حدود یونان روز شنبه گذشته در دولتخانه جناب امین و دولت‌آب صفوت پاشا اجتماع نموده تا یک ساعت ونیم در آنجا نشستند تا مذاکرات و محادثات آنها

تاکنون از نتیجه مذاکرات اطلاعات درستی حاصل نشده است پس از آنکه اطلاع حاصل کردیم برای آگاهی همگنان کیفیت را بتفصیل خواهیم نوشت .

از جناب جناب سفیر کبیر ایران نائب دوم سفارت کبری نزد جناب عقوب پاشا والی روم ایل شرقی فرستاده شده رسم خوش آمدی بعمل آورده شده است .

اخبارنامه می‌نویسند . کشتیهای جنگی دولت فرانسه از لشکرگاه (پیره) حرکت کرده بکوارس وارد شده است . از آنجا نیز بلنکرگاه سلاویک عزیمت خواهد نمود .

از جناب وزارت جلیله عالیه برای رفع احتیاجات عاجله معادل پنجاه هزار لیرا از (میو نظری) که از مشاهیر بانکرها است بطور موقت استعراض کرده شده است . در خصوص مسئله مانیه که در میان بابعالی و بانکرها (یعنی صرافها) دره وقع مذاکره بود موافقت حاصل شده است . قرارداد مذکور از کور از جناب بانک عثمانی بمجلس اداره بانک مذکور که در لندن هست اطلاع داده شده جواب قبول از مجلس اداره مذکور بیساعت عثمانی رسیده است . بنابر این دیروز بانکرها بیابالی آمده قراقرطی این کار را مذاکره نموده اند . مظنون است که در مجلس مخصوص وکلا که امروز اجتماع خواهد کرد در ایجاب بطور قطعی قرارداد آید .

اخبارنامه (نایس) در خصوص حرکت کشتیهای جنگی انگلیس بسمت آبهای شرقی بیانات ذیل را می‌نویسد .

فقره حرکت کشتیهای جنگی انگلیس بسمت (اورله) و مخبرات آخری سربارده ایچی انگلیس را که بیانات مؤثره بیابالی اظهار کرده است دلیل اجرای احکام مقاله نامه انگلیس معتمدان دانست .

مترجمین بولینیک در بار انگلیس از پانزده ماه باینطرف است که مقاوله نامه مذکوررا استهزا نموده میگفتند که این مقاوله نامه از اول بهبودی و بی لزوم بود چنانکه خیلی وقت است مقاوله نامه مذکور متروک مانده است . اگرچه در مقابل آنها جواب داده میشد که اصلاحات عمده در حال عثمانی باید بتدریج اجرا کرده شود ولی آنان جواب مذکوررا اهمیتی نداده و تکی نمیکذاشتند . باعتقاد آنها مادامیکه احکام مقاوله نامه اجرا نمیشد بایستی احکام آن بمنزله کان لم یکن اینکاشته شود . حتی مدعی بودند بر اینکه وکلای دربار از مسئولیتی که در این باب بعهده ایشان وارد میآید خودشانرا کنار کشیده در حالتیکه باهالی اناطولی وعده اجرا شدن اصلاحات را داده بودند پس از تصرف نمودن قبریس بعهده خود وفانکردند . علاوه بر آن هیئت دربار در زیر ریاست (اورد بیکونسفید) هستند اسناد حیانت داده میگفتند هیئت مذکور پیوسته در کارها بیبک و متزذانه رفتار میکنند . ولی اعتراض کنندگان بعد از این هیئت دربار را خواهند دید که بولینیک متجاوزانه پیش گرفته است . در هر حال از جانب انگلیس در این باب بشتاب و تعجیل رفتار نشده است چون پس از جنگ باهالی از بسیاری مشغله حق داشت که در اجرای اصلاحات مدتی مهلت بخواهد بهمین مناسبت مدتی در این خصوص مهلت داده شده بود ولی بدفعات اظهار کرده شده است که این مهلت مدتی طویلی تمدید نتواند شد . این و در کبیر بار در باب اجرای اصلاحات دستور العمل داده شده است که بیانات مؤثره در نزد باهالی بکار ببرد بنابر این تدابیر دیگر را اکنون لزومی نیست . زیرا باهالی در مقابل بیانات مؤثره و بولینیک قطعی انگلیس باغای تمهیدات خود خواهد پرداخت . انگلیس در این باب افراط نموده مطالب غیر لائق تکلیف نمیکند بل باستناد بیک مقاوله نامه رسمی اجرای پاره موادی را میخواهد که خود باعث منفعت بسیار دولت عثمانی است . گذشته از این دولت انگلیس پیوسته اشکالاتی را که دولت عثمانی گرفتار شده است به پیش نظر اعتنا آورده بر مباشرت بامور اصلاحات بشتاب فوق العاده سخت گیری نکرده است . بدولت انگلیس تصورات باطله استیلا را اسناد نمیتوان داد همچوقت انگلیس میخواهد که امور اداره اناطولی را از دست

مأمورین عثمانی گرفته بانگلیسها بسپارد . مقصود انگلیس در مد نظر اروپا تنها عبارت از این است که تمهیدات رسمی بیک مقاوله نامه که از شانزده ماه باینطرف منعقد شده است اجرا کرده شود . هرگاه مقاوله نامه هم در میان نمیشد باز بنا بقواعد کلیه فن سیاسی در خصوص اجرای پاره مواد که موجب منافع عثمانی و انگلیس است جاداشت که در نزد باهالی از جانب انگلیس سخت گیری دوستانه بکار برده شود . فقرات سوء اداره و بی نظمی و شقاوت و سفالت که در آسیای عثمانی هست از جمله موادی است که بمنافع انگلیس هم بر میخورد چنانکه عثمانیها هم میدانند دولت روس بجهت مغلوبیتی که در جانب آسیای مابقی از جانب ترکها دیده است پوسته در صد این است که تلخکامی این مغلوبیت را از دماغ خود بیرون کرده تلافی آنرا بعمل بیاورد زیرا دولت مشارالیه امروز بیک دولت بزرگ آسیا معدوم می شود در اینحال منافع دولت عثمانی تنها با تفاق کردن بدولت انگلیس حاصل نمیشود بل لازم است که در آینده برای مقاومت کردن بدین قیدی خود از حالا باصلاح کارهای داخلی خود بپردازد . زیرا در صورتیکه در آسیای عثمانی اداره بانظم و قاعده گذاشته شود جای احترام و تیری از ممالک و سانس روس باقی نخواهد ماند . هرگاه وضع ناگوار سوء اداره چنانکه بارها بیان نموده صحائف خود ما را بنوشتن تفرعات آنها بر کرده ام برقرار بماند و انگلیس هم از اجرای احکام مقاوله نامه صرف نظر نماید چنان است که در واقع وسیله استفاده بیک دشمن همسایه که کار آگاه و مقتدر است شده است .

و نیز اصلاحاتی را که مقصود انگلیس است نمیتوان گفت در بالای افتد دار دولت عثمانی است زیرا تکالیف انگلیس که عبارت از تشکیل عساکر جاندارم در زیر ریاست بیک صاحب منصب اروپایی و ارتسابق و وضع مالیه و نظم امور عدلیه است که کارها بسرعت و عدالت انجام داده شود و عوم صاحب منصبان خصوصا صاحب منصبان اروپایی در ممالک خودشان بخاود و می داشته باشد که همگی تکالیف مذکور از جمله کارهایی است که خود دولت عثمانی لزوم اجرای آنها را تصدیق کرده است .

چنانکه طرح و تقسیم بده و مالیات بطور حقانیت و اجرا کردن کارها بانظم و عدالت

از اقتضای وقت اساسی هر دو است و امتداد است اجرای آنها . از اول کوره در قضاة اناطولی نیز موافق مناسبت است . هرگاه گفته شود که اجرای شرائط مقاوله نامه اضطراری است بولینیک است در جواب خواهد گفت اگرچه این قوه نایکدرجه صحیح است اما در حالتیکه دولت عثمانی اجرای اصلاحات موعوده را رد نماید آنوقت دولت انگلیس نیز تمامیت ملک عثمانی را در دست اناطولی در سنده نخواهد داشت .

مع ذلك در صورتیکه یکی از متعاهدین از اجرای عهد خود دوری نمی جوید میتواند در اجرای عهد طرفه مقابل را سخت گیری و اصرار نماید . بدین است که بانه اوله نامه هم تنها نخواهد یکی از مقاوله کنندگان فسخ و ابطال نمی شود در اینحال دولت انگلیس صلاحیت آنرا دارد که بموجب حقوق سیاسی بین الدول از دولت عثمانی اجرای احکام مقاوله نامه را بخواهد . دولت انگلیس بود که در حین نزدیک شدن روس باسلامبول پاره مشقت و خطر هزارا بر خود هموار نموده دولت عثمانی را از تسلط روس خلاصی داد . بداخله انگلیس دولت عثمانی از استقلال خود خاطر جمعی حاصل نمود . بنابر این جا دارد که تقوید انگلیس در اسلامبول اگرچه در خارج از احکام مقاوله نامه باشد گاهی جاری بشود . انگلیس را همچوقت متمم نمیتوان نمود که پاره افکار مضمره بر ضد دولت عثمانی دارد حال آنکه بموجب عهدنامه بر این دولت مشارالیه در زیر ضمانت دولت های اروپا است . فقره اصلاحات آسیای عثمانی و آمایش آنها از جمله مقاصد انگلیس است خاطر جمعی داریم که حصول این مقصد نیز رأسا بواسطه عثمانیها چنانکه بمنافع حاضره خللی وارد نیاید عمل آید . چون در این خصوص هم پاره اوقات راهنمایی انگلیس لازم است اینک دولت انگلیس بعاونت و راهنمایی کردن در این خصوص حاضر است .

مطالب مختلف مالک عثمانی منظر ایفای تمهیدات انگلیس هستند امیدواریم که وکلای عثمانی آگاه (نون باسوروس) یعنی (نیشوازم بکتیم) را که مخصوص مقام پامها است در این مواد نکوبند . خلاصه ما را خاطر جمعی حاصل است که باهالی در خصوص ایفای تمهیدات خود بموجب مقاوله نامه تدابیر لازمه را بکار ببرد .

کار روزگار

دولتین المان و اوستریا در میان - و دشمنان
اتفاق کرده قرار کارهایی را که در آید باید انجام
برسانند داده اند . و آنان آرام نشسته منتظر
آند که چون هنگام فرصت برسد تدابیر خود را
بکار برند .

از جمله دول معاهده که خارج این اتفاق
میباشد فرانسه و ایالتی است که کارهای داخلی خود
شان مشغول میباشند و به امور بولیتیک عمومی کمتر
مداخله میکنند و دولت آنها نیز با مفعول در میدان
بولیتیک افتاده و حرکاتشان مشوش و نامطمئن است
دولت لاتوی روس و انگلیس و عثمانی هستند .
مرا اینکه سارکاری المان و اوستریا روس را بهراس
افزاینده بودشکی نیست . حتی در ابتدای ظهور
خبر اتفاق دولتین مشارالیهما دولت روس برای
منفقی پیدا کردن کوشش بسیار نموده بخمال پاره
تدابیر افتاد . و از چند جا هم استخراج نمود .
بالاخره بایسب اینکه از طرفی روی موافقت ندید
و باعلت آنکه در مقابل اتحاد دولتین طرح
دیگری ریخت الحاصل شد نوعی که از آن خیال
افزاده ارکار تدبیر نمودن برضد دولتین مذکورین
دست گرفته نظر اهمیت را بجانب دیگر معضوف
داشت . و از اتفاق مذکور تغافل ورزیدن
گرفت .

هر قدر که دولت روس از نخست بجهت اتفاق
و اتحاد کردن المان و اوستریا خاطری از رده داشت
انگلیس بالعکس از آن هم آهنگی دولتین
دیگری حاصل کرده بود و حتی بصدد این
افتاده بایشان همداستانی کند . اما (براس
بستارک) به ایرانی روس و به بدگرمی انگلیس
اعتنائی نموده آنها باسجکام کار خویش پرداخت
و هیچ دلیلی بر چگونگی طرح نوزمین خود و از
مستعد و تدبیرین گاه نداشت .

این جهت روس و انگلیس نه توانستند
داخل بین اتفاق شوند و نه قادر گشتند که بخلاف
طرح و تدبیراتی جاری بیندیشند . بالاخره
نظر دولتین بر بسته دست پریشان مخالفت و رقابت
گرفتند .

از این جهت است که مدتی شد انگلیس
و اوستریا با اتفاق دولتین المان و اوستریا
در کمال استقامت آن در گذشته هر دو معضوف

بهمدیگر شده قانون محاصمت را ساز نمودند

شعله این عداوت و رقابت در میان روس
و انگلیس نخست از آسیای وسطی زبانه کشید .
در آن کشور هر یکی از این دو دولت سعی باغ
دارند که قوه لشکری خود را بحد امکان بیشتر
برانند و جهد تمام میکنند که مواقع مهمه را بیشتر
بمحیطه تصرف خویش در آورند .

این دو دولت خیلی شباهت بدو نفر عله
کار کردند که در مقابل یکدیگر رقابت کار میکنند
و گاه گاه برای وقوف یافتن از کار هم منصرف
حرکات همدیگر میباشند . مثلاً روس در عین
زدوخوردن با ترکمانان اصلاً از حرکات انگلیس
در افغانستان تغافل نمیورزد . بجهت اینکه
بداند آن دولت در باره آن مرز و بوم چه قصد
و نیت دارد و کار را بکجا رسانیده است و سوالها
از دولت مشارالیهما میکند . همچنین انگلیس
همیشه دیده دوخته است باینکه آیا روس بمر و
و هرات نزدیک شده است یا نه و وقت میکند که
درجه مداخله و مناسبت دولت روس را با افغانستان
بداند .

مناسبات و معاملات این دو دولت در آسیای
وسطی باین پایه است که عرض شد باوجود این
دولت روس در باره شرق بخمال بولیتیک دیگر
افتاده برضد اتفاق المان و اوستریا میخواهد
با انگلیس اتفاق حاصل کند اما دولت انگلیس
گذشته از این اتحاد از ترس اینکه مبادا روس
دولت عثمانی را بحدقه اتفاق خود در آورد بخمال
این است که بولیتیک دیگری بکار برند تا چنین
اتفاق صورت یابد .

امروز بمیدان احتمال است که در میان این
دو دولت اتحاد و اتفاق سر ببرد . بلکه احتمال
کلی می رود قبل از اینکه اتفاق المان و اوستریا
ثمری به بخشد نو بر عداوت دولت روس و انگلیس
ببازار بولیتیک در آید .

محاصمت این دو دولت باعث مخفی و مشکلات
دولت عثمانی خواهد شد چه مادامیکه این
معادلات بر سر آسیای وسطی باشد عثمانی بلانک
نی طرف خواهد ماند . اما در صورتیکه این عداوت
با اتفاق شرق انتقال نماید بی جانب بودن و مداخله
نکردن عثمانی غیر ممکن است و بناچار باینکی
از این دو دولت متفق خواهد شد . حال اینکه

با کدام یک از این دو دولت اتفاق اصلح است
در یافتن بسیار کار دشوار است . چونکه با هر کدام
اتفاق نماید ضررش از نفعش بیشتر خواهد
بود .

از برای دولت عثمانی بهترین است که
خدمت بمنسافع هیچ کدامشان نکرده در بند قاید
خود باشد . و خیر دولت مشارالیهما درین است که
احکام مهادت آنها که مبر کرده است و اصلاحاتی را که
بواسطه چندین فرامین وعد و تمهید نموده است
تماماً و کاملاً بجزی بدارد . چون کار از این قرار
بیش رفت دیگر نه انگلیس وسیله برای سخت
گیری پیدا خواهد کرد و نه روس بیدماغ خواهد
شد . بعد از اینکه امور داخله خود را انظم
داد اوقت با هر کدام از دولت که خواسته باشد
می تواند اتفاق کند . اما بعد با هر کدام دولت که
باتفاق در آید و با با هر کدام که مخالفت بوزرد البته
ضرر خواهد دید .

در نسخه چهارشنبه گذشته روزنامه ترجمان
افکار مقاله بعنوان ذیل بنظر رسید چون شای
از بولیتیک گذشته و حاکی از حال لاحق در بار
نازه بود بترجمه آن پرداختیم .

(خطای)
(حکمیکه بلا محاکمه میکنند)

هر دولتی که کارش بشواری کشید برای دفع
آن مخفی و خلاصی از آن ورطه در میان کار آگاهان
آن دولت ظهور بعضی افکار و تصور پاره تدابیر
امر است طبیعی .

و برای دانستن اینکه کدام یکی از این خیالات
و تدابیر خطاست و با کدام یک از آنها صواب است
محکی بهتر از زمان نیست .

بجهت آنکه چون یکی از این تدابیر متصوره
بکار برده شود و حسن نتیجه از آن ظاهر و خطر
مرفوع گردد اوقت صواب بودن آن مسلک
و خطا بودن سایر تصورات معلوم میشود .

از چهار پنج سال باین طرف یعنی از زمانی که
سه امپراتور (روس و المان و اوستریا) شروع
بملاقاتها نموده باینکه یکدیگر کرم گرفتند و بعد از محاربه
المان و فرانسه بخوبی ظاهر بود که دولت عثمانی

در عین مخاطره است . و در آن زمان از برای دولت مشارالیه لازم بود که در مقابل آن مخاطره تدبیری بیندیشد .

بر واضح بود که بمجرد اینکه وقعه (سدان) اتفاق افتاد حکم مآهده پاریس سست شد . و فی الفور دولت روس برای فتح نمودن بعضی از احکام عهدنامه درخواست . در آن وقت کسی نبود که جلوروس را بکبرد . و بعلمت آنکه در آن اوان شیرازه اتفاق دول فریبه که تا زمان متقابل روس را داشت کمبخته شده بود دولت مشارالیه هر چه خواست از پیش برد .

البته در آن هنگام از برای دولت عثمانی دانستن اینکه صبی و منفعتین غربی خود را کم کرده است کار مشکلی نبود . حتی بعضی دیپلوماتها (کار آگاهان) مانع ادرالک این مطلب بود که در آن آنها میل و توجهی بطرف المان پیدا کرده بودند .

لکن خطای این خیال واضح بود . چه در صورتیکه در میان دو دولت اتحاد منافع موجود باشد اتفاقان تقاضا میکنند . حال آنکه المان هم از شرق خیلی دور است و هم بقدر انگلیس و فرانسه . منافع تجار به ورعیت بسیاری در این کشور ندارد . لهذا محال بود که دولت المان برای خاطر ما بروس دست و کر بیان شود . علی الخصوص که در آن وقت با دولت فرانسه دشمنی داشت . و از هقل بعید بود که روس را هم با خود دشمن نموده در میان دو آتش جایگزیند .

حاجت بقیاس نیست زمان این مطلب را بدرجه بداهت رسانیده است که الوقت اتفاق مابا دولت المان هیچ ممکن نمیشد . بجهت آنکه چون در آن هنگام اکثر لئسلك انگلیس و فرانسه بهم خورده بود در هر صورت از اتفاق غربی هم برای مانع می تصور نبود .

دولت روس آن وقت یعنی بعد از جنگ (سدان) برای آنکه بداند آیا متعین غربی بمحافظه ماقیام خواهد کرد یا خیر بمجرد انقضای وقعه مذکوره فوراً بمقام تجار به برآمده دریافت که مانی الواقع بی بار و مدکار مانده ایم .

کار آگاهان در همین وقت خوب میتوانستند بفهمند که دولت عثمانی در لب چاه خطر ایستاده است . ولی افسوس که آن وقت تنها یک نفر دانشمند

که بحقیقت این خطری برده بود و سایر خلق بهات بی وقوفی از مطلب نفهمیدند که بغیر از طریق که آن شخص تصور نموده بود دیگر از برای مآراه سلامتی نمانده بود . و علی العیا آغاز نمودند بمخالفت کردن وان مسلکی را که آن شخص بجهت سلامت وطن پیش گرفته بود و جلور بعضی از مفاصل غربی به نمودند .

و حال آنکه چیزی را بلاشکاکه حکم نمودن درواز عقل و انصافی است و شکی نیست که همیشه خطای این گونه حکمها ظاهر شده و خواهد شد . چنانچه زمان (که معبار خطا و مواب هر حکمست) ثابت کرد که هر حکمیکه در باره آن شخص نمودند محض خطا بوده است .

معلوم و مسلم است که در شرق دو قسم منافع متباینه موجود است . یکی منافع دول غربیه و دیگری منافع مخصوصه دولت روس است . از هتکامیکه دولت عثمانی در سلك و نهای اروپا درآمده است منافع روس را در راه منافع دول غربیه فدا نموده است . اگر چه بعلمت مسلکی که دارد دولت عثمانی خیلی ضررهای بزرگ دیده است ولی از حیثیت و مصالح دوتهای غربی هم محروم نبوده است .

الحق بعد از آنکه معلوم شد که بنابه تبدل پولیتیک عمومی حیثیت دول غربیه مفقود شد باز در سلك قدیم خورماتدن و منافع چنان همسایه باقوتی را که خالی از خطر نیست فدای منافع بعضی بیگانگان که هیچ نفعی از آنها منصور نیست کردن دور از روید بصیرت و کار دانی بود .

بجز داینکه فرانسه مغلوب و اروپا از خط استقامت پولیتیک خود محروم و اتفاق دوتهای مغرب مختل گردید واجب شد که دولت عثمانی نیز سلك خود را تغییر دهد . چه در سلك قدیم باقی ماندن از برای این دولت داعی خطرهای بزرگ بود .

بعلمت آنکه باید مددیک رفیق مقهوری در مقابل یک همسایه قهاری رجز خواندن کم کار صعبی نیست .

در حقیقت با روس اتفاق نمودن و با دول غرب ساز نمودن هم مناسب منافع دولت عثمانی نبود . ولی در صورتیکه از دول غربیه چشم

امیدی نداشتیم و از روس هم تدبیر ناک بودیم منقضای مصالحت آن بود که بتابعه من (با دوستان مروت بادشمنان ما را) زمانی با دولت مشارالیه راه مدارا را پیش بگیریم .

همان شخص که عرض کردیم چون از این نکته واقف بود بخواست برای سلامت دولت آن روس ناموار را که تا آن زمان پیش گرفته بودند برها نموده یک پولیتیک معینل بکار برد که بی آنکه منافع اروپا را بنیان و فولاید همسایه توانا را بکلی فدا کرده باشد در دولت را بیشتر از همه چیز منظور داشته بود چاره صلاح کار خود مان را مضموم ندارد .

اما از یکطرف آن کسیکه باین احتیاج برخورد بود از طرف دیگر بعضی از بیگانگان که بدون ایفای خدمت و مساواتی محض از برای اینکه ما را تابع و صایای خود داشته باشند ناممرا تا یک درجه افواج کرده چنان وانمودند که سلك این شخص برخلاف منافع وطن است .

الحاصل وقتیکه مطالب روس بهر صده نظمو درآمده در جانب دو مابلی آغاز شورش شد برای مانوراه و بدین تکالیف وارده را قبول کردن و سلك معتدلی پیش گرفته مشه را خوابانیدن و در محافظه صلح و مساوت کوشیده چاره ترفیات سرریعه داخلیدرا التزام نمودن . و دیگری تکالیف را رد نمودن و از درخشونت درآمده متوکلا علی الله اعلان حرب نمودن بود .

آن شخص که عرض کردیم یعنی جانب محمود ندیم باشد از این دو طریق اولی را التزام نمودن میخواست چونکه بخوبی فهمیده بودند که سلامت دولت و ملت در آن طریق است و راه دیگر را پیش گرفتن باعث حرب بی دولت حسواهد شد .

حتی باش از آنکه کار بطلب تکالیف رسد چون میدانستند انجام امر با نجا مبر خواهد شد میخواستند همان سلك را پیش بیاورند . اگر آن وقت در این راه سلك میشد دولت تنها تکالیف بکدوات قبول کرده بود دیگر در مقابل جمع اروپا و با چنین مجبوریتی نمی ماند .

در احتیاج بعضی ظاهر بود که بزرگترین دشمن اروپای دولت روس نیز از آن ترانسه

مأمور مصر انکلیس بریزد اگر نگران اسلامبول
تاریف روس را از سوی خود دولت انسانی را
در قبول کردن انکلیس مذکور تسویق
کرد.

لیکن در آن هنگام تسلط جناب شیخ اندیم پاشا
اعتنا نداشت و در مقابل عموم اروپ در دست مسالمتی
و شمولی را مناسبت میدانستند. امروز معلوم
میشود که همان مثلث نه هموار ما را این حال ناگوار
انداخته است.

هنکامیکه روسان با اسلامبول بیعت شدند
مأمور از دول غربی که همه وقت خادم خاناتشان
بوده ایم ابدامداد و معاونت داشتیم.

بعد از امضای عهدنامه (ایستقنوس) با وجود
اینکه ممکن بود که بلاواسطه با روس عهدتانی
نموده افلا نصف حقوق را که بموجب آن عهدنامه
از دستمان درآمده بود دوباره برگردانیم باز چشم
ما را از طرف غرب برداشته سلامت خود را از آن
جناب منتظر بودیم.

مع هذا در کوشش برای این که دولتهای اروپا
بر ما نمودند بجای استفاده دوبلا ضرر رسانیدیم.

ولی چون این مطالب را بارها اظهار داشته
ایم الان حاجت بتکرار آنها نمی بینیم اما به بیان

در فریب ولی نعمت بگوشند همیشه خلوص ارادت
و صدق عقیدت آشکار کرده حرص و آز خود را
مخفی می دارند تا جلب منافع نمایند پس برای نفع
جزئی مباشر خیانت کلی می شوند لاجرم (سز
و ستریس) بساط عذوفت و مهر نانی افکنده
تجهیز سفاین جنگی و تهیه لوازم سپاه فرمان داد
نمرا به (اتاک) رساید در اسفلاص مادرم
(پنلوپ) و کوشمال خواستاران او و مدعیان
ملکت بدل جهند نمایند پس بجز (سز و ستریس)
بسیح سفر ساز کرده کنسرها را مهیا کردند جز اینکه
برگشتی نشینیم کاری نداشتیم و من از گردش روزگار
و دور چرخ کجمدار بحیرت اندر بودم و عبرت
میکرفتم که چگونه شخص را بیکبار از تخت سلطنت
برخه مسکنت رساند و از جاه مذلت و خاکساری
برگاه دولت و تاجداری رساند مشاهده این حالات

همین اکتفا می نمایم که جناب محمود ندیم پاشا چنانچه
کمان رده اند هوا خواه بر ایستگ روس نیست بل
خسرت کش منافع حقیقی وطن است و در آن
هنگام چون سلطنت در آن بود بد اجار
آن راه را پیش گرفتند و بجز آن دیگر راه سلامتی
نیود چنانچه حوادث زمان آنرا اثبات نمود.

والآن هم دولت از خطرهای بزرگ خلاص
نشده است و بلکه خطرهای بزرگتر را در پیش
دارد لهذا قویا امیدوار هستیم که جناب معظم البه
سدکیرا که باعث سلامت دولت باشد اختیار خواهند
فرمود. بعد از آنکه زینت بخش مسند جلیل
نظارت داخلی شدند روزیکه داخل هیئت تازه
و کلاکتند از خط ساینه که فرمودند میتوان
سدکیرا که این دفعه پیش گرفته اند فهمید مسلك
مخزنه ایشان عبارت از تمامی اجرای معاهدات
و اصلاحات است.

آیا کسانی هستند که معترض این مسلك هم
باشند؟ با اعتقاد ما باید باشند و چنانچه جناب
فخامت مآب رئیس و کلا (سعید پاشا) و سایر
و کلائی فحام در این اعتقاد و مسلك هستند انحص
آمال اصلاح حضرت قوی شوکت پادشاهی هم همین
است. انشاء الله امیدوار چنانچه که بسبب تمامی

غریبم از دیدار پدر امیدوار میکرد و با خود گفتیم
البته اکنون (ایس) نیز بر مفر سلطنت و سر بر
خلافت خویش رجعت فرموده و پس از مشقت
بسیار و زحمت بی شمار در بستر استراحت غنوده
و همچنین خیال وصال (مشور) را با آنکه
بحدود مجهول زنگبارش برده بودند در لوح خاطر
می نگاشتم در هنگامیکه سفر خویش را برای
تکشیف اخبارات (اتاک) و تحقیق احوالات
(ایس) و (پنلوپ) قدری بتعویق انداخته
بودم (سز و ستریس) داعی اجل را بیک
اجابت گفته بعثت پیری بناگاه بساط زندگانی را
گذاشته در گذشت مرگ ناگه آیدش بمهالك تازه
و شداید بی اندازه ام دچار نمود عموم رعایا و کافه
برایا افسان وزاری و فریاد و بیقراری آغاز کرده
از مصیبت مفارقتش تسلی نیافتند هر دودمانی

اجرای معاهدات و اصلاحات موهوده بآمین
استقبال دولت موفقیت حاصل خواهد شد.

چنانچه سسکی را بحرض آبی می اندزند
و ملامت و توجح حاصل میکند و بعد از غرق
و نابود شدن مسلك نامدنی موجهها باز باقی
مانند خیال کشتیهای جنگی فرستادن انکلیس هم
بمواجل عثمانی همان طور شد یعنی بعد از اینکه
انکلیس از این خیال گذشت گفتگو و تاثیر آن
هنوز در عالم سیاست باقیست.

علی الخصوص نسبت به روس بیشتر تاثیر بخشید
چنانچه کازنهای روس هنوز مشغول محاکمه این
خود نمایی انکلیس هستند و از بسک گفتار
اخبار نامهای روس مفهوم میشود که اگر
انکلیس از این خیالی که کرده بود نمیکذشت
یک مسئله مهم سیاسی تحت مینود بجهت آنکه
نه تمام دولت روس باین حرکت انکلیس مخالفتش
ظاهر است ولی دواتین المان و اوستریا هم این
حرکت را از نظر اهمیت دور نداشتند بدلیل اینکه
در همان هنگامیکه این خبر شایع شد دواتین
مذکورترین نیز بخیال این افتادند که چند فروند

سالار و مهتر و هر خاندانی پدر و یاور خویش را
مرده می پنداشت پیران تقوم سر بسوی آسمان
برداشته و دستها بدرگاه خدا افراشته مویه گنان
میکفتند که هرگز ممالک مصر این چنین پادشاه
عاقل و سلطان عادل ندیده و نخواهد دید بار خدا با
بایستی نعمت و حکومت او را بخلائق عطا نفرمایی
یا اکلیل شرف و تاجداری را هرگز از سرش
نربائی و سایه هدانش را از سر ما برنداری
یا روزگار ما را نیز در متسابعت او پایان آری
و جوانان آنکروه می گفتند که امید خیر از ممالک مصر
برخواست پدران ما را سعادت یار و نخت مددگار
بود که در ایام سلطنت و در سایه عاطفت چنین
پادشاه عادل زندگانی بسر بردند و ما وقتی بغیض
حضورش مشرف شدیم که از تعدل و داد و دست
راندش بهره نبرده ایم مفارقت و مصیبت هر کش

کنشی جنکی خود را به بحر سفید اعزام دارند .

بعضی از کازتم‌های وین میگویند واریسی کردن بکار اصلاحات آسیای صغری بانکلیس تنها راجع نیست بل همه دولت‌ها بیکه عهدنامه بر این‌ها مضمی داشته اند حق مداخله باین مطالب دارند و در این کار خود بخود مداخله نمودن بانکلیس را نمی پسندند و اظهار میدارند که جمیع دول اروپا باید دست‌یکی در این مطلب اقدام نمایند .

حال اینکه اجرای اصلاحات آسیای صغری با اقتضای معاهده مخصوصه بالغعلب راجع بدولتین بانکلیس و عثمانی است این مدهای کازتم‌های اوستریایی جاست و بغیر از دولت بانکلیس کسی حق مداخله فعلی با اصلاحات اناطولی ندارد حتی اخبارنامه‌های روس نیز در باب اینکه بانکلیس در آسیای صغری اجرای اصلاحات محتاج حرق ندارند بلکه بخیال فرستادن کشتیهای جنکی افتادن دولت مشارالیه را تفریح میکنند .

اگرچه بنا بمضمون تلگرافنامه که چند روز قبل از لندن ورود نموده بود دولت بانکلیس کشتیهای جنکی فرستادن را تأخیر انداخته برای

گرفتار آمدیم خاصانش شب و روز از ناله‌وزاری نیاسودندی و اهل مملکت چهل روز به عزیت و سوگواری نشسته و دیده از کره فرو نهستند در هنگامیکه بتدفین و تجهیزش پرداختند کافه انام از صغیر و کبیر و ازانات و ذکور بتشیع جنازه اش شنافته ازدحام کردند و برای دیدن نعش او در تلاش و اهتمام بودند بعضی روی او را بنظر دقت دیده در لوح خیال تصور میکردند و برخی میخواستند که باجسد او مدفون باشند چیزی بکندند و مصیبت آن قوم را زیاد میکرد این بود که پسر پادشاه (بوکور یز) از حلیه دانش هر یان و بر غربا نامهربان بود میل خاطر بترویج علوم و صنایع نگاشتی و از مردمان خردمند و برهیز کار بهره‌برداشتی غیرت و ناموس را بچیز نشمردی و بملهو و اغلب روزگار بستر بردی باید دولت و سلطنت

اجرای اصلاحات ده روز مهلت بدولت عثمانی داده است ولی از قرار آنکه فهمیده میشود بکلی از این خیال در گذشته است . مع هذا باید دانست دولت مشارالیه از خیال فرستادن کشتیهای جنکی صرف نظر کرده است نه اینکه از اجرای اصلاحات اناطولی گذشته باشد و نیز سبب فرستادن کشتیهای جنکی نامینا نیست که بجهت اجرای اصلاحات بوی داده شده است . لیکن اعتقاد ما این است که چون مسئله اصلاحات چیرنی نیست که موجب مداخله سایر دولتها شود در صورتیکه فرستادن کشتیهای جنکی موقوف شد این مسئله از بیسلس مسئله سیاسی بیرون رفته بصورت یک مسئله خصوصیه که مابین دولتین بانکلیس و عثمانی باشد خواهد درآمد .

جمیع تأثیرات سیاسی که در باره این مسئله روایت میکنند عبارت است از ملاحظاتی اخبارنامه‌ها و تأثیرات افکار عمومی و الا هنوز در میان دربار (هیئت وکلای دولت‌ها) در این باب محاربات رسمی جریان نکرده است و خبری که در باب بیان نامه فرستادن دولت المان بدولت بانکلیس شایع شده بود تکذیب نمیشاید . و تلگرافها نیز که از لندن رسیده است نیز شایعه‌ها که دولت بانکلیس در باب این مسئله بدولتهای بزرگ

بدرمایه عدم تربیت و نخوت پسر شده زیرا که بنابر و تیروری باز آمده و بچنگ حوادث روزگار نیفتاده بود وجود مردم را عدم انگاشتی و مرایشان را در میزان فلز و وزنی نگذاشتی و خود را باعث ایجاد خلق پنداشتی از غایت غرور خود را از سنج مردم و جنس رعیت خارج دانستی و خیالی جز اینکه بیروی نفس کند و در پی هوا هوس باشد نداشتی و کج و خراشتی را که آباء سلفش برنج بسایرانندوخته بودند با آتش تلف سسوخنی دشمن جان آزادگان بودی و بیوسسته خون بچارگان مکبیدی بند پیران عاقل گسته و دل بکفتار جوانان جاهل بسته بودی مردان کار آزموده و خردمندان روزگار دیده‌ها که حامل امرای بد بودند از اشرف شهردی و از ایشان کناره گرفتاری تجریم خدای را نه پادشاه و پستار بلکه غول آدمی بود و جمیع

بانتها فرصت‌سنده است بی اصل و بی اساس میشمارند .

انکلیسها چنانچه معلوم میشود در افغانستان جاگیر میشوند . جزرال رویتس بموجب دستور العملی که از فرمانفرمانی هند و از دربار لندن گرفته است زما رقی و فقی امور افغانستان را بدست گرفته خوش بنفسه و سفول حکومت آن کشور است .

و از جانب دیگر بهمانه اینکه بعقوب خان در کیفیت شورش و قتل اجزای سفارت انکلیس ذی دخل بوده است فرار داده شده است که مشارالیه بعنوان مقصد دولتی برای توقیف بکلکته فرستاده شود .

اگر چه منصوب شدن و یا نشدن پسر بهجانه امیر یعقوب خان بامیری هنوز معلوم نیست و بطور محبوس فرستاده شدن امیر مشارالیه به هندوستان دلالت این را میکند که افغانستان مانند بقی از ولایات انکلیس محسوب خواهد شد .

والآن سکوئیکه روس درباره این حرکت انکلیس دارد بجهت آن است که هنوز از آن موقع خبری نداشت .

طوائف ملک مصر از ظلم و جورش بسنوه آمده ولی بواسطه نامیک (سزوستیس) که مقبول خاص و عام بود دل بکمال بارشش نهاده بودند در محبت بدر چشم از اطوار بستند و آزار و کزند بمر بسته صابر و شکبیا نشسته بودند لیکن بچاره از نادانی پاد از راه ندانستی و در تاهی خویش گوشه‌بندی شاهرا دادند بدین پایه و جاهل و از کار مملکت غافل باشند البتة سر او را بر سر سلطنت و در خوردیم خلافت نیست در اندک زمانی بسطاط حکومتش بچیده شده و دانش آنی دوام و ثبات نخواهد داشت لاجرم همت او در سفر من مساعدت کرد و در برخی که در اردر برای (پیلوس) واقع شده بود منزل و از آنجا عزم رحیل و دانشی کشتی داشت .

LOTERIE.

لوتری

در فرزندگستان اقسام لوتری و فرعه بخت کشیده میشود این روزها در شهر هامبورگ المان دوباره یک لوتری تقدی تأسیس شده خواهش کرده اند ما هم اعلان نمایم و تفصیل ذیل را از قول اعلان کننده می نویسم .

لوتری -

مبلغی که برای لوتری در شهر (هامبورگ) جمع شده است بر خصت حکومت المان است در تقسیم بلیتهای آن و در حین کشیدن قرعه آن حکومت المان نظارت کرده در رسانیدن مبلغی که باسم صاحب فرعه در می آید کفالت دارد بدین واسطه بدیهی است که حبله و قلابی نمی شود مقدار بلیتهای (لوتری) که این بار قسمت خواهد شد نود و چهار هزار است که از جمله مقدار مذکور باسم چهل و نه هزار بلیت بطور مطلق قرعه بیرون خواهد آمد .

حصه بلیتهای نمره اول لوتری ۵۰۰۰۰۰ فرانک است یعنی تقریباً ۲۱۷۴۵۰ فرانک برای عثمانی قرعه باقی نمره هفتم بقرار ذیل خواهد شد .

عدد بلیت	فرانک	میزان
۱	۳۱۲۵۰۰	۳۱۲۵۰۰ -
۱	۱۸۷۵۰۰	۱۸۷۵۰۰ -
۱	۱۲۵۰۰۰	۱۲۵۰۰۰ -
۱	۷۵۰۰۰	۷۵۰۰۰ -
۱	۶۲۵۰۰	۶۲۵۰۰ -
۲	۵۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰ -
۲	۳۷۵۰۰	۷۵۰۰۰ -
۵	۳۱۲۵۰	۱۵۶۲۵۰ -
۱	۲۵۰۰۰	۵۰۰۰۰ -
۱۲	۱۸۷۵۰	۲۲۵۰۰۰ -
۱	۱۵۰۰۰	۱۵۰۰۰ -
۲۴	۱۲۵۰۰	۳۰۰۰۰۰ -
۵	۱۰۰۰۰	۵۰۰۰۰ -
۲	۷۵۰۰	۱۵۰۰۰ -
۵۲	۶۲۵۰	۳۲۷۵۰۰ -
۶	۵۰۰۰	۳۰۰۰۰ -
۶۵	۳۷۵۰	۲۴۳۷۵۰ -
۲۱۳	۲۵۰۰	۵۳۲۵۰۰ -
۱۲	۱۸۷۵	۲۲۵۰۰ -
۲	۱۵۰۰	۳۰۰۰ -
۶۳۱	۱۲۵۰	۷۸۸۷۵۰ -
۷۳۳	۶۲۵	۴۸۳۱۲۵۰ -
۹۵۰	۳۷۵	۳۵۶۲۵۰ -
و غیره و غیره	جمعا	۱۹۰۰۰

اگر امر روز سوارت روس در مقابل این روش انکلیس حریفی برسد در تیر و اجراء دول مقدر خواهد شد نه تنها تا آنکه کامیاب گردد بلکه هرگز متصرف نشده است در این باب نخواهد نگرید .

(توجه افکار)

اخبار نامه (تایس) بوجوب کاغذی در لوتری هامبورگ گرفتار است میگوید . هنوز است که اخبار نامه ای روس از مغلوب شدن قشون روس از جانب ترکمان تا که اطلاع حاصل میگردد . اخبار نامه (کلوس) بوجوب کاغذی که از (بورما) گرفته است مغلوبیت قشون روس را تصدیق میکند . از جمله فقرات کاغذ مذکور را پس از آنکه از نظر صاحب منصبان عسکری روس گذشته بصوری تصحیح کرده شده است که موافق مذاق اهالی روس باشد با همه اینها معلوم می شود که روسها خیلی مغرور و مجروح و سیر داده و کمالات بی نظمی مغلوب شده پس نشسته اند .

اعلان

افا میرزا اندر حکاک که از اهالی شیراز و در صنعت حکاکی مهارت کاملی دارند و هر نوع خط را با کمال حسن شیوه و ترکیب بروی هر قسم فلز و سنگ از قبیل طلا و نقره و عقیق و هر نوع چوب و اهر نقش میکنند و در هر شهر که بوده اند انتظام تمامی داشته و از برای سفرا و دواب رحیمیه حکومت و ولایات و کار و رجالی دولت مهرهای مرغوب و خاتم و سایر اسباب زیوری حک و تزئین کرده اند و می ایستد چند ماه قبل از این بطور سیاحت بدروسادت آمده در (پارمق قیو) در عکاکه خانه (بفاسار بان) که نزدیک مقبره رشید پاشا مرحوم واقع است در طبقه دوم منزل گرفته هر روز از ساعت پنج الی ده در حجره خود مشغول بصنعت مذکور میباشد هر کس از ذوات محترم که کاری با ایشان داشته باشد بعمل مذکور تشریف بفرماید .

مبلغی که باسم صاحب فرعه در می آید با اطلاع حکومت المان سکه زر بلا تاخیر بصاحبش رسانیده خواهد شد . چون فروش بلیتهای مذکور در قیمت اصلی با حواله شده است لهذا بقیت ذیل بطلبان آنها فروخته خواهد شد .

بلیت تمام

۲۴ فرانک

نصف بلیت

۱۱٫۲۵ فرانک

مبلغ مذکور یا بابت نوت فرانسه و یا اینکه یا از کتایب انکلیس و فرانسه و المان برات داده شود اجرت از جانب مشتری داده خواهد شد .

در حالتیکه اجرت بلیت فرستاده شده وجه بارسید بلیت آن را که دارای آرهای دولت المان است بصاحبش فرستاده خواهد شد و همچنین نقشه پروگرام و بعد از کشیدن شدن قرعه جدول نمره های را که بیرون آمده است بمشترکها خواهیم فرستاد علاوه بر این نمره های را که در آمده است بواسطه روزنامه های اسلامبول نیز اعلان خواهیم کرد اهالی ممالک عثمانیه را که تا کنون در باره ما اظهار حسن توجه کرده اند تشکر کرده مرض میکنیم که بعد از این هم خدمتی را که در این باب بمار جوع میکنند در اجرای آن اهتمام خواهیم کرد .

بجهت اینکه بکشیدن قرعه ها در دهم ماه دی ماه سال ۱۸۷۹ آغاز کرده خواهد شد باید بوسیله اولین سپارشهای خودشانرا با مبلغ بکشند . کاغذهایی را که بخواهند فرستاد بدین عنوان باید فرستاده شود .

در شهر هامبورگ در شعبه مرکز اداره (لوتری) بایرنتال و شرکای او برسد .

Isenthal et Cie
(Allemagne) Hamburg

و نیز کاغذهایی را که بجا میفرستند باید بزبان فرانسه یا انکلیس یا المان یا ایتالی نوشته شود . کاغذی که از اسلامبول به هامبورگ فرستاده میشود در ظرف ۱۸۰ ساعت بجا خواهد رسید .

Siège Bureau d'annonces Hamburg.

مطلبه و اداره خانه اختر

در راسته باغالی است نمره ۲۵ در کارهای متعلق بداره به آقا محمد طاهر رجوع میشود

اسامی و تلای کرام در ممالک دور و نزدیک گاهی در صفت آخرین نکاشته خواهد شد روز صالی ۱۱ ذی الحجه سنه ۱۲۹۶ ۱۳ تشرین ثانی رومی و ۲۵ نوامبر ۱۸۷۹



تعمیر بدلات سالیانه

دارالساده السلیمانول ۰۳ بجیدی سیم
دیگر ممالک عروسه عثمانیه ۷۵ فروش صاع
ممالک عروسه ایران ۲۵ فران
ممالک هندوستان و بنادر ۱۵ رومی نقره
ممالک روس و قفقاز ۱۵ رومل کاغذی
ممالک اروپا ۲۵ فرانک
اجرت پوست همه جایمده اداره است

این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاسیات و بولتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن می گوید . هفته یکبار طبع می شود . اوراق
و نوشتهجات سودمند را بامتان می پذیرد . دینوشتن کاغذهایی که از خارج می رسد اداره آزانت است . کاغذی را که نوشته نمی شود
صاحبش نباید اسبزداد بکند . کاغذهایی که پول پوست ندارد قبول نخواهد شد .

تبریک عید

دیروز روز سه شنبه ۱ ذی حجه الحرام روز سعید عید اضحی بود و این عید مبارک از اعیاد بزرگ مات حنیف اسلام است خداوند طالبان این عید معظم را بعموم اسلامیان فرخنده و مبارک گرداند .

بناسبت عید شریف از جناب حکومت مستبده بطور رسمی بیان شده است که چهار روز همه دولتدوانی تعطیل کرده شود یعنی روز شنبه آینده دوازده حکومتی باز خواهد شد .

تنگر اچھا

از لندن ۷ ذی حجه اخبارنامه (تایمس) در نسخه امر روزی در مقاله مخصوصی در باب اصلاحات که باغالی اقدام باجری آن نموده است میگوید اگر چه رفتار هیئت حاضر وکلای عثمانی در نزد دولت انگلیس جالب منوینت است معذک لازم است که (سیر هزی لیارد) بموجب مناسباتی که در میان دولتین عثمانی و انگلیس هست فقره اجرای اصلاحات را بطور قطعی بیان نماید .

از برلین ایضا اینکه شایع شده بود دولت المان میخواهد بر مقدار قوت عسکری خود بیفزاید بطور رسمی تکذیب کرده شد .

از لندن ایضا (لورد لیسون) والی

هندوستان بواسطه تلگرافی خبر داده که بناسبت ناخوشی و تلف شدن نفرات در جنگ تیب دهم عساکر (هوسار) بقدمت محافظه مملکت کافی نیست . مع ذلک نظر وضع حاضر هندوستان فرستادن تیب دیگری را از لندن نیز لزومی دیده نمی شود .

از پترزبورگ ایضا اخبارنامه های روس می نویسند . برای تلف شدن شترهای بسیار که واسطه نقلیات آذوقه و لوازمات عسکری اردوی روس در آسیای میانی بودند و سائط نقلیه اردوی مذکور غیر کافی است . بنابراین از جناب دولت روس مقرر بوده است که در عرض مسافت بسیار دوری راه تراموای (نوعی از راههای آبی بسیار بزرگی است) ساخته شود .

از بروکسل ایضا اخبارنامه (ژورنال دو بروکسل) بطور موثق میگوید یکی از احکام معاهده اتحاقی دولتین المان و اوستریا این است که هرگاه دولتی از خارج بروی یکی از دولت های مشار البهم هجوم نماید آن دیگری نیز ناچار است که مداخله دولت دیگری را منع نماید .

از اسکندریه ایضا بناسبت حرکت حاضر حکومت حبش درباره مصر دولت انگلیس کشتی جنگی (سی غول) نام خود را برای نگاهداری بیمه و رهیت خود به (مصروع) فرستاده است .

از برلین ایضا پرنس بسمارک در ملاقاتی که با (کونتسن والیه) سفیر فرانسه نموده است

فقره مقاله نامه اتحاقی را که در میان دولتین المان و اوستریا منعقد شده است بفرجه سارالیه اظهار داشته است که از احکام مقاله نامه مذکور چیزی نیست که ببولتیک دولت فرانسه برخورد . علاوه بر این در مقاله نامه مذکور طرفین ضامن تمامی ملکیت بکلیت نیستند .

از پاریس ایضا دو روز است در جزایر حریقهای بسیار بزرگ بوقوع می رسد .

از لندن ۵ ذی حجه همه اخبارنامه های امر روزی قرارداد باغالی را که میخواهد (باکر باشا) را برای ماهوریت عده بجانب اناتولی بفرستد تعیین نموده میگوید از آثار قرارداد مذکور بدورتوان نمود که برای اجرای اصلاحات در ممالک عثمانی خطوه مهمی پیش گذاشته شده است . اخبارنامه (تایمس) سخن از این فقره بیان آورده است میگوید (حق داریم باور نماییم) که دولت روس از احداث اشکالات صرف نظر نموده باغالی بطور نصیحت اظهار داشته است که بطور قطعی اجرای اصلاحات در اناتولی لازم است .

از پترزبورگ ایضا اینکه شایع شده بود از جناب دولت روس بمسکوه های صرب و قرقطاغ و رومانیای و بلغارستان نصیحت داده شده است که باهم عقد اتحاقی نمایند بی اصل است . اخبارنامه های که خواخواه و کلاهستند شایعه مذکور را تکذیب نموده اند .

از پترزبورگ ایضا اعلا حضرت امپراتور به برلین خواهند رفت . تا

ماه کانون اول فرنگی در ایوادی اقامت خواهند نمود .

✦ از برلین ۴ ذی حجه ✦ وایه مد دولت روس امروز طرف شام به راهی زن خودشان از برلین بجانب پترسبورگ حرکت کردند . رسم وداع و مشابهت بطو دوستانه بود .

✦ از پاریس ایضا ✦ اخبارنامه (پرس) میگوید بدبجرد کشاده شدن مجلس معونان درباره اتفاق دوشین المان و اوستریا در مجلس مذکور سوالی شده درایجاب ایضاحات کافی خواسته خواهد شد .

✦ از روم ایضا ✦ هیئت وکلای کدرز بر ریاست (کونت کارولی) بودند از اموریث خودشان استعفا نمودند .

✦ از پترسبورگ ایضا ✦ اخبارنامه های روس برضد انکلیسها مقاله های تهدید آمیز می نویسند . کناره جوی کونت شوالوف را از سفارت لندن برای اینکه مشارالیه میخواست مؤلف افکار در میان دولین مذکور تین بشود عین صواب میدانند .

✦ از لندن ۶ ذی حجه ✦ در قطعه ابراند بنسبت کمی آذوقه جمعیتی از صاحبان زراعت برای مذاکره منعقد شده است . در بسیاری از اجتماع این جمعیت برای تمدن بده و مالیات را که لازم است بصاحبان ملک داده شود گفتگوها بیان آمد . دیروز در اجتماع این جمعیت سخنهای فساد آمیز بسیار گفته شده است . چنانکه اهالی ابراندرا با آشکاری سپارش نموده اند که برضد انکلیسها برخوانند از تبعیت انکلیس رهایی جویند بنابراین سه نفر از پیش قدمهای جمعیت مذکور از جانب حکومت گرفتار و محبوس شده است .

✦ از پترسبورگ ایضا ✦ پاره از اخبارنامه های پترسبورگ میگویند . دولت روس را لازم است مسلک دواتهای اروپا که در باب اصلاحات شرق پیش گرفته اند تصدیق نماید . اخبارنامه (مسکوه) مینویسد اینکه شایع شده است که حرکت قشون روس برضد ترکمان تا ورود فصل بهار آینده تاخیر افتاده است بی اصل است بلکه بجز رسیدن عساکر امدادی و تمین و تأمین راه مراسلات

و مخبرات باز برضد آنان حرکت خواهد شد .

✦ از لندن ایضا ✦ اخبارنامه (دابی

تلگراف) بموجب خبر تلگرافی که از هندوستان گرفته است میگوید . در محل (کیوزنی) نام شورش ظاهر شده است . در افغانستان نیز مظنون بوده است که برضد انکلیسها یک جنگ مقدس دینی (یعنی جهاد) اعلان کرده شود .

داخلیه

جناب صوا پاشا وزیر خارجه روز جمعه گذشته جناب علقو پاشا والی روم ایلی شرقی را باز دید کرده است .

جناب سعادتآب عبدالنافع افندی متصرف سابق مصوره العزیز و الیکری ولایت موصل معین شده است .

از قراریکه روایت میکنند از جانب باب والای سرعسکری بموجب تذیقات نظامی مقرر شده است که بعد از این هر صنف تبعه دولت علیه عثمانی خواه مسلم و خواه غیر مسلم چنانکه لازم است باید بیست سال در خدمات عسکری مستخدم باشند . نیز قرارداد شده است که مدت خدمت صنف عساکر پیاده در حالتیکه در زیر سلاح باشد بدو سال و سواره هم به سال پایین آورده شود .

(ترجمان حقیقت)

چند روز پیشتر شایع شد یک کشتی حجاج در بحرا حرق شده تحقیق پیوست که دروغ است .

بموجب خبرهای تلگرافی که اداره خاتهای روزنامه های (وقت) و (ترجمان حقیقت)

از مرعش بامضای چند نفر از مشاهیر اهالی آنجا رسیده است مسئله زیتون بکلی انجام یافته امن و آسایش بدرجه کمال بوده است . اهالی آنسمان نیز از حسن رفتار و کارآگاهی جناب سعید پاشای والی ممنون و متشکر بوده اند .

پرنس لوبانوف سفیر روس روز پنجشنبه گذشته از اسلامبول بجانب پترسبورگ حرکت کرده است .

(کونت هاجفلد) سفیر دولت المان روز جمعه گذشته برخصت دولت متبوعه خود از اسلامبول بجانب برلین عزیمت نموده است .

روزشنبه گذشته جناب (موسیو فورینه) سفیر فرانسه بسفارتخانه دولت علیه ایران آمده از جناب سفیر کبیر ایران دیدن نموده اند .

دولت علیه عثمانیه بقدر استطاعت مالیه خود درصدد این است که بطور قطعی تفاسیط قرضهای منظم خود را جایجا نماید . بنابراین برای حصول این مقصد قرار داد ذیل از جانب بابعالی داده شده است .

(ماده اول) از ابتدای ماه کانون ثانی رومی سال ۱۸۸۰ میلادی از جانب دولت علیه برای دادن تفاسیط عمومی سندهای داخلی و خارجی سالانه یک میلیون و سیصد و پنجاه هزار لیرای عثمانی تخصیص شده است .

(ماده دوم) تخصیصات مذکوره موافق اعتبار قیمت سندات قرضها بدو قسط یعنی در هر ششماه یکبار برای دادن فائض قرضها مقرر شده تا دیه قسطاول فائضها در روز اول ماه محوز رومی سال ۱۸۸۰ میلادی واقع خواهد شد .

(ماده سوم) همین تخصیصات که جمعا یک میلیون و سیصد و پنجاه هزار لیرای عثمانی است بعد از وضع یک میلیون و یک هزار لیرای عثمانی

بالجمله امیدواریم که حضرت اشرف والا ولیعهد همین عرایض ساده و بی غرضانه را بنظر دقت ملحوظ فرموده آگاه از حالات کار گذاران جزو باشند زیرا بنامیشود که یک کرم کوچکی درخت بسیار بزرگ بار و ریزا برود از پامباندازد این گونه اشخاص مضر در دوا و بزرگان و خا نواده سلطنت و حکومت نباید راه داشته باشند که آبروی ملک و مملکت را فدای مشافعی شخصیه خودشان کنند .

امیدواری اهل آذربایجان یافت حضرت والا ولیعهد است حضرت ولیعهد باطبقات مردم معاشر نیستند و مردمان آگاه بی غرض هم در صورتی که در میان کار اشخاص فساد پیشه باشند بطور آزادی عرایض خودشان را در آن حضرت نمیتوانند رسانید چه ممکن است که بیم و اندیشه داشته باشند که شاید ارباب غرض آنانرا منعم کنند و نیکی نیت جناب امین لشکر از همین بیان نامه که دیلامینو یسم معاوم است لکن ایشانراست که باز بکمال ثبات و استقامت آنچه میداند بعرض حضرت والا برسانند و اجرای آنرا مستحکم کنند و قطعاً حضرت والا از قبول آنچه موافق صلاح ملک و مملکت است خودداری نمیفرمایند و رعایت خواطر اشخاص چند را مقدم بر کلیه کار و ناموس ملک و مملکت نمی شمارند خصوصاً که نتیجه چاره رایج بشخص مبارک والا است ادام الله تعالی اقباله و اقتداره .

بیاننامه ایست که در ایام ورود حضرت اشرف ارفع والا ولیعهد دولت ابداً آیت ایران بشهر تبریز از جانب جناب امین لشکر انتشار داده شده است

صورت بیاننامه

بر عوم اهالی مملکت آذربایجان پوشیده نیست که در سنوات پیش مسئولیت امور و انتظام کشور و لشکر مملکت آذربایجان بمهمیده بکنفر وزیر و پیشکاری که از دار الخلافه مأمور بود دعوت میشد بدین ملاحظه شخص اشرف حضرت والا ولیعهد از زحمت تحمل کارهای مملکتی آسوده بودند فقط در امور کلیه و جزئیه صوابدید و عرض و تصدیق ورد و قبول دیگری را اسباب انتظام مملکت و آسایش مردم و وصول مالیات و نظم قشون و غیره را تحمل اعتنا میدانستند عدم اعتنا و مداخله و استحضار خاطر مبارک حضرت مستطاب والا در امور باقتضای وضع مملکت و اهالی

باره معایب در مملکت و مایوسی نوکر و رعیت را موجب بود تا در این سال نوشتن تیل که بخاکبای اعلا حضرت پادشاهی مشرف شدند مکتوبات خاطر و خیالات مفیده و استعداد قطری که در این مدت در کارهای آذربایجان و شناسائی اهل مملکت و شرایط انتظام کلیه امور در ذات اشرف حضرت ارفع والا روحی فداه ملاحظه و استنباط فرمودند اراده ملوکانه چنان مقتضی شد که بعد از این حضرت والا ولیعهد خود را از کلیه کارها بیگانه و بی اطلاع ندانند و پسندیده ندانند در کار مملکت آذربایجان که حقیقتاً خانه واقعی دولت و محل اجرای خیالات بزرگ سلطنتی و دارای ثبته قشون ظفر نمون و مسکن چاکران خدمت گذار دولت علیه و طبقات علمای اعلام کثر الله تعالی امثالهم بوده و میباشد مراقبت مخصوص فرمایند حضرت والا هم تحمل زحمت را بنفس نفیس در حضور مرحمت ظهور همایون تقبل فرمودند و اینجانب را هم که چندین سال در خانه زادی دولت و چاکری آستان مبارک خودشان تربیت یافته بود و حسن ظن مردم این مملکت را نسبت با اینجانب میدانستند بصوابدید جناب مستطاب اشرف افخم سپهسالار اعظم دام اقباله برای خدمت و پیشکاری مملکت و چاکری خودشان منتخب و مقدر و در التزام رکاب مبارک با آذربایجان آوردند . بدیهی است اهالی آذربایجان هم بملاحظه حق شناسی دولت که با عن جد در نهاد آنها منظور است و از بابت صدق ارادت و شوقی که بوجود مسعود و الادارند در این اقدام عینت فرجام و نیت ملک حضرت اشرف والا در اصلاح امور کلیه مهمام مملکت کمال تشکر خواهند داشت و اینجانب هم که با عقیده صافی برای چاکری حضرت والا در اصلاح امور کلیه مهمام مملکت و انجام خدمات محوله آمده است امیدوار است در هر ایض صادقانه و اهتمام در امور غفلت نکنند و کار گذاران حضرت والا نیز در حالتی که بصرافت طبع مبارک تصدیق مأموریت اینجانب را در چاکری خودشان فرموده اند لازمه تقویت و رعایت حدود این خدمت شده و منصب بلند را خواهند فرمود که انشاء الله تعالی عما قریب با همدمی سایر اجزای خدمت این مملکت اسباب نیکنامی در خاکبای اقدس همایون شاهنشاهی حاصل و تمام امور مملکت منظم گردد و حسن ظنی که اهالی آذربایجان بصدق نیت اینجانب دارند باقی و در تریب باشد و برای مزید امیدواری اهالی مملکت را اعلان میشود که نیت مبارک حضرت

والا در این است که عوم مردم آسوده و رفع بعض ناملایمات و اجحافات که از خود مردم نسبت یکدیگر می شد بشود و خدمات کلیه دیوان از روی قاعده بوقعی که مناسب است انجام گرفته خیالات نافع برای آسایش عباد و حفظ نفوس و حدود مملکت و از دیار بروج تجارت و زراعت و غیره و غیره فرمایند .

استاتیک کثرت نفوس

از ممالکی که آهائش روز بروز در تریب است یکی هم انکستان است بنا بدفتر استاتیک (دفتر مقایسه) که در روزنامه های انکلس بنظر رسیده است در این سال از ابتدای ماه ژوئن الی انهای ماه سپتامبر یعنی در مدت سه ماه در انکستان دو بیست و هشتاد و دو هزار و پانصد و بیست طفل دنیا آمده و از مردوزن بیرو جوان و اطفال سر هم رفته یکصد و سی و نه هزار و دو بیست و هشتاد و یک نفر وفات کرده اند . یعنی در امتداد این سه ماه یکصد و چهل و نه نفر بر مردم انکستان افزوده شده است . جمیع اهالی انکستان شصت و هشت کرور و یکصد و پنجاه و شش هزار و یکصد و سی و سه نفر است .

و حال اینکه در بیست سال پیش از این نفوس انکستان علی التخمین بیشتر از چهل کرور نبود . از این فرار سالی بیشتر از یک کرور بر نفوس انکستان علاوه شده است .

در ممالک عثمانی و ایران و سایر ممالک شرق قضیه بر عکس است و جهتش این است که طریقه حفظ صحت در این اقالیم مجهول است . مردم مانند نباتات خود رو بمعمل می آیند . و جهت اینکه مردمان شرق نسبت بر مردمان اروپا قوی البنیه و یرتاب و توان تر هستند این است که در ممالک شرق اطفال ضعیف الخلقه ممکن نیست که زیست بکنند مثل کلهای یادریز محض شکفتن باندک نسبی میریزند و اطفالیکه قوی البنیه هستند مانند کلهای سالم هستند که هر قدر باد شدید بوزد پای ثبات فشرده با طبیعت مقاومت می نمایند . البته این چنین اطفالیکه در چندین سرزمای زمستان و گرمای تابستان بایکتبا و بایک پیراهن سر برده باه نوح اغذیه ناملایم پرورده شده عشاق دنیا

در حین صباوت خوی گرفته فوت طبیعی جان بدر
رده جوهره علم نبرده و سببی نماند نخورده باشد
باضربه سالم و قوی البته خواهد بود ولی
در اروپا اطفال ضعیف را بقاعده حفظ صحت
میبرورند و چنانچه باغبانان نهالهای ضعیف را
در میان خاتهای گرم و درز بر سقف بلور با حرارتهای
مصنوعی بعمل می آورند همینان هم والدین آن
نوع اطفال را مصنوعی تربیه نموده بزرگ میکنند .
این است که در اروپا مردمان ضعیف البته خیلی
یافت میشوند و سال بسال بر شماره نفوس آنها
می افزاید .

مکاتیب

بازاره شریفه اختر شهر ذی قعدة
از اصفهان ۱۲۹۶

در شماره ۲۵ اختر وقایع شورش اصفهان را
مطالعه کردم چون سبب تکلیف کلام طوری بود
که بخبر اختر حکومت را ذبح و یکی از همای ذات
مجد و شرف را که خدمت نمایان در آن باب کرده بودند
بی حق نموده بود باینکه گذارش طرح غله را خود
مخبر در اختر باین عبارات اقرار نموده و در اخته چنین
نوشته شده است (در طرح غله دیوانی بخیازها

بصادت معموله عوام کالانصام را برانگیزانند)
نمیشود فهمید این طرح غله چه چیز است و چه
عادت معموله است ؟ بکرای خود يك ظلم فاحش
علایقه نیست در حق رعایا که وقت ارزانی غله را
بر عیت طرح کنند و وقت کرای پول آنرا مطالبه
نمایند این عادت ملعونه از کمانده است از ملوک
فرس مانده است و با از خلفای اسلام ؟ این يك
عادت فحیح و مستحق هزار قسم تشنیع است که از
مغول و ترك و سایر ملوک طوائف ایران مانده است .
دوات حق عثمیری در جنس از رحمت دارد خواه
ارزانی باشد خواه کرای دیگر حق ایتر ندارد
که قیمت آنرا مطالبه کند آنهم بالمضاف این يك
مصلی است که همه اهل اصفهان و آذربایجان
و خراسان و غیره و غیره میدانند اگر در وقت
قول مرا تکذیب کنند . در همین مقدمه اصفهان
بنده خود حاضر بودم مردم بحدی بسته آمده
بودند که از دهات حول و حوش جمعیت بشهر آمده
و ده روز دکا کین بسته شده بود که نان بدست نیامد
و اگر جناب آقای میرزا محمد حسین امام جمعه مردم را
ساکت نمیکردند بلاغراق بانصد نفر در آن بلوا
کنده میشد اما تکر افغانه اصفهان ماجرا را
بر خلاف حقیقت بمرض دوات رسانید . پادشاه
ایران بالفطره عادل و رؤف و غم خوار رعیت
هستند در این فتره کبیرا مجال انکار نیست که امروز

در ایران کسی که در خیال رعیت است شخص مقدمین
پادشاه است این را تنها من نمیکویم بل همه میگویند
اما امان از بعضی مقرران بارگاه سلطنت . خلاصه
وضع کارها طور است که اعتقادی اکثره قلی
ایرانست که عنقریب از این گونه ظلهای علانیه
و از این قسم اشتباه کارها که در دربار سلطنت
نمیکند و رعیت را باین شدت دچار مظالم میکنند
يك حادثه ناگواری ظاهر خواهد شد که تدارك
و اصلاح آن با سانی میسر نخواهد شد چرا که ظلم
از حد و اندازه گذشته است اگر در تیر بر مخبر صادق
دار بد بشما خواهد نوشت که الآن در مطالبه پول
غله چه حکامه است . مدیر اختر در اسلامبول
نشسته جمیع معایب کارهای دولت عثمانی را مینویسد
هیچ حرفی ندارند بلکه ممنون هم هستند اما وقتیکه
دو کله من باب خیر خواهی و نصیحت در حق ایران
مینویسد هزار توب و تشر میرساند که غضن
میکنیم اختر داخل ایران نشود نکته این معلومست
امضای دربار میخواهند پادشاه از معایب مملکت
خود مطلع بشوند . واقعا رجال دولت که اسم
خودشان را امان گذاشته اند در کدام يك حادثه
بجلسی کرده و تحقیقات نمودند و مقصر را از غیر
مقصر تیر دادند هر گاه ده سال قبل از این فی الجمله
تحقیق بود اکنون آنهم متروک شده و کارها را

کشتی داشتم اگر رحلت (سز و ستریس) سد راه
نکشتی بس (متوفی) بلطافت الخلیل از محبس
خلاص شده از شیطنتی که داشت در حضرت
سلطان جدید تقریبی بسته برای انتقام سدما تیکه
بسبب من بد و رسیده بود در همان برج محبوس
نمودند مدتی در آن زندان بجزت و تلخی تمام روزگار
بسر بردم و روز را شب شمردم احکامیکه (ترموزری)
را هب استخراج کرده از چیزهاییکه خبر داده
و اسراریکه در غار از سرش عالم ضییم بکوش
رسیده بود در نظرم خواب و خیال واضعات
و احلام می نمود پس بدریای بیکران غم فرو رفته
و غریب ببحر محنت و الم شده و دیده و دل را بتماشای
اهواجی که بدیوار برج می رسید مشغول می کردم
و گاهی باینها تیکه طوفانی کشته و در خطر
هلاکت بودم و باد مخالف مهار سفینه را رو بر

کران و سسنگهای کران می کشد تا شیشه وجود
کشتی نشینان را بر سنگ عدم زند تفرج کرده بجای
آنکه باحوال بچاری ایشان رفت کنم و رحمت
آورد بحالت ایشان سرت برده و بخود می گفتم
که عن قریب غریب بقبح عدم گشته از کرداپ شداند
و بدبختی میرهند یا از آن ورطه بسته بوطن خویش
میرسند آوخ که مرا هیچ يك به سر نیست در هکامیکه
خود را بخصمه این خیالات بچینی انداخته بودم
بناگاه کشتی بیاری از دور نمودار شد از کثرت
ستون کشتیها پهنه در یا مانند جنگلی گردید و روی
آب بر از حباب شرع کشت و از ضرب دست
پارو کشان رود نیل چون بیل مست کف بر آورد
پس از هر سو صداهای هولناک و هیاهو بانگ برخواست
جعی از مصریان را دیدم که اسلحه پوشیده
باشتاب تمام از هر طرف می دویدند و فوجی

با استقبال کشتیهای شناختند چون در مدت سفر
سراسر خطر خویش بصیرتی کامل در اوضاع
کشتی و امور بحریه حاصل کرده بودم از اعلام
آن سفاین شناختم که از کشتیهای مملکت (فیس)
و از جزیره (شیر) بودند که اهل مملکت مصر
از بسداد (بوکوریز) بفریاد آمده نامه های
چندی مشتمل بر داد خواهی نگاشته و ایشان را
بامداد خویش خواسته بودند پس مصریان تفرقه
افزاده اتفاق يك سونهادند (بوکوریز) نیز
بحکم جهالت و نادانی از روی تهور و ضرور جوانی
باجهی از رعایا و سپاهیان از طرفی آتش سنیر را
تیز کردند و من نیز از فراز برج بر آن جنگ خون
آلود تماشا می کردم طایفه که بادشمنان متحد
بودند بطایفه دیگر که اعوان و انصار (بوکوریز)
بودند حمله آوردند و آن شاهزاده را می دیدم که